



اثر چارلز رابرتسون انگلیسی (۱۸۹۱-۱۸۴۴)



پیام شایانی

وکیل تصادفات

♦ رانندگی ♦ زمین خوردگی

♦ صدمات ناشی از کار

(408) 777-8867

(800) 261-1314

سحر سلاحي

Selahi Insurance Agency

♦ سلامتی ♦ مسکن ♦ اتومبیل ♦ مشاور مالی
♦ برنامه ریزی بازنشستگی ♦ بودجه کالج ♦ عمر
و هزینه فوت ♦ محل کسب و از کار افتادگی

(408) 931-6434





دفتر میهن

Mihan Company

با مدیریت آقای کاشی

با همکاری کارشناسان حقوقی و وکلای دادگستری در ایران

- ✦ *Accepting Advocacy & Arbitration in Iran*
- ✦ *Inheritance & Probate of Will*
- ✦ *Real Estate counseling & property in Iran*
- ✦ *Marriage & Divorce*
- ✦ *Consulting about issuing or renewal passport & Birth certificate*
- ✦ *Consulting about retirement pension in Iran*
- ✦ *Drawing up power of Attorney & contract*

- ✦ انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- ✦ انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- ✦ استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده
- ✦ انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران
- ✦ مشاوره در امور دریافت شناسنامه، کارت ملی و پاسپورت
- ✦ برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- ✦ تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قرارداد

برای انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران، از هر نقطه آمریکا، با ما تماس حاصل فرمایید!

www.mihancompany.com ✦ info@mihancompany.com

دفتر شمال کالیفرنیا

روزهای شنبه با تعیین وقت قبلی

دفتر جنوب کالیفرنیا

(408) 444-7000 ✦ (877) 644-2607 ✦ (310) 967-7755

940 Saratoga Ave., Suite #107, San Jose, CA 95129

دفتر حقوقی مهاجرتی دکتر پژمان بهکار

Law Offices of Pejman Behkar

انجام کلیه امور مهاجرت

ما پرونده های مهاجرت شما را در مراحل پیچیده، با استفاده از قوانین، تخصص و مهارت لازم و با بهترین نتیجه به اتمام می رسانیم!



دکتر پژمان بهکار
وکیل امور مهاجرت
Doctorate in Law with
emphasis in International Law
Licensed in Ninth Circuit Court Of Appeals

(408) 249-9898 ✦ (415) 663-2100

- ✦ Green Card through Investment (EB5)
- ✦ Green Card through Family & Employment
- ✦ Tourist, Fiance & Student's Visa
- ✦ Investor Visa (E-2)
- ✦ Asylum & Refugees

- ✦ اخذ گرین کارت از طریق سرمایه گذاری (EB5)
- ✦ اخذ گرین کارت از طریق خانوادگی و کار
- ✦ دریافت انواع ویزاهای توریستی، نامزدی و دانشجویی
- ✦ دریافت ویزاهای کار و سرمایه گذاری (E-2)
- ✦ امور پناهندگی از داخل و خارج از آمریکا

940 Saratoga Ave., Suite #107, San Jose, CA

پیام شایانی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ

Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

(408)777-8867

(925)777-0432

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

ملتی که نشان داد می تواند دوباره متولد شود

حمید آقایی

اگرچه زلزله کرمانشاه خرابی‌های بسیاری بر جا گذاشت و صدها قربانی گرفت، اما با همیاری و همبستگی نهادهای مختلف مردمی و حمایت‌های گسترده مردم از زلزله زدگان پدیده‌ای امیدوارکننده از زیر تل‌های خاک و آوار سر بر آورد و خود را نمایان ساخت که



می‌شود. عدم اطمینانی که ریشه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی دارد، و معمولاً به جدایی مزمین بین دولت و ملت در ایران نسبت داده می‌شود.

به عقیده نگارنده اگرچه اعتماد و اطمینان حاصل از آن شروط بسیار اساسی و الزامی برای تنظیم یک رابطه پایدار و مثبت بین دولت و ملت هستند، اما این حمایت‌ها و همبستگی‌های خودجوش مردم دلایل و ریشه‌های بسیار عمیق‌تری از صرفاً عدم اعتماد به نهادهای دولتی دارند و باز می‌گردند به موضوع «موقعیت‌های انسانی» که هانا آرنت بطور مفصل به آن پرداخته است. همانطور که او اشاره دارد، اعتماد و اطمینان فقط ابزارهای بسیار لازم و ضروری برای حفظ و تداوم این موقعیت انسانی هستند و نه ریشه و علت

شاید برای بسیاری از ما و حتی مردمی که خود در متن کمیک و همیاری بودند، جدید و تحسین برانگیز بود. این پدیده اگر چه در عمق روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگی ما همیشه وجود دارد، اما خود را معمولاً در شرایط عادی و معمولی زندگی کمتر نشان می‌دهد. این پدیده را با الهام از نظریات «هانا آرنت» پیرامون شرایط انسانی (Human Condition) «موقعیت طبیعی انسانی» می‌نامم و سعی می‌کنم در این یادداشت به آن بپردازم.

آنچه که به وضوح پس از زلزله کرمانشاه شاهد آن بودیم، حمایت‌های خودجوش مردمی از زلزله‌زدگان بود. حمایت‌هایی که به یمن وسائل ارتباطی مدرن از طریق اینترنت، نه تنها مستقل از نهادهای سنتی

صفحه ۱	تبلیغ	شکل‌گیری ویا ضربه‌پذیری این
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب	موقعیت انسانی. اما این موقعیت
صفحه ۳	اخبار	انسانی چیست و چگونه می‌توان
صفحه ۴	یاد آوری هایی از فرهنگ ایران (علی اکبر جعفری)	آن را در حمایت و همبستگی‌های
صفحه ۵	تبلیغ	مردم با زلزله زدگان پیدا کرد؟
صفحه ۶	نامه های شگفت انگیز (بهرام فره وشي)	دو حرکت خودجوش مردم منطقه
صفحه ۷	ادوارد براون و ایران (ایرج یارسی نژاد)	غرب کشورمان، که یکی چند
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)	ماه پیش در هنگام ابراز شادی
صفحه ۹	با (هادی خرسندی)-اخبار	از فرزندوم اقلیم کردستان و
صفحه ۱۰	نقدی کوتاه بر نوشتار «ولتر» (احمد ایرانی)	تجمع‌های مردمی در خیابان‌های
صفحه ۱۱	آگهی	شهرهای کردستان ایران شاهد
صفحه ۱۲	چگونگی پیدایش خط (هما گرامی فره وشي)	آن بودیم و دیگری حمایت‌های
صفحه ۱۳	آگهی	بسیار وسیع مردمی (به‌ویژه مردم
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)	مناطق کردستان و کرمانشاه) از
صفحه ۱۵	خاطرات در گذر زمان (هوشمند عقیلي)	زلزله‌زدگان در روزهای اخیر،
صفحه ۱۶	اخبار	کنتراست بسیار قابل تاملی را به
صفحه ۱۷	نوشخند، پوزخند (عترت گودرزی)	نمایش می‌گذارند. کنتراستی بین
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)	دو حرکت خودجوش، که اگرچه
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)	در ظاهر ارتباطی با هم ندارند و
صفحه ۲۰	یادداشتهای بی تاریخ (صدرالدین الهی)	حتی به ظاهر متضاد با یکدیگر به
صفحه ۲۱	کردیت ریبر(ماتی حاتمی)کردیت ریبر(آرش زاد)	نظر می‌رسند؛ که یکی نشانه‌هایی
صفحه ۲۲	از درگوشی‌ها (پیرایه)	از تمایل به خودمختاری و جدایی و
صفحه ۲۳	به نام هستی (حسین الماسیان)	دیگری روحیه همبستگی و اتحاد را
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)	به نمایش می‌گذارد، در عین حال
صفحه ۲۵	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)	اما زمینه‌ها، دلایل و انگیزه‌های
صفحه ۲۶	تبلیغ	مشابه و مشترکی دارند؛ که
صفحه ۲۷	تبلیغ	موضوع این یادداشت است.
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریناز کدخدایان)- اخبار	هانا آرنت معتقد است که ما هرگاه
صفحه ۲۹	هیجوقت دیر نیست (آتوسا یکان)	به یک عمل و کنش جدید، متفاوت
صفحه ۳۰	آگهی	با کارهای عادی و روزمره دست
صفحه ۳۱	آگهی	می‌زنیم و پدیده و واقعیت جدیدی
صفحه ۳۲	«ترنج» در داستان یوسف و زلیخا (بهرام گرامی)	را خلق و به منصف ظهور می‌رسانیم،
صفحه ۳۳	جهان بینی مولوی(حسن مسیح پور)	در حقیقت به جهان پیرامون خود
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول	نشان می‌دهیم که ما چه موجودی
صفحه ۳۵	نیازمندها - فال ستارگان	هستیم. وی این نوع کنش را تولدی
صفحه ۳۶	تبلیغ	دوباره می‌نامد، تولدی که انسان
صفحه ۳۷	عشق، هوس، نفرت (عباس پناهی)	بواسطه آن پرده‌های جدید و استثنایی
صفحه ۳۸	بیمه چه فوایدی... (سحر سلاجی)-لغو قانونی... (دارپوش گیلانی)	از وجود و ماهیت خویش به نمایش
صفحه ۳۹	اخبار	می‌گذارد. دنباله مطلب در صفحه ۵۰
صفحه ۴۰	شعر	
صفحه ۴۱	قالی بافی در مناطق مختلف ایران (محمد جواد نصیری)	
صفحه ۴۲	مبارزه با فساد از مسیر... (نعیمه دوستدار)	
صفحه ۴۳	آشنایی با ... (فتانه هوشداران)- اخبار	
صفحه ۴۴	از اینجا، از آنجا (گلنار)	
صفحه ۴۵	اخبار	
صفحه ۴۶	حاجی آقا (صادق هدایت)	
صفحه ۴۷	اخبار	
صفحه ۴۸	اخبار	
صفحه ۴۹	اخبار-دنباله مطلب	
صفحه ۵۰	دنباله مطلب	
صفحه ۵۱	دنباله مطلب	
صفحه ۵۲	دنباله مطلب	
صفحه ۵۳	دنباله مطلب	
صفحه ۵۴	دنباله مطلب	
صفحه ۵۵	دنباله مطلب	
صفحه ۵۶	دنباله مطلب	
صفحه ۵۷	دنباله مطلب	
صفحه ۵۸	دنباله مطلب	
صفحه ۵۹	انگلیسی	
صفحه ۶۰	انگلیسی	

در خواست اشتراک نشریه پژواک

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست در آمریکا: یکساله ۷۵ دلار
برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

(408)221-8624 PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157



ماهنامه پژواک تاسیس: ۱۹۹۰ - صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

♦ مسئولیت صحت و سقم آگهی‌ها با صاحبان آگهی می‌باشد. شرکت پژواک هیچگونه مسئولیتی را در این مورد نمی‌پذیرد. ♦ استفاده از طراحی‌های این نشریه بدون اجازه کتبی از شرکت پژواک (حتی برای صاحبان آگهی) غیر قانونی می‌باشد. ♦ ماهنامه پژواک در انتخاب، حکم و کوتاه کردن و اصلاح مطالب آزاد است. ♦ دیدگاه نویسندگان الزاماً بیانگر نظر مسئولین پژواک نمی‌باشد. مسئولیت نظریه‌ها به عهده نویسندگان است.

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:
PO BOX 9804,
SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.

روزگار گمشده کودکان سرباز ایرانی

آیدا قاجار



شهادت گم‌نام یا چاپ تصویر کشته‌شده‌های جنگ روی لوازم التحریر دانش‌آموزان و حتی درج نام «حسین فهمیده» به عنوان یک قهرمان ملی؛ کودک سربازی که در این جنگ کشته شد.

جست و جویی در وبسایت راهیان نور، رویکرد این طرح را به خوبی نشان می‌دهد. راهیان نور، کاروانی است برای بازدید دانش‌آموزان از مناطق جنگی بازمانده از هشت سال جنگ ایران و عراق. نخستین جمله در بخش «درباره ما» این سایت، سخنی از روح‌الله خمینی است: «خدا می‌داند راه و رسم شهادت کورشدنی نیست و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند کرد.»

رفتن روی مین‌های باقی‌مانده از جنگ. بنا بر گزارش «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس» که بعد از پایان جنگ با عراق تشکیل شده است و زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح ایران قرار دارد، در هشت سال جنگ، بیشتر از ۳۳ هزار دانش‌آموز کشته شدند. با در نظر گرفتن شمار کودکان مجروح در این مدت، می‌توان نام هزاران کودک را به زبان آورد که کودکی از آنها گرفته شده است. میل به استفاده از کودکان در جنگ اما همچنان در میان مسئولان نظام باقی است. همین پارسال بود که با مخالفت گسترده بسیج، مجلس شورای اسلامی امضای «پروتکل منع مداخله کودکان در منازعات مسلحانه» را از دستور کار خارج کرد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۳**

در توضیح هدف از این کاروان نیز آمده است: «آشنایی آینده‌سازان کشور با این حماسه‌ها، ضامن حفظ استقلال، رشد و بالندگی ایران خواهد شد.» بنابر گزارش های مختلف رسانه های داخلی، از سال ۱۳۸۶ به بعد، صدها دانش‌آموز و بزرگ سال در سفرهای این کاروان جان باختند؛ آن‌هم در مسیر صعب‌العبور یا

شناسنامه‌های خود از طریق آشناهایی که داشتند یا به واسطه «پایگاه های مقاومت بسیج» که افراد زیر ۱۸ سال را می‌پذیرفتند، توانستند قدم به جبهه‌های جنگ بگذارند. «عرق ملی» یا «عشق شهادت»، آن هم در سال‌های پس از انقلاب ۵۷، هم زمان با کشتار منتقدان و مخالفان در زندان‌ها، کودکان بسیاری را اسلحه به دست، راهی قتل‌گاه کرده بود. در آن زمان، انقلابیون و حکومت‌داران مذهبی، جنگ را به کربلایی تشبیه می‌کردند که قرار بود «حسین‌وار» در آن، تا پیروزی نهایی بجنگند. در تاریخ شیعیان، در کربلا هم کودکان پا به رکاب جنگ‌جویان بوده‌اند.

شهادت‌پروری و فرهنگ‌سازی برای جنگ را می‌توان در برخی طرح‌ها و برنامه‌هایی که همچنان در جمهوری اسلامی اجرا می‌شوند، مشاهده کرد؛ از راه اندازی کاروان «راهیان نور» تا تخریب بخشی از جنگل «ناهارخوران» گیلان و بسیاری مناطق گردشگری کشور به منظور احداث موزه دفاع مقدس و آرامگاه ۵۰ ساله است اما بیشتر می‌نماید. ۱۴ ساله بود که برای اولین بار به میدان جنگ رفت و اسلحه به دست گرفت. او که اکنون در تهران زندگی می‌کند هم مثل کودک سربازهای بسیاری که قدم به جنگ ایران و عراق گذاشتند، از طریق بسیج محله به دنیای «جهاد» پا گذاشت. حالا بعد از گذشت سه دهه، می‌گوید که جنگ «فرصت نوجوانی» یا در یک کلمه، «زندگی» را از او گرفت؛ مثل درس خواندن و عاشق شدن.

او در سنین کودکی با ده‌ها جوان و میان‌سال هم‌نشین شده بود که هریک حامل فرهنگی متفاوت بودند: «ناخواسته بزرگ می‌شدم و دغدغه‌های نوجوانی را فراموش می‌کردم. اما حس دوست‌داشتنی قهرمان شدن داشتم. هنوز با گذشت ۳۱ سال از اولین جبهه‌ای که رفتم، کشته‌های بی‌سر و بدن‌های پاره پاره و صداهای وحشتناک انفجار آزارم می‌دهد و کابوس می‌بینم.»



AS SEEN ON



Robert A. Abedi, J.D., Esq.

abedi@lawabedi.com

wwwEB3greencard.com

www.lawabedi.com ♦ www.iran2usa.com

علیرضا عابدی

وکیل متخصص مهاجرت آمریکا

دفاتر و کالت مهاجرت علیرضا عابدی و همکاران

تجربه ما، آسایش فکری شما، اعتماد شما، موفقیت ۱۰۰ درصد در اخذ گرین کارت و امور کنسولی

چرا ویزا؟ وقتی ما می‌توانیم برای شما گرین کارت بگیریم!

- ♦ اخذ گرین کارت و دفاع از اشخاص اخراجی در دادگاه
- ♦ جلوگیری و اصلاح اشتباهات رایج متقاضیان در امور مهاجرت
- ♦ جلوگیری از اخراج کسانی که در معرض اخراج هستند

دکتر علیرضا عابدی، وکیل با تجربه مهاجرت در آمریکا با سال‌ها سابقه درخشان و احاطه بر قوانین مهاجرت و آگاهی از تغییرات مهم اخیر در مقررات اجرایی، در خدمت شماست. از تجربه و دانش ما استفاده کنید.

ایرانیان عزیز، در این مقطع خطیر و حساس امر پیچیده مهاجرت، از مدعیان و کالت و شبه وکیل‌ها بپرهیزید!

425 Market street, Suite 2200, San Francisco, CA 94105

(415) 398-4504

Offices in Palo Alto, Mountain View & Irvine Las Vegas, Nevada





AMERICAN IMMIGRATION LAWYERS ASSOCIATION

1331 G Street NW, Suite 300
Washington, DC 20006-3142
202.507.7600 • www.aila.org

Member ID#: 14730

Member Since: 06/06/2000 Member Type: Regular

Expiration Date: 11/14/2017

در صورت عدم موفقیت در اخذ کارت سبز، هزینه و کالت شما را بر می‌گردانیم

این هنرها را در سراسر سرزمین های همسایه ایران نیز می بینیم. تازیان آمدند و چون اسلام نگاره جانداران را نمی پسندد، نگارگران چیره دست ایرانی به آرایش گل و بوته پرداختند و هنر «اسلمی» را پدید آوردند که امروز بازار گرمی بر نقش و نگار پارچه دارد و آن را بر پوشاک زنانه و مردانه، به ویژه بر کراوات و شال گردن جهانیان می بینیم که کمتر کسی بنیاد و پیشینه این هنر را می داند. ترکان و مغولان آمدند و ناگهان در نقاشی، هنر چین پدید آمد و چشمان «بادامی» چهره طبق نما گردید و امروز آنچه را که به نام «مینیاتور» می شناسیم و آن را از دریای مدیترانه تا خلیج بنگاله می یابیم، زاده و پرورده همین هنر ایرانی-چینی است.

در باره مانی و کتاب ارژنگ او بسی شنیده و خوانده ایم. آیا گاهی به این اندیشه افتاده ایم که آن چه نقشی در «تذهیب» قرآن و دیگر کتاب ها، به ویژه نوشته های «مصور» داشته است؟ هنر تذهیب کتاب از ایران زمین به اروپا راه یافته و در آنجا نیز بسی هنر آفریده است.

نام از کتاب آمد و به یاد نوشتن و نگاشتن بر پوست افتادیم. نوشته اند که زرتشت اوستا را بر ۱۸۰۰۰ پوست گاو با زر نویسند. ما خوب می دانیم که در زمان زرتشت مردم آریا به نوشتن و خواندن آشنا نبودند ولی اگر گذشت زمان رابه دیده بگیریم خواهیم دید که این گفته بالا دو چیز را می رساند. یکی اینکه ایرانیان با هنر پوست پیرایی و دباغی آشنا بودند و دیگر اینکه نوشتن کتاب بر پوست پیش از یاد در زمان هخامنشیان روا و روان گردیده بود. زمان هایی گذشت تا ایرانیان برگ «پاپیروس» را از مصریان و کاغذ را از چینیان آموختند اما دستنویس های چندین صد ساله پیش پاریس به نیکی نشان میدهد که هنر کاغذ سازی و خوشنویسی تا چه اندازه ای به دست ایرانیان، بویژه در خراسان، فروغ یافت. نگاره های رنگین را بر کاشی از زمان هخامنشی داریم تا به امروز. آن نیز از همان زمان پرورده شد و راه به کشورهای همسایه پیدا کرد و در آن جاها گسترش یافت. امروز هنر نگاره بر کاشی و چینی جهانگیر گردیده است. اما کاشی ایرانی هنوز زیبایی یگانه خود را دارد.

یادداشت: چون شمار نگاره ها بسی است، ما همه را در بخش آینده خواهیم داد.

بازرگانی را فروغ شگفتی بخشیدند و می بخشند. ما از بازرگانی شهرک ها با یکدیگر، از دره سند در پاکستان گرفته تا رود نیل در مصر یاد کردیم. آن را با راه انداختن کاروان انجام می دادند. در اوستا یکی از جشن های ششگانه سال، بنام «گاهنبار» که از نوروز آغاز می شد و در میان زمستان پایان می یافت. گاهنبار پاییز به نام «ایاسرم» به معنی «بی کاروان» بود که از بیستم تا بیست و چهارم مهر ماه بر گزار می شد زیرا دیگر کاروان با فرا رسیدن پاییز و سپس زمستان برفی، راه نمی افتاد. برپایی فرمانروایی هخامنشی راه های بازرگانی را گسترده و بازرگانی فروغ یافت و داد و ستد، و پیشه و پول و هنر و فرهنگ روا گردید و این روش کما بیش تا زمان ساسان دنباله داشت و باز در زمان اسلامی جان تازه ای یافت و از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس گسترده شد و سپس به دست اروپاییان بجایی رسید که می بینیم.

هنر و نگارش

همه خواننده و شنیده ایم که «هنر نزد ایرانیان است و بس» ولی این را بدان معنی نگیریم که می گیریم. هنر از دو واژه پدید آمده است: «ه» به معنی «خوب» و «نر» به معنی «آدمی رسا بالغ» و آن کار نیکو و زیبایی را گویند که مرد یا زن کار دانی انجام داده باشد. انسان نخست هنر را آفرید و پیروان آن را پروردند و هنر ها آفریدند. مردم ایران زمین هنرهایی از خود در ساختن و پرداختن نیازمندی های زندگی از ابزار سنگ و گل و چوب و مس و آهن و سیم و زر و جز آن دست داشته اند و از دیگران آموخته و آن را بهتر گردانده اند. یکی از این هنرها نگارش بوده که نشان هایی از آن بر سفال کهن می یابیم که از نقش و نگار زیبا و تراز، از جانوران و پرندگان و درندگان، از زندگی روزانه مردم گرفته تا رقص های گروهی و دسته نوازندگان گویا است. تندیس های کوچک و بزرگ از خدایان مادینه و نرینه، مادر سالاران فریه، پرداختن سالاران جنگجو و کودکان زیبا داریم. با بر سر کار آمدن هخامنشیان، آموزش و آموزش نگار کاری و نقاشی بسی بیشتر شد.

سنگ نگاره ها، مهرهای گلین و سفالین، سکه و زیب و زیور از اثرهای بابلیان، مصریان، یونانیان، و دیگران نیز نشان های فراوان دارد و هنگامی که به زمان اشکانیان و ساسانیان می رسید، همین نگاره ها را ایرانی تر می یابیم و آنگاه

یاد آوری هایی از فرهنگ ایرانی

دکتر علی اکبر جعفری



پیشه و پول

شهری گری و تمدن، پیشه وری را پدید آورده و آن را گوناگونی بخشیده است. از اوستای کهن پیدا است که زمانی اجتماع مردم آریا بر خانه و برزن و آبادی و کشور بود ولی همین که شهر نشین شدند، مردم بنا بر پیشه شان به چهار بخش شدند که این چهار پیشه را در اوستای پسین می یابیم. پیشوایان دینی، کنگاوران، کشاورزان و صنعتگران. داد و ستد بازرگانی بر پایاپای استوار بود، اما مردم لیدی در ترکیه امروز پول را راه انداخته بودند و هخامنشیان آن را در سراسر شاهنشاهی روا گردانیدند و بدین راه، داد و ستد جهانی جانی تازه یافت و امروز در جهان بازرگانی و بانکداری، آن پول است که دار و مدار آن گردیده است.

کار و کاروان

از پیشه و پول گفتیم و همین دو کار

کشورداری

از شهرداری شهرک های بس کهن از شهر سوخته است در سیستان تا شوش در خوزستان در سراسر ایران زمین آغاز شد و در فرمانروایی های ایلام و همسایگانش پرورش یافت و در زمان هخامنشی گسترش جهانی پیدا کرد. سر و سامان کشور داری که در آن آزادی آمد و رفت و کار و کوشش روا بوده، از زمان هخامنشی راه و روشی از خود پیدا کرد و در آن کار پختگی و تجربه سده های مردان گوناگون در زیر یک سامان گرد هم آمد و پیکر تازه یافت. پیکری که از آن همه آیندگان، از ایرانیان اشکانی، کوشانی، ساسانی گرفته تا هندیان، چینیان، یونانیان، رومیان، تازیان، ترکان، مغولان و اروپاییان بهره برده اند و می برند. ایران بهره بزرگی در پرورش و گسترش کشور داری جهان دارد.

کامران پورشمسی
متخصص و مشاور در امور خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor
Residential, Commercial,
Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478



◆ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
◆ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

SELL YOUR HOME WITH US AND SAVE THOUSANDS IN COMMISSION!



You will only pay 3.5% to sell your home

*1% to listing broker
2.5% to buyers broker*

Call today to SAVE!

Bahar: 408-442-4547
Shawn: 408-313-5900



Commision Fee	6%	3.5%	You Save!
\$1,000,000 Home	\$60,000	\$35,000	\$25,000
\$1,500,000 Home	\$90,000	\$52,500	\$37,500
\$2,000,000 Home	\$120,000	\$70,000	\$50,000
\$3,000,000 Home	\$180,000	\$105,000	\$75,000
\$5,000,000 Home	\$300,000	\$175,000	\$125,000
\$8,000,000 Home	\$480,000	\$280,000	\$200,000

Commissions are negotiable and not set by law.

Bahar Hatami & Shawn Hatami



408-313-5900



www.Thehatamiteam.com



1601 S. De Anza Blvd Ste 260 Cupertino Ca 95014

License # 01994689 - 01169715



ولی اغلب آنها فقط از گل معمولی و گل رس ساخته شده اند. تعدادی از آنها سقف های برجسته دارند که بجای سنگ لوح و سفال با تخته های چوب پوشیده شده اند و بقیه دارای بام های مسطح هستند. خانه ها همه دارای یک طبقه هستند و در و پنجره های آنها در همان طرفی قرار گرفته است که در ورودی قرار دارد. بسیاری از خانه ها فقط در ورودی دارند و پنجره ندارند. چون پوشش بام ها از کاهگل فشرده است و تا ارتفاع یک پا بر روی تیرهای چوبی و تخته های کوچک گسترده شده اند، وقتی که باران مدتی دوام یابد، نمی توانند در برابر آن مقاومت کنند و سرانجام تمام خانه غرق در آب باران می شود. اشخاصی که در رفاه هستند برای رها شدن از این ناراحتی، لایه ای قیر بر روی بام می گسترانند و برای اینکه قیر در اثر حرارت خورشید آب نشود مراقب آن هستند و بر روی آن نفت می پاشند.

در شماخیه هیچ ساختمان عمومی وجود ندارد که قابل دیدن باشد. هیچ مسجد زیبایی هم در آن نیست، معهدا شهری است که در آن بازرگانی رواج کامل دارد و انبار مسکو و ایران است. مسکویی ها در آنجا کاروان سرا یا انبار دارند و کرک و پشم و چرم و پوست و مس و مال التجاره های دیگر را از کشور خود به آنجا می آورند و ایرانیان و هندی ها در آنجا پارچه های ابریشمی و پنبه ای و پارچه های زربفت و نقره و مقدار بسیار زیادی پبله ابریشم می فروشند و تاتارها اسب و برده می آورند. در آنجا بازاری است که چندین کوچه به آن می انجامد. این بازار در هر دو طرف دارای دکان هاست و سرپوشیده است. اما در مورد مذاهب که انجام فرایض آنها بطور علنی در شماخیه مجاز است، باید گفت که تقریبا همه نوع مذهبی در آنجا وجود دارد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۷**

مصاحبان بد را تحمل می کنند و به فکر آن نیستند که با وسیله ای خود را از شر این حشرات رها سازند. کفش های آنها از چرم سر یک گاو یا یک گراز ساخته شده است و از هر طرف بروی پا بالا آورده شده و با ریسمان بسته شده است.

شهرت دارد که مردم آنجا متقلب و دورو و دروغگو هستند و درباره آنها گفته می شود که اینان اطمینان دارند که بدون دروغ گفتن نمی توان در کاری موفق شد ولی از طرف دیگر مردمی خوب و آرام هستند. در میان آنها به ندرت صحبت از دزدی و قتل می شود با وجود اینکه عوامل این جنایات خیلی به شدت تنبیه نمی شوند.

در این سرزمین به سه زبان صحبت می کنند. زبان ترکی زبانی است که بیشتر رایج است. زبان فارسی که به صورتی غلط صحبت می شود و زبان ارمنی. کودکان این سه زبان را بدون آنکه آنها را باهم بیامیزند فرا می گیرند و حرف می زنند. در اینجا ملیت های مختلف را با نحوه پوشاندن سر می توان بازشناخت. ایرانیان دوست می دارند عمامه قرمز بر سر بگذارند و آنها را قزلباش می نامند به معنی سرخ سران. ارمنیان قره باشی هستند به معنی سیاه سران و گرجیان را که شب کلاه کوچکی بر سر می گذارند، باشی آشوق به معنی سرپوشیده یا سرباز می نامند.

به شهر شماخیه می آیم که سابقا فقط قلعه ای بود که دور آن را دیواری فرا گرفته بود که جابجا دارای برجی بود و اکنون از آن جز چند دیوار چیزی باقی نمانده است. شهر از سوی جنوب وسعت یافته و بر روی پنج یا شش تپه گسترده شده است و کاملا باز است و بارو و خندق ندارد و در حدود هفت هزار خانه دارد. برخی از خانه ها از سنگ ساخته شده اند و ملاط آنها گل است



نامه های شگفت انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه

(بخش پنجم)

ترجمه زنده یاد دکتر بهرام فره وشی

با آزادی آنچه را که زندگی را مرفه و دلپذیر می کند، فراهم می سازد، ساکنانش مردمی فقیر و بیچاره و مسکین هستند. خواه اینکه تبلی خود مردم آنها را از بهره بردن از نعمت هایی که طبیعت بدانان ارزانی داشته است، بی بهره می سازد، یا اینکه مردم در زیر بار مالیات گزافی که از آنها گرفته می شود خرد شده اند. به من با اطمینان کامل گفته شده است که شاه ایران از سیروان دو میلیون عباسی درآمد دارد. خوراک عادی ساکنان این سرزمین سبزی و میوه است. لذت آنها در خوردن برنج و ماست ترش و پنیر است. لباس آنها از نوعی پارچه عبائی خشنی است به شکل جبه که در زیر آن پیراهنی آویزان می پوشند. تعداد کمی از آنان پیراهن دیگری برای تعویض دارند، بطوری که حشرات گزنده آنها را فرسوده و تحلیل برده اند، ولی آنچه که عجیب است اینست که با صبر و حوصله این

غیر از این حیوانات اهلی، جنگل پر است از گراز و گوزن و روباه و گرگ. در شماخیه بازرگانی قابل توجهی از پوست روباه برای شهرهای «استراخان» و «ارزروم» رواج دارد. در سیروان مرغ کاکلی و بلدرچین کمیاب تر است تا در فرانسه ولی در عوض کبک در آنجا بسیار فراوان است. همچنین هوبره، دراج و قرقاول فراوانند. در آنجا غاز و اردک و کبوتر و مرغ کلنگ وجود دارد. در تابستان لک لک ها می آیند و برای خود لانه می سازند و بچه های خود را در آن پرورش می دهند و سپس می روند و ناپدید می گردند. هنگامی که زمستان اندکی سرد است، چهار دراج را با پنج سول می توان خرید. یک هوبره به ۵ یا ۶ سول و یک قرقاول زنده به ده سول خریداری می شود. این حیوانات سرشان را در برف پنهان می کنند و به این ترتیب گرفتار می شوند. سرزمینی چنین خوشبخت که چنان



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
♦ درمان بیماری های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
♦Foot related diseases ♦Bunion, Callus, Corn ♦Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦Sports Medicine & Injuries ♦Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦Ankle Arthroscopy ♦Pediatric Foot Conditions ♦Flat Feet & Orthotics ♦Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

Wedding and Entertainment Coordinator
www.niosha.com
Niosha Dance Academy
DISCOVER THE UNIQUENESS
For the wedding of your dreams let Niosha blend music, dance and tradition into an unforgettable event.
To schedule a free consult please call 408-656-0505 or email niosha@niosha.com

فرا رسیدن کریسمس و سال نو ۲۰۱۸ میلادی
را به هموطنان عزیز مسیحی تبریک می گوئیم.

افلیا پرویزاد و همکاران



در پمبروک کالج انتخاب می شود و به پیشنهاد دانشگاه برای آشنایی بیشتر با فرهنگ و تاریخ و زبان و ادبیات ایران نخستین سال کار دانشگاه خود را در ایران می گذراند.

۱- گویا براون در این سفر نتوانسته با محمد طاهر تبریزی مدیر روزنامه اختر و نویسندگان آن میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی و شیخ احمد روحی دیدار کند و به گفته خودش او آنها را ملاقات نکرده ولی مکاتبه با آنها را سال ها ادامه داده است. شعر و مطبوعات ایران (۱۹۱۴)، ادوارد براون و ایران، ص ۲۱۲.

براون در بازگشت به لندن از سفر ترکیه پس از گذراندن امتحان زبان های فارسی، عربی و ترکی امتحانات پزشکی را نیز در بیمارستان سنت بارتلمی لندن طی کرد، اما ترجیح می داد که به جای پزشکی، شرق شناسی را به عنوان شغل دائمی خود برگزیند. او امید زیادی نداشت، تا اینکه زمانی که امتحانات نهایی را در دانشکده پزشکی دانشگاه کیمبریج تمام کرده بود برای تدریس فارسی و عربی و ترکی

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



**Realtor & Mortgage Specialist
for San Jose & Bay Area**

**از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره
و وامهای بدون کارمزد استفاده نمائید**

مدیریت املاک تجاری و مسکونی در سراسر بی اریا

سال ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408)605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 F NMLS#332989



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

«ادوارد براون و ایران»

بخش آخر

دکتر ایرج پارسی نژاد



house مترجم شرقی وزارت خارجه با الیاس ویلکنسون گیب (۱۹۰۱-۱۸۵۷) آشنا شد. گیب خاورشناس بزرگ انگلیسی پنج سالی از براون بزرگتر بود. استاد زبان عربی در دانشگاه لندن و آکسفورد و هاروارد و رییس مرکز مطالعات خاورمیانه بود. مادر ثروتمندش به یاد پسر از دست رفته اش، که از جوانی به ادبیات و علوم انسانی شرق دل بسته بود به اوقافی برای نشر متون قدیم فارسی و عربی و ترکی در ادبیات و تاریخ و فلسفه و دین بنیاد کرد که تا سال ۱۹۶۰ چهار و پنج اثر (در ۶۸ جلد) در مجموعه اوقاف گیب منتشر شد. ناگفته نماند که مرگ ناپهنگام گیب به او امان نداد که تاریخ شعر عثمانی خود را در شش جلد به پایان برد، اما او تنها یک جلد از آن را منتشر کرد. پنج جلد باقیمانده را براون از روی یادداشت های او به انجام رساند.

گیب می خواست در سفر براون به ترکیه همراه او باشد، اما خواست او عملی نشد و براون در ژوئیه ۱۸۸۲ در کشتی حامل ذغال سنگ از نیوکاسل راهی مدیترانه شد و از آنجا به استانبول رفت. براون در آنجا کوشید که با ایرانیانی که بیشتر در محله خان والده استانبول سکونت داشتند آشنا شود، اما دوستان ترک او که مایل به معرفی او به ایرانیان شیعه نبودند یاری نکردند و از دیدار محسن خان، سفیر ایران، نیز نتیجه ای حاصل نشد. تا اینکه سرانجام در بازار استانبول با آشنایی با فرش فروش تبریزی به نام محمد علی، که اهل کتاب بود با ایرانیانی دیگر آشنا شد. از جمله با روزنامه اختر و آثار نویسندگان این روزنامه، میرزا حبیب اصفهانی و میرزا آقاخان کرمانی آشنایی پیدا کرد. (۱)

سفر استانبول و آشنایی با ایرانیان دل بستگی براون را به زبان و ادبیات فارسی بیشتر کرد، خاصه آن که جنگ روس و عثمانی به پایان رسیده بود و علاقه او به زبان و فرهنگ ایران جانشین دل بستگی های پیشین او به زبان و فرهنگ ترک شده بود.

حاصل سفرهای پالمر به مصر و شبه جزیره سینا برای تحقیقات جغرافیایی و تاریخی کتاب هایی است چون «سفر به بیابان خروج، اورشلیم شهر هرود و صلاح الدین» طرح هایی برای جغرافیای تورات و تاریخ ملت یهود» (۱۸۳۹-۱۹۱۱).

پالمر مدتی به روزنامه نگاری رو می آورد «زندگی هارون الرشید» از آثار او در این دوره است که برای معرفی پنجمین خلیفه عباسی برای خواننده انگلیسی جالب توجه است. در پی شورش احمد عرابی پاشا (۱۸۳۹-۱۹۱۱) از رهبران ملی مصر در ۱۸۸۲ و نگرانی انگلیس در احتمال از دست دادن کانال سوئز دولت انگلیس از پالمر یاری می خواهد که از آشنایی او به اوضاع شبه جزیره سینا و گویش های اعراب بدوی در حل این مشکل سود بجوید. او این مأموریت خطرناک را می پذیرد، اما در این سفر است که راهزنان عرب در اوت ۱۸۸۲ او و دو همراهش را از پرتگاهی پرتاب می کنند و به زندگی پر ماجرایش پایان می دهند.

براون درباره پالمر می نویسد: «معلم من آدمی بسیار فاضل و کامل بود. به عربستان خیلی سفر کرده بود و زبان عربی را خیلی خوب حرف می زد، حتی در مصر و شام لباس عربی در بر می کرد که من عربیم تا کسی نفهمد که او اجنبی است. آنجا به اسم شیخ عبدالله مشهور بود. به غیر از زبان عربی، فارسی و هندی و اکثر زبان های فرنگستان را خوب می دانست. در عبرانی و یونانی و لاتین هم مهارت کافی داشت. علاوه بر این هنرها شعر خوب می گفت و در نقاشی و شعبده بازی هم ماهر بود و صاحب کتب متعدد بود. در صرف و نحو و لغت و ترجمه های کتاب های عربی و فارسی و هندی و غیره. قرآن عظیم الشان را با کمال دقت ترجمه کرده بود به زبان انگلیسی.»

ادوارد براون پس از موفقیت در دومین امتحان دانشکده پزشکی، به خواست او، پدرش به عنوان تشویق، وسایل سفرش را به ترکیه فراهم کرد. او از طریق جیمز ویلیام ردهاوس James Red-William (۱۸۹۲-۱۸۱۱) Red-

پزشک تاجیک نیز آموزش دهیم. اما دکتر میرشاهی در گفتگویی که باهم داشتیم گفت: «من یک روز توانستم با این بزرگوار تلفنی صحبت کنم و صمیمانه از او سپاسگزاری کنم. او به من گفت: دکتر! پدر من ایرانی است. ما مردمی فقیر بودیم که به یکی از امیرنشینان کوچ کردیم. پدرم کارش ماهیگیری بود و روزانه چندتا ماهی می گرفت و در بازار می فروخت. من که کودک بودم به او کمک می کردم. اما تنها خوراک ما ماهی بود و پدرم پول نداشت نان بخرد و من نان خیلی دوست می داشتم. به همین دلیل به کنار کشتی های ایرانی که در دریا لنگر انداخته بودند می رفتیم و پدرم چون فارسی بلد بود تقاضای نان می کرد؛ و ایرانی ها از آن بالای کشتی، یک یا چند بسته نان توی قایق ما پرت می کردند و ما نان را می خوردیم و لذت می بردیم. من آن لحظه های شاد را که چشمم به نان می افتاد هرگز فراموش نمی کنم و اگر چه در یک کشور عربی زندگی می کنم و فارسی هم زیاد بلد نیستم اما من یک ایرانی هستم...»

خواهد وسائل پزشکی برای تاجیکستان بخرند و پول ندارند، می گوید: «یک عرب، آنطرف پشت میزی نشسته و می داند که خیلی پولدار است و به خیلی جاها کمک کرده و می کند. بروید از او کمک بگیرید.»

دکتر میرشاهی و پروفیسور صادقی با کمال نومییدی سراغ مرد عرب می روند و جریان را به او می گویند. مرد عرب می پرسد: «چقدر پول لازم دارید؟» می گویند: «نمی دانیم. ولی شاید حدود یک میلیون دلار» مرد عرب می گوید: «باشد، شما صورت خرید بیاورید من پولش را می دهم» و اشاره به یکی از عرب های همراهش می کند که کاغذ قیمت را به او بدهید و پولش را از ایشان بگیرید.

دکتر میرشاهی تعریف می کرد که ما رفتیم و قیمت دستگاه اول را که حدود یکصد هزار دلار بود گرفتیم و به همان مردی که پولدار عرب معرفی کرده بود دادیم. او هم فوراً چک اش را نوشت و امضاء کرد. بهر روی ما توانستیم با ۸۰۰ هزار دلار کلیه دستگاه های جراحی قلب را در تاجیکستان وارد کنیم و به



یک سینه سخن

مسعود سپند

مرد عرب آریایی

قوم دیگری قزاق و قومی دیگر ازبک و این مردم هم آریایی هستند و خیلی راحت این حرف را می زنند. برعکس آن کسی که خیال می کند، هر کس می گوید «من آریایی هستم» طرفدار برتری نژاد است، آنها اصلاً این جوری فکر نمی کنند و به همین دلیل سال ۲۰۰۶ را تاجیک ها سال تمدن و فرهنگ آریایی نام کردند. من نمی دانم کجای این داستان نژادپرستانه است. حالا یک دیوانه ای هم بنام هیتلر پیدا شد که طرفدار برتری نژاد بود و آنهم آریایی! اگر مثلاً هیتلر آنگلساکسون بود و طرفدار نژاد خودش بود، حال هیچکس حق نداشت راجع به نژاد آنگلساکسون حرف بزند یا شعر بگوید.

اما داستان دیگری را بگویم که بی ارتباط به «من آریاییم» نیست و آن این است که در سال ۲۰۰۶ من به تاجیکستان رفتم و آنجا با پروفیسور صادقی جراح معروف قلب ساکن سویس و اهل یکی از دهات نیشابور و رئیس جراحان قلب اروپا آشنا شدم.

ایشان خود را از بیمارستان های سویس بازنشسته کرده بود و به قصد دیدار از تاجیکستان و به ویژه بیمارستان های آن سرزمین به آنجا آمده بود. ضمن بازدید از بیمارستان های تاجیکستان متوجه می شدم که آنها دستگاه های مدرن جراحی قلب را ندارند. موضوع را با دکتر میرشاهی که او هم اهل نیشابور هست (و کاشف یکی از ویروس های کوری، در میان می گذارد. بررسی می کنند و می بینند حدود یک میلیون دلار خرج دارد و موضوع را بعداً در پاریس پیگیری می کنند.

اتفاقاً در رستورانی در پاریس قرار می گذارند و ضمن بررسی های فراوان و اینکه چگونه می توان پول تهیه کرد باهم مشغول بحث می شوند. مدیر رستوران که گویا ایرانی بوده، می آید و احوالپرسی می کند و چون متوجه مشکل ایشان می شود که دلشان می

فکر کنم در سپتامبر ۲۰۰۲ بود که در تاجیکستان به دیدار یک دبستان افغان رفتم. یعنی ما را برای دیدار از مدرسه دعوت کردند و ما که مثلاً آدم های بزرگی بودیم، راه افتادیم به دیدن خرابه ای که در و دیوار و چفت و بست محکمی نداشت. وارد که شدیم، طبق معمول مدرسه ها، مدیر مدرسه، آقای حافظی نامی که از پناهندگان افغان به تاجیکستان بود ما را به بازدید کلاس ها برد. در یکی از کلاس ها از شاگردی هفت هشت ساله خواستند که برخیزد و شعری بخواند. پسرک برخاست و شعری خواند که دلم آتش گرفت.

شعر چیزی شبیه این بود که: من که آواره ام، من که از نژاد آریانا هستم، چه گناهی کرده ام که در این سرای بی کسی گرفتار شده باشم. مسائل سیاسی و حضور طالبان، موجب فرار هزاران که نه، بلکه میلیون ها افغان از کشور زیبای افغانستان شده و این شاگرد مدرسه هم یکی از آنها بود.

شعر آن کودک آنچنان مرا به هیجان آورد و آنچنان چشمانم گر گرفت که طاقت نیاوردم و کلاس را ترک کردم تا دیگران صدای هق هق مرا نشوند. وارد کلاس بغلی که خلوت بود شدم و دیدم افغان دیگری نیز مشغول اشک ریختن است. مرا که دید گفت: «شما چرا آقای سپند؟» گفتم: «فرق نمی کند. من هم دل دارم و دلم می سوزد!»

نام این بزرگمرد آواره افغان که او نیز جزو بازدیدکنندگان بود، آذرخش بود. بهر روی گریه هر دوی ما که تمام شد، با پشت دست چشمان خیس خود را پاک کردیم و به کلاس بازگشتیم و بازدید از مدرسه افغان را ادامه دادیم و همان لحظه شعر «من آریاییم» در ذهنم متولد شد که خیلی سر و صدا کرد.

مردم تاجیکستان، یعنی تاجیک ها خودشان را آریایی می دانند و برایشان خیلی عادیست. در آنجا قومی قرقیز-

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است.

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916) 483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C. Sacramento, CA 95825



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

ما رستم جا خورده ز دیویم و هیولا
ما آرش وارفته بی تیر و کمانیم
که خنده زنان بر جوک قزوینی و رشتی
دلخوش به دروغیم و طرفدار چاخانیم
که غمزده زندانی کهریزک ایام
درمانده و پریر شده و دل نگرانیم
با اینهمه داریم امیدی به سرانجام
ای محتسبان، ما همگی پیرمغانیم
ما نسل شکستیم و دل آزرده که امروز
دلپسته به پیروزی این نسل جوانیم
ما شاهد سرسبزی بستان امیدیم
ما ناظر پرباری باغ هيجانیم
ما ملت سبزی که بی مبصر و رهبر
دنباله رو عزم جوانان و زنانیم
بادا که به آزادی خود دست بیابیم
ما تشنه آن جانب سرچشمه روانیم

طفل سر راهی

ما طفل سر راهی زائوی زمانیم؟
یا سفته واخواستی بانک جهانیم؟
دردا که پس از شصت سده، ملت نوزاد
محتاج به پستانک آقای فلانیم!
که تاج به سر در پی عمامه و گاهی
عمامه به سر در طلب تاج کیانیم
که در صدد بردن یک خر به سر بام
گاهی به تکاپوی پس آوردن آنیم
هر لحظه گریزان ز ستونی به ستونی
آنگاه دوباره پی تغییر مکانیم
هر جا سخن شربت و حلواست، کناریم
هر جا که کتک کاری و دعوا به میانیم
غمخوار حسینیم در اعصار گذشته
وقتی خودمان خون به جگر تشنه لبانیم
با آنهمه همت همه در گیر نحوست
با اینهمه ثروت پی یک لقمه نانیم

هستند. او از تایید بالای ۸۰ درصدی نفع
می برد که تا حدی به این دلیل است که
مردم روسیه را با این گفته اغوا کرده
است: (به گفته یکی از مشاورانش) «اگر
پوتین نباشد، روسیه هم نیست.»
او نیز مانند یک تزار با این پرسش روبه روست
که از زمان پتر کبیر حاکمان روسیه را
درگیر کرده و در زمان پیش از انقلاب به
شدت پیشروی الکساندر سوم و نیکلاس
دوم قرار گرفت. آیا روسیه باید با پیروی از
مسیر غرب به سوی حقوق مدنی و دولت
برخاسته از مردم مدرن سازی می شد، یا باید
تلاش می کرد با پایداری در برابر آنان ثبات
را حفظ کند؟ دنباله مطلب در صفحه ۵۱

ممکن است به بیراهه رود.

پوتین مانند یک تزار از هرم قدرت بالا
می رود. از زمانی که در سال ۲۰۰۱ علیه
الیکارشاها حرکت کرد، و ابتدا کنترل
رسانه ها و سپس غول های نفت و گاز
را به دست گرفت، تمام دسترسی به
قدرت و پول از طریق وی بوده است.
این روزها طبقه اشراف به دلخواه او
خدمت می کنند، درست مانند کسانی
که زیر دست آنان و به دلخواه آنان
خدمتشان را می کنند و تا پایین ترین رتبه
به همین ترتیب است. او قدرت خود را
قانونی جلوه می دهد اما همه می دانند
که دادستان ها و دادگاه ها به او پاسخگو

تزار متولد می شود!

ترجمه: الهام شیرمحمدی - منبع: اکونومیست

هفده سال پس از آنکه ولادیمیر پوتین برای نخستین بار رئیس جمهور شد، نفوذ او بر
روسیه بیشتر از هر زمان شده است. غرب، که همچنان روسیه را در دوران پس از
شوروی سابق می بیند، گاهی او را در رده قدرتمندترین رهبران این کشور از زمان
استالین قرار می دهد. مردم روسیه هرچه بیشتر به دوران پیش در تاریخ می نگرند
هم اصلاح طلبان آزادخواه و هم سنت گرایان محافظه کار در مسکو از پوتین به عنوان
تزار قرن ۲۱ نام می برند.

است در آن پیروز می شود، گمانه زنی
دوباره جانشینی او آغاز می شود و این
نگرانی نیز افزایش می یابد که مانند سایر
حاکمان روسیه، پس از تزار ولادیمیر
آشوب و تحول ایجاد می شود.

حکومت سخت

پوتین تنها اتوکرات در جهان نیست.
حکومت استبدادی فردی در پانزده سال
گذشته در سراسر جهان گسترش یافته
است و اغلب همانند آقای پوتین آن را

بر یک پایه شکننده از دموکراسی
دستکاری شده بنا کرده اند که
می گوید برنده همه چیز را می برد.

این مجازات پیروزی گرای لیبرال
است که به دنبال فروپاشی بلوک
شرق به وجود آمد. رهبرانی مانند
رجب طیب اردوغان در ترکیه،
هوگو چاوس متوفی در ونزوئلا و
حتی نارندرا مودی نخست وزیر
هند طوری رفتار کرده اند که گویی
از اقتدار ویژه و نشأت گرفته از
خواست عموم منفعت می برند. در

چین شی جینگ پینگ قدرت مطلق خود از
حزب کمونیست را رسمی کرد.

برند آقای پوتین از اقتدار گرای این مسیر
را باز و پیشینه پادشاهی روسیه را زنده
می کند، و تصویری روشن نشان می دهد از
اینکه قدرت چگونه کار می کند و چگونه

آقای پوتین این لقب را با خارج کردن
کشورش از آنچه مردم روسیه هرج و مرج
دهه ۹۰ میلادی می دانستند و نیز با
جایگاه بخشیدن دوباره به کشورش در
جهان به دست آورد. اما با جشن صدسالگی
انقلاب اکتبر، این اندیشه ناراحت کننده
بروز یافته که آقای پوتین نقطه ضعف های
تزارها را نیز دارد. اگرچه آقای پوتین
دوباره انقلاب های «رنگی» که در سراسر
اتحاد جماهیر شوروی سابق رخ داد نگران



است، اما تهدید بزرگ تر نسبت به خیزش
عمومی نیست، بلکه مربوط به احیای
بولشویسم است و این گونه است که از
بهار ۲۰۱۸ زمانی که آقای پوتین آخرین
دوره شش ساله خود را در قدرت شروع
می کند، پس از انتخاباتی که کاملاً مطمئن

آموزش دف و تنبک

توسط فریمان اسعدی

کلاس های خصوصی و گروهی
برای تمامی سنین

(530) 574-4636

narimanpercussion.com
narimanpercussion@gmail.com

Ali's Construction & Remodeling
www.alisconstruction.com

(408)-898-6474

- ◆ New Custom Home
- ◆ Bathroom
- ◆ Room Additions
- ◆ Kitchen Remodel

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار،
ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق،
نوسازی آشپزخانه و حمام

Let us Build your Coustom Dream Home

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

سایر ملت ها است. ۱۵- موضوع جریان داشتن شیر و غسل در بهشت که در قرآن بیان شده از کتابهای یهودیان که سرزمین کنعان را سرزمین نهرهای شیر و غسل وصف کرده تقلید شده است.

۱۶- محمد بنیادگذار اسلام منع ازدواج همسران خود را پس از مرگش از دستور شاهان اسرائیل در همین مورد تقلید کرده است. زنده یاد دکتر مسعود انصاری در کتاب «بازشناسی قرآن» که در ۳۹۰ رویه و با بهره برداری از ۵۸ منبع فارسی و ۱۱۸ منبع به زبان های خارجی نوشته شده جان کلام درباره دین اسلام، محمد و قرآنش را چنین خلاصه می کند:

وحی، نبوت و پیامبر آسمان پذیرفتنی نیست؛ خدای محمد خود محمد است؛ قرآن کتابی آسمانی نیست؛ محمد قرآن را با بهره برداری از کتابهای یهودیان و به ویژه تورات، انجیل ها، آیین زردشتیان و داستان ها و قصه های ملت های نزدیک به عربستان سرهم بندی کرده است؛ روز رستاخیز، بهشت و جهنم و دنیای پس از مرگ را محمد از باورهای ملل همزمان و باستانی در قرآن آورده است؛ در قرآن اشتباه های علمی و تاریخی بسیار وجود دارد؛ سراسر این کتاب سرشار از گفته هایی است که یکدیگر را رد می کنند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۵**

و پل صراط از آیین زردشت به درون یهودیت جدید راه یافت. این افسانه ها از راه دین یهود وارد دین اسلام شد. ۸- در مسیحیت و در اسلام خدا به صورت فرمانروایی تصور می شود که در آسمان بر تختی نشسته است. ۹- از بزرگترین نوآوری های مذهب شیعه می توان از صیغه تعتیبه (پنهان کاری)، ولایت فقیه و مزایای سیدان یا اولادان پیام آور، به ویژه در گدایی، نام برد. ۱۰- اسلام تنها دینی است که به جن اعتقاد دارد. قرآن می گوید که جن ها نیز پیام آور دارند. سرچشمه وجود جن از افسانه های بابلیان و فی فی قیان به اسلام راه یافته است.

۱۱- بنابر نوشته های قرآن، در جنگ اُحد در دوران پیام آور اسلام ۳۰۰۰ فرشته، مسلمانان را در جنگ با کافران یاری داده اند. ۱۲- در قرآن گفته شده است که عیسی نوزاد در درون گهواره حرف زده است. این موضوع در مسیحیت وجود ندارد و یکی دیگر از جعل های قرآن است. ۱۳- در قرآن از قول عیسی گفته شده است که پس از او پیام آوری می آید که نامش «احمد» است. عیسی چنین حرفی زده و نوشته قرآن جعلی است. ۱۴- یکی از ویژگی های مسیحیت و اسلام هدف جهان گشایی و حکومت بر



نقدی کوتاه بر نوشتار «ولتر»

دکتر احمد ایرانی / بخش دوم

حقایق درباره «اسلام عزیز»

- خدایان شیفته و شیدای ستایش و چالپوسی است.
- ۳- یهودیت بر ستون های وحشت، اطاعت کامل، انتقام هراسناک و بندگی بی چون و چرا بنیادگذاری شده است. اسلام نیز در همه این موردها دست کمی از یهودیت ندارد.
- ۴- اسلام نیز به مانند یهودیت و مسیحیت دین توحیدی یا یکتا پرستی نیست. زیرا الله یا خدای اسلام دو شخصیتی است: خدای بخشنده، مهربان و باگذشت در برابر خدای جبار، قهار و مکار.
- ۵- «الله» اسلام نیز از نظر جباری و ترسناکی دست کمی از «یهوه» ندارد.
- ۶- خدای اسلام از هوادارانش می خواهد مخالفانشان را بکشند و ثرویشان را غارت کنند.
- ۷- داستان روز رستاخیز، بازگشت روح

دیدگاه های نویسندگان پس از انقلاب

و اما جامع ترین، دقیق ترین و مستندترین کتابی که علیه ادیان سامی یا خاورمیانه ای یهودیت، مسیحیت و به ویژه اسلام نوشته شده «تولد دیگر» نام دارد. این کتاب که زنده یاد استاد شجاع الدین شفا نویسنده آن است با بهره برداری از ۵۳۵ کتاب و نوشتار به زبان های فارسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و عربی نوشته شده است. کتاب «تولد دیگر» ۶۱۹ رویه را در بر می گیرد. برای جلوگیری از طولانی شدن این نوشتار فقط گفته هایی از این کتاب به آگاهی خواننده جویای حقیقت می رسد.

۱- خدای سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام خدایی ضد دانش و معرفت است. زیرا به آدم و حوا فرمان می دهد که هرگز میوه درخت معرفت را نخورند.

۲- از دید یهودیت، مسیحیت و اسلام



Fataneh Hooshdaran, D.C.

دکتر فتانه هوشداران کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی،
صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

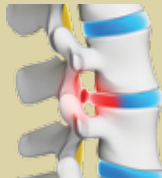
♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن دردهای کمر ♦ دردهای دست

مطب مجهز به دستگاه های فیزیکیال تراپی و ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage و میز Doc Decompression Table برای تسکین و بهتر کردن دردهای:

Doc Decompression Table



Herniated Discs



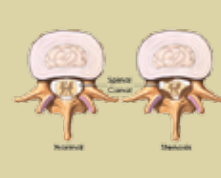
Sciatica



Degenerative Disc



Spinal Stenosis



Lower Back Pain



(408)712-3788

1610 Blossom Hill Rd., #1
San Jose, CA 95124

www.chiropracticusaca.

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود
Serving: San Jose & Santa Clara

(408)244-7677

2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050



دفتر خدمات بین المللی

Office of International Services



قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران

با همکاری **دکتر جمیله زنده نام** وکیل پایه یک دادگستری ایران

فارغ التحصیل حقوق از ایران و آمریکا و کارشناس قوانین ایران در دادگاه های آمریکا
دارای بیش از ۳۵ سال سابقه در امور حقوقی داخلی ایران و بین المللی

ارائه خدمات حقوقی در ایران، از طریق دفتر حقوقی ما در تهران و وکلای همکار خواهد بود

- ◆ مشاوره حضوری
- ◆ طرح دعاوی ملکی علیه اشخاص و نهادهای دولتی
- ◆ امور خانوادگی، ازدواج و طلاق
- ◆ امور تجاری، بازرگانی و ثبت شرکت ها
- ◆ تنظیم وصیت نامه و انحصار وراثت
- ◆ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه
- ◆ برقراری حقوق بازنشستگی و مستمری
- ◆ کارشناس قوانین ایران در دادگاه های آمریکا
- ◆ انجام کلیه امور مربوط به دفتر حفاظت منافع ایران
- ◆ *Legal Consultation*
- ◆ *Real Estate*
- ◆ *Family Law*
- ◆ *Business Law*
- ◆ *Wills & Probate*
- ◆ *Contracts & Power of Attorney*
- ◆ *Retirement Pension*
- ◆ *Expert Witness*
- ◆ *Handle all issues & due diligence relating to the Interests Section of Iran*

دفتر خدمات بین المللی با تجربه کافی، دقت و علاقه، آماده ارائه خدمات ذیل می باشد

- ◆ اخذ تابعیت آمریکا
- ◆ دریافت گرین کارت از طریق ازدواج و خانواده
- ◆ تمدید گرین کارت
- ◆ دریافت پاسپورت سفید و پاسپورت آمریکایی
- ◆ تهیه و تنظیم دعوت نامه
- ◆ سوشیال سکیوریتی
- ◆ مدیکر و مدیکال
- ◆ دریافت حقوق پرستار و از کار افتادگی
- ◆ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ◆ حقوق بازنشستگی در آمریکا
- ◆ گرفتن *Employer Identification Number*
- ◆ ثبت *Fictitious Business Name*
- ◆ تشکیل شرکت ها (*Incorporation, LLC, DBA*)
- ◆ گرفتن وقت از سفارت ایران، رزرو بلیط و هتل
- ◆ طلاق در آمریکا
- ◆ تعویض نام

جهت مشاوره و حل کلیه مسائل حقوقی خود در ایران با دفتر خدمات بین المللی تماس بگیرید

Phone: (408) 909-9060 ◆ Toll Free: (888) 350-9060 ◆ Fax: (408) 503-0040

4030 Moorpark Ave. #250, San Jose, CA 95117

است و متعلق به چینی هاست، فکر ساختن کاغذ از پارچه متعلق به چینی هاست و نوشتن متون بودایی بر روی کاغذ به قرن دوم میلادی اختصاص دارد. در قرون وسطی سمرقند یکی از مراکز بزرگ کاغذسازی بوده است و بعدها کاغذ توسط ایرانیان به اروپا برده شد و قدیمی ترین اثری که در اروپا بر روی کاغذ نوشته شده متعلق به اوایل قرن یازدهم میلادی است و اسپانیا اولین کشور اروپایی است که به ساختن کارخانه های کاغذسازی اقدام کرد. کاغذهای آن زمان با الیاف کتان و شاهدانه ساخته می شد و این نوع کاغذ بسیار شکننده بود. بهای کاغذ در آن زمان بسیار گران بود و تا قرن چهاردهم همه کس نمی توانست از آن استفاده کند. ابتدا کاغذ را با دست می ساختند و تا قرن نوزدهم همین شیوه متداول بود ولی امروز کاغذ را از مواد نباتی مختلف به طور صنعتی می سازند. بعد از این که کاغذ ساخته شد تحول بزرگی در کار نوشتن پدید آمد و پس از آن با اختراع ماشین های چاپ و ماشین های تحریر دگرگونی بزرگی در خطوط و نوشتار دنیای قدیم به وجود آمد.

پرشومن، که در بالا به آن اشاره کردیم، بنا به روایات افسانه ای اختراع آن را به ساکنان آسیای صغیر نسبت داده اند ولی در ایران قدیم نیز به کار بردن این وسیله نوشتاری متداول بوده و بنا به روایت دینکرت دیشناسپ شاه کیانی دستور نوشتن اوستای قدیم را بر روی چندین هزار پوست گاو داده است و اوستا را به آب زر بر روی پوست گاو نوشته اند (پرشومن) را از پوست گاو و گوسفند و گوساله نیز فراهم می آورند ولی نوع مرغوب آن از پوست آهو و بزکوهی فراهم می شود. پرشومن ماده ای محکم و صاف است و در قرون وسطی برای نوشتن معاهدات به کار می بردند به خاطر استحکام و پایداری آن. قدیم ترین نوشته بر روی پرشومن متعلق به قرن اول میلادی است ولی استعمال آن از قرن چهارم رواج پیدا کرد و از آن به بعد تا قرن سیزدهم بیشتر نوشته ها بر روی پرشومن بود و چون تهیه آن گران تمام می شد گاه نوشته های یک کتاب را بعد از استفاده می شستند و از پرشومن آن دوباره استفاده می کردند. کاغذ: قدیم ترین اسنادی که بر روی کاغذ نوشته شده متن های بودایی



چگونگی پیدایش خط (بخش پنجم)

وسایل نوشتن از دیرباز تا به امروز

ها بود. برگ نخل بیشتر مورد توجه هندی ها و چرم مورد استفاده اعراب بود در آفریقا لوحه هایی از چوب به دست آمده که در مراکش هنوز هم از این لوحه های چوبی استفاده می کنند. پاپیروس و پرشومن و کاغذ تقریباً از اوایل رواج مسیحیت، مورد استفاده قرار گرفت.

پاپیروس بیشتر در مصر قدیم مورد استفاده بود و (پرشومن) پوست نازک بین پوست ضخیم و گوشت آهو و بزکوهی و بعضی از حیوانات دیگر بود که آنرا به عمل می آوردند و از آن برای نوشتن استفاده می کردند. پاپیروس و فن به عمل آوردن آن در انحصار مصریان بود. ماده اولیه آن ساقه یک نوع نی بوده که در دره نیل کشف شده بود. این نی ها را خیس می کردند و الیاف آن را از نی جدا می کردند و قطعه های افقی و عمودی آن را به هم می چسباندند و از آن برگ هایی به دست می آمد که با آن لوحه هایی درست می کردند و از آنها برای نوشتن استفاده می کردند گرچه پاپیروس استقامت زیادی نداشتند ولی با این حال بعد از گذشت زمانی طولانی هنوز هم مقداری ناخوانده از آنها باقی مانده است.

در ادوار گذشته و قبل از اختراع کاغذ مواد گوناگونی برای اینکه بر روی آنها نوشته شود به کار می رفته است از قبیل خشت و سنگ و استخوان و چوب و پوست و فلز و عاج و غیره و نوشته های بر روی این مواد را کتیبه می نامیدند. گاه این کتیبه ها بر روی سنگ های سخت و گاه بر روی خشت و الواح گل رس کنده می شدند و بعد آنها را در برابر آفتاب یا در کوره ها خشک می کردند و یا می پختند و بعد آنها را در مکان هایی محفوظ نگه می داشتند مثل کتیبه های شوش یا تخت جمشید که گاه کندن و نقد کردن بر روی سنگ های سخت بسی دشوار بود. اعراب بیشتر نوشته های خود را بر روی استخوان شتر می نوشتند و چینی ها از برنز و لاک لاک پشت استفاده می کردند و در تمام این موارد وسایل کنده کاری و قلم های خاص برای نوشتن به کار می رفته است.

بعد از آن کم کم استفاده از وسایل نرم تر که نوشتن را آسان تر می کرد رایج شد مثل چوب و پوست درختان، برگ نخل و درختان دیگر، پوست حیوانات و لوحه های مومی و قطعات خیزران و ابریشم که بیشتر مورد استفاده چینی

توانا بود هر که دانا بود

اردلان علیزاده

متخصص در خرید و فروش املاک و مستغلات مسکونی، تجاری و کشاورزی



Ardalan Alizadeh
Real Estate Broker
CABRE# 01704065

*I will sell your property in
39 days or I will reduce comission by 1%*

♦ آشنا با امور اقتصادی و مسائل مالی روز

♦ فارغ التحصیل علوم مالی و املاک تجاری از دانشگاه سانفرانسیسکو

♦ با بیش از ۱۵ سال سابقه کار در شمال کالیفرنیا

♦ با ۱/۵ درصد کمیسیون برای مشاوره در خرید املاک به صورت نقد از حراج

(510) 205-8177

Alizadehworks@gmail.com

941 San Pablo Ave., Albany, CA 94706

1024 Iron Point Rd suite#1009, Folsom, CA 95630



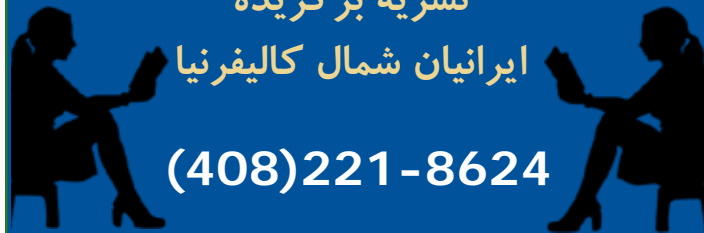
ماهنامه پژواک

با درج آگهی در ماهنامه پژواک، پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

نشریه برگزیده

ایرانیان شمال کالیفرنیا

(408)221-8624



با حمایت مالی از مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا، چراغ فعالیت‌های ما را فروزان نگاه دارید

در یک سال گذشته مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا (ICCNC) در قالب تیم‌های مختلف، فعالیت‌های متفاوتی را انجام داده است.

* تیم مذهبی با دعوت از سخنرانان و چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون مهندس عبدالعلی بازرگان، دکتر محسن کدیور، دکتر حمید موانی، دکتر حسین اخلاق، دکتر احمد ایروانی و احمد راشد سلیم و ... ده‌ها برنامه متفاوت و آموزنده را به دو زبان فارسی و انگلیسی در ایام محرم و رمضان و اعیاد ملی و مذهبی برای مخاطبان اجرا کرد.

* تیم ادب و هنر در قالب برنامه‌های نمایشگاه‌های مختلف خوشنویسی و نقاشی و موسیقی توانست جمعی از مخاطبان را متوجه ظرفیت‌های هنر ایران و اسلام کند که برگزاری کنسرت «نت‌ها علیه ممنوعیت» و برپایی نمایشگاه خوشنویسی و نیز چهارمین نمایشگاه سالانه بین‌الدیان (دسامبر ۲۰۱۷) از جمله آنهاست.

* تیم آموزش ضمن مدیریت مدرسه اندیشه فارسی در بخش کودکان، در بخش بزرگسالان نیز توانست بیش از ۶۰ سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش (اندیشمند و مولوی پژوه نامی) را برگزار کند و در کنار آن برنامه پژوهشی-موسیقایی سرپانگ را به صحنه تالار مرکز بیاورد.

* تیم بین‌الدیان میزبان برنامه‌های متفاوتی با نمایندگان سه ادیان ابراهیمی برای برنامه‌هایی ویژه بود.

* همه این برنامه‌ها زیر نظر هیئت‌مدیره مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا انجام گرفت که با دعوت از شهردار اوکلند و برگزاری سخنرانی سالانه شهردار در مرکز، فصلی تازه از رابطه میان شهروندان آمریکایی با شهروندان فارسی‌زبان و مسلمان را گشود.

* مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا اوایل دسامبر مراسم حمایت مالی سالانه خود را برگزار کرد. با مراجعه به سایت مرکز و یا ارسال چک ما را در پیشبرد اهداف فرهنگی، هنری، مذهبی یاری کنید و چراغ حرکت‌های این مرکز را فروزان نگاه دارید.

* مرکز اسلامی فرهنگی شمال کالیفرنیا (ICCNC) تحت مجوز (لیسانس) IRS 501(c)(3) قرار دارد. این سازمان، یک موسسه غیرانتفاعی است و تمام کمک‌های مالی مشمول کسر مالیات می‌شود.

Tax ID (EIN): 94-3068250

* علاقه‌مندان از دو طریق PayPal و چک نقدی می‌توانند پرداخت‌های خود را انجام دهند.

چک‌های خود را به آدرس زیر ارسال کنید.

Islamic Cultural Center of Northern California, 1433 Madison Street Oakland, CA 94612



1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

www.iccnc.org

(510) 832-7600

Info@iccnc.org or Pr@iccnc.org

facebook.com/ICCNCORG

Telegram: @iccnc

با ما در تماس باشید ←



خدمات رسمی مرکز فرهنگی اسلامی شمال کالیفرنیا شامل عقد و ازدواج، طلاق، اسلام آوردن، و تدفین مورد تایید دفتر حفاظت منافع

1433 Madison Street, Oakland, CA 94612

www.iccnc.org

(510) 832-7600

Info@iccnc.org or Pr@iccnc.org

facebook.com/ICCNCORG

Telegram: @iccnc



Marriage: The Islamic marriage ceremony and recitation of "Khotbeh Aghd" may be held at the Center or at another location of your choice. The Center will issue a marriage certificate that is accepted by the Interest Section of the Islamic Republic of Iran.



Divorce: The Islamic divorce ceremonies and recitation of "Khutbeh Talagh" are held at the Center. ICCNC will issue a Divorce Certificate that is accepted by the Interest Section of Islamic Republic of Iran.



Joining to Islam: ICCNC helps individuals interested in converting to Islam to go through the simple process. Also for those who require a document to show that they have officially become a Muslim, ICCNC will issue a certificate to this effect.



Islamic Burial: The Center provides complete funeral services. ICCNC has purchased burial sites at Chapel of the Chimes in Hayward, California in the Muslim Section.

می کند. متأسفانه او برای اغلب مربیان ایرانی احترامی قایل نیست. آقای علی دائی که گل هایش را به حراج گذاشته است، آقای قلعه نوعی که صدایش در نمی آید و حتی آقای معلم و یا مجید حلالی که دیگر لپ تابش هم کمکش نمی کند و این روزها در برابر دوربین های تلویزیونی اشک می ریزد چرا که او را متهم کرده اند که با اجنه در ارتباط است و او انکار می کند. بدون تردید باید جام دلخوری را به او داد. او همه را به خدا می سپارد چه برسد به آقای کپروش. او مشغولیت های زیادی را تجربه کرده است و همواره از تیمی به تیم دیگر رفته است. آیا او همواره با جن ها در ارتباط بوده است و یا به قولی مشغول سوزاندن زندگی خود؟! آیا او در قالب گنجایش ابعادی که ۹ شخصیت وی را نداشته است آسیب دیده است؟ آیا او کوچک تر از قد و قواره زندگی است که اشک می ریزد و یا در زیر اشک هایش چیزی را مخفی می کند! حتی صدائی هم از برادران پیروانی در نمی آید. غلامحسین برادر بزرگتر هم چنان در لباس کنی سینه می زند و نوحه می خواند و به آقای کپروش هم کاری ندارد. آیا همه در انتظار باخت تیم ملی هستند که اعتراض کنند؟ **دنباله مطلب در صفحه ۵۷**

خود ادامه می دهد. آیا او یکی از سرداران دنیا دیده سپاه است که با قدرت کارهایی را که می خواهد انجام می دهد؟! او پس از پایان اردو به پرتغال و یا کشورش بازگشت تا هروقت که دلش خواست به تهران بیاید. بهر حال بازیکنانش او را دوست دارند و هر مدت یکبار تک خال تازه ای را رو می کند. مهاجم تازه از راه رسیده او آقای قدوس است که پیراهن تیم ملی را به تن کرده و خوشحال است. می گویند تمرین باید یک تجربه مثبت برای بازیکنان و مربیان باشد و برای آنکه زندگی موفق را تجربه کنند باید رفتار آنها را در نظر گرفت. رفتار همیشه به شخصیت بازیکنان در محیط تمرینی و برخورد با همبازی ها می باشد و آقای کپروش دور از هیاهوی تهران و به دور از چشم تیزبین خبرنگاران که در هر گوشه مواظب آنان هستند رفتار و شخصیت بازیکنانش را می سازد و خواسته های خود را به آنان تحمیل می کند. او همواره موضع متفاوتی دارد و همیشه صدای بلند اعتراض است. او اغلب شمشیرش را از رو می بندد و حتی سرداران پشت میز نشسته در اطاق های فدراسیون فوتبال از او حساب می برند. او نه تنها به همه پرخاش می کند، حتی اغلب تهدید نیز



ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com

پیراهن تیم ملی پوشیده بودند پیوستند. آخرینشان همایون بهزادی بود. آقای کپروش مربی تیم ملی فوتبال است. آیا نسخه ای که او برای تیم ملی می پیچید حاوی داروهای تازه ایست؟ باید واقع بین بود و دل از تاریکی گرفت. کار یک مربی مانند کار یک راننده اتوبوس یا یک خلبان هواپیما است. او مسئولیت همه سرنشینان را به عهده دارد. آقای کپروش همیشه اردوهایش را در خارج از کشور تشکیل می دهد و سه بازی آخر را بدور از تماشاگر مشتاق ایرانی در خارج از کشور برگزار کرده است. در برابر روسیه، پاناما و ونزوئلا به میدان رفت و با دو پیروزی در برابر پاناما و ونزوئلا و یک تساوی در برابر روس ها. آقای کپروش باید جایزه دلخوری را دریافت کند. او به همه فحش می دهد، دیگر همه به او عادت کرده اند. او در برابر این سؤال که به منتقدان خود چه پاسخ می دهید، می گوید که سگ ها پارس می کنند اما کاروان تیم ملی به راه

من همیشه از ماه نوامبر بیزارم، ماهی که از ایران خارج شدم. این زندگی تازه مرا نشان می دهد، گرچه سال ها از آن گذشته است. این آغاز گم شدن من در سرزمینی دور و ناشناخته است و حالا هر روز من غرق تر می شوم از صدای ناخوشایند اخباری که از داخل می رسد. محمود درویش شاعر فلسطینی می گوید، «جهان بروی ما بسته می شود». از ایران زلزله زده خبر می شد، که ابراهیم آشتیانی و اکبر افتخاری دو چهره با ارزشی که سال های زیادی در برابر هم به میدان می رفتند حالا در میان ما نیستند. آشتیانی یک راست بود و افتخاری گوش چپ و این دو آیا در آن دنیا هم باز به همین خاطر خواهند جنگید؟ هر دو بهترین های زمان خود بودند و ما اینجا اگر گریه می کنیم. آیا گوهر تفکر ما تفکر یک جهان سومی است! بهر حال دنیا به کی وفا کرده است. آنها هم به جمع دیگرانی که در میان ما نیستند و



گبریل جک وکیل متخصص امور مهاجرت

Gabriel Jack Immigration Attorney

Gabriel earned his Bachelor of Arts degree from Sonoma State University in 1995 & his Juris Doctorate from The University of Pacific's McGeorge School of Law, in 2000.

با همکاری مترجم فارسی زبان از دفتر خدمات بین المللی

- ♦ Business & Investment Visa
- ♦ Employment Based Green Card
- ♦ Family-Based Green Card
- ♦ Deportation & Asylum
- ♦ Citizenship & Naturalization
- ♦ Finace Visa
- ♦ Tourist Visa
- ♦ Student Visa
- ♦ Entertainment Visa



- ♦ ویزای کار و سرمایه گذاری
- ♦ کارت سبز از طریق کارفرما
- ♦ کارت سبز از طریق خانواده
- ♦ پناهندگی و اخراج از آمریکا
- ♦ تابعیت
- ♦ ویزای نامزدی
- ♦ ویزای توریستی
- ♦ ویزای تحصیلی
- ♦ ویزای مخصوص هنرمندان

Phone: (408) 909-9060 ♦ Toll Free: (888) 350-9060 ♦ Fax: (408) 503-0040

4030 Moorpark Ave. #250, San Jose, CA 95117

های جالب و کارهای خارق العاده کرد (که لابد اسم محل «Magic Paradise» باشد) مسما بشود. یکی از کارهای این خانم همه چیز تمام، این بود که از میان مدعوین کسانی را روی صحنه می خواند و سوالات گوناگون می کرد که «شو» گرم تر شود.

در موقع انتخاب، ما با ایماء و اشاره، جوان کارخانه دار و تازه داماد را معرفی کردیم و او هم ایشان را بر روی «سن» دعوت نموده و شروع به سوالات گوناگون کرد و خوشبختانه رفیق ما هم از تک و تا نیفتاد و همه را جواب می داد... مردم هم با کف زدن های خود، او را تشویق می کردند.

عروس از زورق درآمده هم، چهارچشمی شوهر نو نوازش را دید می زد و ما رضایت کامل را در چشمان اشک آلودش می خواندیم و مغرورانه با نگاهی به او می فهماندیم که؛ بله... ایرانی ها، حاضر جواب و باهوش و ذکاوت هستند، و خلاصه ما اینیم!!!

آن شب خاطره انگیز گذشت. صبح روز بعد عروس خانم دسته گلی با کارت بدون پاکت برای آقا به کارخانه فرستاد که قبل از رسیدن به دفتر، کارگران آن را یواشکی خواندند، به این مضمون:

«Honey, I love you. I'm proud of you! You did a good performance last night!!!»

بعدا همگی هم، با یک کلید ساکت می شدند و یا خشکشان می زد ما که جا خوردیم و از شما چه پنهان که من تازه وارد ترسیدم...! این ساختمان مجموعه ای بود از آنچه خوبان همه دارند...

یک رستوران مجلل و یک طبقه سالن رقص و یک اتاق نمایش و اتاق های دیگر... جای شما خالی، شام و مخلفات شاهانه، ببخشید، رییس جمهورانه، صرف شد و صحبت ها هم در حد چهار اکابر بالاتر رد و بدل می شد و در آخر کار، مدیریت رستوران، ما را به سالن رقص دعوت کرد که چون آن شب کسی در حال و هوای رقصیدن نبود، پیشنهاد تاتر دادند و رفتیم.

پول و بی پولی و خوشبختی پیش آمد، فراموش کردم همراهان را معرفی کنم. غیر از دوست بنده و عبالشان، آقای دکتر صاحب «Paradise» به اتفاق بانوی منزل و یک زوج تازه ازدواج کرده (دو شب قبل) یعنی آقای جوان موفق و کارخانه دار ایرانی و عروس زیبای آمریکایی ایشان...

نمایش همان «Stand-up Comedy» بود که دو تن آمدند و اجرا کردند و بنده هم بفهمی نفهمی می فهمیدم، کلی به خنده دیگران خندیدم!!! و آخر الامر هم خانمی مکش مرگ ما، بر روی صحنه آمد و ضمن بیان چند نکته دل آویز و طنز آمیز، تردستی



خاطرات در گذر زمان

هوشمند عقیلی

عروس خوشحال

قصار و شعارها حرف های دیگری می گفتند... مانند:

♦ «پول، زشتی ها را می پوشاند»!!

♦ «نداشتن پول باعث می شود شخص روحانی، کتاب هایش را بفروشد»!!

♦ «با پول، خدايان به جوش و خروش می آیند»!!

♦ «وقتی پول حرف می زند، حقیقت سکوت می کند»!!

♦ «با پول ازدها و بدون پول کرمی بیشتر نیستی»!! و امثالهم...

بله... آن شب به محل موعود رفتیم و هنگامی که متصدی در آسانسور را باز کرد و ورود کردیم، یک باره خود را در وسط جنگل

های آفریقا و انواع حیوانات وحشی و اهلی یافتیم که از دور و بر دیواره شیشه ای، به قول لغت سازان امروز بالا و پایین رونده (ا)

در حال غرّش و تکان و پرش بودند و حمله ای هم به مشتری ها می کردند که البته

زمانی که قرار شد برای اجرای برنامه به «هیستون-تگزاس» بروم، به فرمان دوست گرمابه و گلستانم، دو سه روزی زودتر به سرزمین چکمه و کلاه کابویی رفتم و دیدار سایر دوستان هم مغتنم بود...

یکی از شب ها، میهمان طبیبی ایرانی و موفق شدیم که در دوران اقامت در «هیستون» علم و ثروت را یک جا کسب کرده بود. همان علم و ثروتی را که در دوران مدرسه، به جنگ هم می انداختیم و به خاطر نمره گرفتن، برخلاف عقیده کودکانه مان همیشه حق علم را بر باطل ثروت پیروز می کردیم... در انشاء هایمان می خواندیم که پول خوشبختی نمی آورد، در حالی که به وضوح می دیدیم بی پولی، بدبختی را تضمین شده، می آورد! و آنقدر راجع به این موضوع شرح و بسط می دادیم که گویی چاره ای به جز فقیر بودن نداشتیم...!

اما هنگامی که به آمریکای ثروت و شهرت خوار آمدیم، حرف ها عوض شد و کلمات



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴-۴۰۸

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

I am not an attorney

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش گیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129



توانسته همان سبک نورپردازی و زاویه بندی صحنه های بیرونی را در این بخش نیز بسط بدهد و به فیلم یک زیبایی خاص ببخشد. فیلم «صحرای تاتارها» قبل از آن که فیلم «والریوزورلینی» باشد، فیلم فیلمبردار آن «لوچیانوتولی» است. موسیقی فیلم را «اینوموریکونه» آهنگساز مشهور ایتالیایی ساخته که در کل آنچه از نظر آکیپ سازنده می توان در نظر گرفت، از بهترین ها انتخاب شده اند که در فیلم مشخص است. دیدن این فیلم که اینک برای نخستین بار در آمریکا روی DVD پخش شده، برای ایرانی ها ضمن تماشای پس زمینه کشورشان «شهر» (بی)، بخشی از تاریخ ما را نیز شامل می شود. تاریخی که روزهای پایانی یک رژیم و آغاز رژیم دیگر نیز بود.

بیشتر به خاطر امکاناتی بود که دولت ایران در اختیار آکیپ فیلمبرداری قرار داد والا حتی در فیلم، مکان آن معرفی یا مشخص نمی شود و نیز اشاره ای در این باره نیست. در مجله «سینما ۵» به تاریخ اردیبهشت ۲۵۳۵ آمده: «شرکت گسترش صنایع سینمایی ایران با همکاری وزارت فرهنگ و هنر و تل فیلم، امکانات تهیه این فیلم را در بم در سطحی بین المللی فراهم کرد». در این DVD دو مصاحبه با «جولیانوجما» بازیگر فیلم های اسپاکتی وسترن و گلا دیاتوری ایتالیایی هست که اولی در سال دوهزار و دومی در سال ۲۰۰۵ با او انجام شده که بازی در این فیلم را بهترین نقش دوران بازیگری اش معرفی می کند. در واقع فیلم از بازی های خوبی برخوردار است (کلیه بازیگران فیلم از بهترین های زمان خود هستند) اما در کل، چون اتفاقی در فیلم نمی افتد؛ که موضوع اصلی آن هست، صحنه های کند و طولانی به آن لطمه می زند و تأثیر فیلم را خنثی می کند. آنچه باعث تأسف است، تخریب شهر «بم» است در زلزله اخیر که شاید این آخرین سند باقیمانده از این شهر تاریخی - به این طرز- باشد که به بهترین وجهی فیلمبرداری و ضبط شده است. صحنه های داخلی فیلم (حتی «ارگ بم») در استودیوهای «چینه چیتا» رم ساخته و فیلمبرداری شده که فیلمبردار زنده آن

نگاهی به فیلم «صحرای تاتارها»

سعید شفا



بسیار ارزنده و تماشایی «لوچیانوتولی» است که از آن به ایران سرازیر کرد، جشنواره فیلم تهران و آغاز تهیه یک سری فیلم مشترک با کشورهای دیگر را به همراه داشت که اغلب توسط وزارت فرهنگ و هنر و با بودجه هایی نامحدود این فیلم ها سرمایه گذاری و تهیه می شد. از آن جمله است فیلم «صحرای تاتارها» فرانسه و سوئد بازی کرده اند که برای آنهایی مثل بنده که فیلم های بسیاری از آنها را دیده است خاطره انگیز است. تهیه کننده فیلم «ژاک پرن» فرانسوی است که نقش اول را هم بازی می کند. او علاوه بر توانایی در بازیگری، تهیه کننده فیلم های به یاد ماندنی بسیاری

دهه ۱۹۷۰ فروش عظیم نفت و درآمدی که از آن به ایران سرازیر کرد، جشنواره فیلم تهران و آغاز تهیه یک سری فیلم مشترک با کشورهای دیگر را به همراه داشت که اغلب توسط وزارت فرهنگ و هنر و با بودجه هایی نامحدود این فیلم ها سرمایه گذاری و تهیه می شد. از آن جمله است فیلم «صحرای تاتارها»



صحنه ای از فیلم «صحرای تاتارها»

هم هست که فیلم سیاسی «Z» ساخته «کوستا گواراس» از آن جمله است. از آخرین فیلم هایی که تهیه کرده فیلمی است به اسم «پرندگان مهاجر» که چند سال پیش در جهان پخش شد. گرچه فیلم در «بم» ایران ساخته شده و ظاهراً ایرانی ها هم در آن سهیم هستند (مسئول تدارکات ایرانی آن «بهمن فرمان آرا» است)، اما به جز «کامران نوزاد» که

ساخته ۱۹۷۶ «والریوزورلینی» فیلمساز ایتالیایی، با شرکت: ویتوریو گاسمن، هلموت گریم، ژاک پرن، فرناندوری، ژان لویی ترن تینیان، جولیانوجما، فیلیپ نوآره، فرانچسکو رابال، لرن ترزفیل، ماکس وان سیدو. فیلم که ۱۴۱ دقیقه است براساس نوولی نوشته ۱۹۳۸ «دینویوزائی» ساخته شده و آخرین فیلمی است که «والریوزورلینی»



صحنه ای از فیلم «صحرای تاتارها»

قبل از مرگش در سال ۱۹۸۲ در ناحیه «بم» ایران ساخت. فیلمی که می خواست در ردیف آثار حماسه یی مثل «لارنس عربستان» یا «دختر راین»، هر دو ساخته، «دیوید لین» انگلیسی باشد.

در فیلم (یا داستان آن) هیچ

در دو صحنه آن هم چند ثانیه بیشتر بازی ندارد (یک جا فقط خود را معرفی می کند و در صحنه دیگر فقط در اتاق ایستاده است) بازیگر ایرانی دیگری در فیلم نیست. طبق مصاحبه ای که با «لوچیانوتولی» فیلمبردار فیلم در مجموع DVD که برای نخستین بار در آمریکا در معرض استفاده قرار گرفته آمده، غذا و مشروب آکیپ را از آمستردام وارد می کردند تا بازیگران و کارکنان فیلم که ماه ها در «بم» درگیر بودند، لابد احساس غربت نکنند! محصول مشترک بودن فیلم هم از قرار

اتفاقی نمی افتد. گروهی سرباز در یک دژ، در کنار کویر در انتظار حمله دشمنی نامریی هستند. این دشمن نامریی یا ارواح که شاید به خاطر اقامت طولانی در دژ ساخته ذهن خود سربازان است، هیچ گاه از این حد فراتر نمی رود و این انتظار ادامه پیدا می کند. تماشای بیشتر شاهد آمد و رفت و گردهم آیی افسران دژ است تا آشنایی با فضای چهار دیواری آن. فیلم باوجود طولانی بودنش حتی پس از سی سال، هم چنان دیدنی است. دیدنی بودن آن بیشتر به خاطر فیلمبرداری

شیوا موزون

وکیل رسمی دادگستری



Shiva Moozoun

Attorney at Law

♦ دفاع در برابر IRS, FTB, BOE

♦ تشکیل ثبت و انحلال شرکت ها ♦ برنامه ریزی و آماده کردن اظهارنامه های

مالیاتی برای اشخاص و شرکت ها ♦ تهیه و تنظیم وصیت نامه و تراست

♦ تهیه و تنظیم انواع قرارداد و اسناد حقوق ♦ آماده کردن فرم های مهاجرت

♦ Business, Corporation, Nonprofit ♦ IRS, BOE, FTB disputes

Formation ♦ Tax preparation for individuals and small businesses,

Trusts, Estates, Nonprofit ♦ Will, Trust, Estate Planning, Probate

♦ Draft/ Review/Renew legal contracts ♦ Immigration Services

Cell: (415) 314-1003 ♦ Office: (800) 493-7065

3550 Stevens Creek Blvd, Suite 340, San Jose, CA 95117

بیشتری از خانواده عروس این دو خانواده را بهم معرفی می کرد. البته اینها معمولاً خانواده عروس را حسابی می چاپیدند تا برای دختر ترشیده شان داماد اصل و نسب داری پیدا کنند و دختر را چرب زبانی به ناف خانواده داماد ببندد. بعد از کشف حجاب گویا این مسئله کمی فرق کرد و بعضی پسرها و دخترها در مجالس مهمانی با هم سلام و علیکی می کردند و گاهی با یک نگاه بدون هیچ تماسی عاشق می شدند و بعد هم ازدواج می کردند. امروزه پسرها و دخترهای جوان به قصد ازدواج در مجالس و گردهمایی ها و کنسرت ها دور هم جمع نمی شوند. این اشتباه است اگر فکر کنیم که دخترمان یا پسرمان اگر در مجالس، مهمانی ها یا جاهای دیگر همدیگر را ببینند عاشق می شوند و ازدواج می کنند. البته گاهی ممکن است اتفاق بیفتد که پسر و دختری در یکی از این مجالس بهم علاقمند شوند و تصمیم بگیرند ازدواج کنند. بر فرض محال اگر چنین اتفاقی بیفتد بازهم پیشنهاد پسر این خواهد بود که با هم زندگی کنند و بعد ببینند آیا می توانند شریک زندگی هم شوند یا نه و معمولاً این مسئله با مخالفت دختر روبرو شده و قضیه تمام می شود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

می کنند و عکس پسر را روی سفره عقد می گذارند و هفته بعد عروس خانم بسته بندی شده در هواپیما گذاشته می شود و برای آن مادر مرده فرستاده می شود. اما مضحک ترین و قدیمی ترین نوع انتخاب عروس در حمام های عمومی اتفاق می افتاد. مادری که دنبال زن مناسب برای پسرش می گشت، پس از انتخاب دختر مورد نظر، با صاحب حمامی که دختر به آنجا می رفته تباری می کند و روز رفتن دختر را به آن حمام می فهمد و همان روز او هم به آنجا می رود و دختر را لخت در حمام ورنانداز می کند و اگر پسندید مراسم خواستگاری و ازدواج صورت می گیرد. بدون اینکه از پسر نورچشمی پرسیده شود که اقلاً چه نوع زنی دوست دارد، چاق، لاغر، سفید، سبزه و غیره.

بدترین نوع ترتیب دادن ازدواج های قدیمی از طریق دلال ها بوده است. به این صورت که در زمان های قدیم رسم بوده دلاله ها به خانه های اعیان و اشراف رفت و آمد داشتند و اگر در خانه ای پسری در سن ازدواج بود، مادر از دلاله کمک می گرفت و دلاله که به خانه های زیادی رفت و آمد داشت دختر مورد نظر را انتخاب کرده و با گرفتن انعام حسابی کارها را روبراه می کرد و با گرفتن پول



نوشخند و پوزخند لبخند و زهر خند

عزت گودرزی (الهی)

etratelahi@aol.com

خواستگاری

کودکی اش بود ولی باید به خواستگاری که پدرش انتخاب کرده جواب مثبت بدهد. پسری که برای همسری او انتخاب شده و مودب کنار پدر نشسته حتی نمی داند چشم های زنی که همسر آینده او خواهد بود چه رنگ است. وقتی دو خانواده توافق کردند دختر سر سفره عقد می نشیند و به خانه بخت می رود.

نوع دیگر انتخاب همسر در همان زمان ها که بسیار هم مضحک تر بوده این که پسر نورچشمی را پدر به مملکتی دیگر برای تحصیل فرستاده البته غافل از اینکه او دیگر آن پسر چشم و گوش بسته نیست. پدر و مادر دختری را انتخاب می کنند و با عکس پسر به خواستگاری می روند. وقتی موافقت پدر و مادر دختر را می گیرند، عکس دختر را برای نورچشمی چشم و گوش بسته می فرستند، وکالتی تنظیم

نمی دانم با شنیدن، گفتن یا خواندن کلمه خواستگاری چه احساسی به شما دست می دهد! شاید هم فکر کنید کمی old fashion باشد، یا آدم های بی کلاس و بی سواد را بیاد بیاورد، البته بیاد جوانترها. مجلسی را مجسم کنید که همه دور تا دور نشسته اند و میزها پر از شیرینی، میوه و آجیل است و سکوت مطلق برقرار. همه چشم به در دارند که دختر جوانی، سینی چای به دست وارد شود، سینی را جلوی آنها بگرداند و پذیرایشان کند. درست فکر کرده اید چرا که قدیم ها اینطوری بود. دختری که سینی چای را به دست داشت گوسفند بی پناهی بود که به عنوان یک جنس قابل فروش به معرض تماشا گذاشته می شد. او حتی سرش را بلند نمی کرد که تشخیص بدهد کسی که به خواستگاری او آمده چه شکل و شمایل دارد. او قلباً عاشق پسرعموی همبازی دوران



هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com

با جوانان سر خوشتر است ایغ پیر بر تدبیر را
 جصل باشد با جوانانخ بنعمه کردن پیر را
 روز بازلر جوانر بیغ روز سیر نیست
 نقد را با شرا بر سر کافت بود تاخیر را
 لاسر که گفتن دیده از دیدار است رویاخ بدوز
 هر چه گوید سر چاره دلانم کرد جز تقدیر را
 زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار
 پرده از سر بر گرفتیم کلاه همه تنویر را
 سعید را در یار جانان گریه خدمت سر نهر
 هه پنهان عزت بیاید خواستخ تقصیر را

و بالاخره شاهکار مسلم او گلستان که خود آمیخته با اشعار پارسی و عربی است. زنده یاد دکتر خانلری استاد سابق دانشگاه تهران درباره گلستان می گوید: سعدی شیرازی را نه تنها در کشور خود او بلکه در اقطار جهان همه اهل ذوق و دانش می شناسند و از آثار گرانبهای او به تحسین و ستایش یاد می کنند و از آن میان گلستان او را بیش از دیگر آثارش قدر می نهند. گلستان سعدی از همان زمان تالیفش تاکنون یعنی در طول هفت قرن نمونه اعلا فصاحت زبان فارسی شمرده شده و ادیبان و نویسندگان آن را سرمشق قرار داده اند. **دوالمه دلمه**

قصائد فارسی در موعظه و نصیحت و توحید و مدح پادشاهان و رجال و مردان بزرگ زمان است. آثار دیگر سعدی مشتمل است بر مرثیه ها- مُلعمات و مثلثات- ترجیعات- طبیعات- بدایع و غزل قدیم و خیبات که مجموعه ای است از اشعار هزل. در این مجموعه دو مثنوی انتقادی شیرین و چند غزل و قطعه و رباعی است که همه آنها رکیک نیست بلکه بعضی فقط متضمن مطالبات مطبوع منظوم است و بالاخره رباعیات و مفردات. آثار سعدی به نثر مشتمل است بر رسالات- مقالات- مقدمه ها و توضیحات

سیر و سفری

در

گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش: پرویز نظامی



شیخ مصلح الدین سعدی (بخش چهارم)

شاهکارش گلستان آمیخته با اشعار فارسی و عربی اوست. در راس آثار منظوم سعدی یکی از شاهکارهای بلامنازع شعر فارسی قرار دارد که در نسخ قدیمی کلیات (سعدی نامه) نامیده شده و بعدها به بوستان شهرت یافته است. این منظومه در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق است در ده قسمت که عبارتند از عدل- احسان- عشق- تواضع- رضا- ذکر- تربیت- شکر- توجه- مناجات و ختم کتاب. تاریخ اتمام منظومه را سعدی بدینگونه آورده است.

به روز همایون و سال سعید

به تاریخ فرخ میان دو عید
 ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج
 که بر در شد این نامبردار گنج
 و بدین ترتیب کتاب بوستان در سال ۶۵۵ هجری به اتمام رسید. اما تاریخ شروع آن معلوم نیست و تنها از فحوای سخن خود سعدی در آغاز کتاب بوستان معلوم می شود که آن را پیش از بازگشت از سفر طولانی خود به فارس سروده و در برگشت به وطن سوی دوستان به ارمغان برده است. می گوید:

در اقصای عالم بگشتم بسی

به سر بردم ایام با هر کسی
 تمتع به هر گوشه ای یافتم
 ز هر خرمنی توشه ای یافتم
 چو پاکان شیر از خاکی نهاد
 ندیدم که رحمت بر این خاک باد
 تولای مردان این پاک بوم
 برانگیختم خاطر از شام و روم
 به دل گفتم از مصر قند آورند
 سوی دوستان ارمغانی برند
 دریغ آمدم ز آن همه بوستان
 تهی دست رفتن سوی دوستان
 این کتاب به نام ابوبکر بن سعد زنگی است که در دیباجه به او تقدیم داشته و در آن این بیت مشهور را که نشانه اختصاص شاعر به دوران آن اتابک است آورده:

سزد گر به دورش بنامز چنان

که سید به دوران نوشیروان
 مجموعه دوم از آثار منظوم سعدی قصائد عربی اوست که اندکی کمتر از هفتصد بیت و مشتمل بر معانی غنائی و مدح و نصیحت است.

موضوع دیگری که در ادبیات ما سابقه ای کهن دارد، قسم نامه شاعران است. در این باب بسیاری از شعرا منظومه های لطیفی سروده و مضامین بدیعی آفریده اند. در میان مثنوی سریان، نظامی گنجوی نخستین شاعری است که آثار تابناکی در این زمینه دارد. من جمله سوگندنامه اسکندر است که یکی از عالی ترین و قوی ترین قسم نامه ای است که تاکنون در زبان فارسی سروده شده و عموم گویندگانی که از وی پیروی کرده و به اقتفای او سخن گفته اند، هیچیک نتوانسته اند با او برابری کنند.

سعدی نیز در غزل های خود، سوگندهایی یاد می کند که از رقت و لطافت لبریز است و از بهترین آثار اوست. مانند این ابیات:
 قسم به جان تو خوردن، طریق عزت نیست
 به خاکپای تو، کانه عظیم سوگند است
 که با شکستن پیمان و برگرفتن دل
 هنوز دیده به دیدارت آرزومند است

♦♦♦♦

به وفای تو، کز آن روز که دلبند منی
 دل نبستم به وفای کس و در نگشادم
 من که در هیچ مقامی نزد خیمه انس
 پیش تو رخت بیفکنم و دل بنهادم

♦♦♦♦

زبان گرم و بیان ساده و کلمات خوش آهنگ و تعبیرات لطیف و ترکیبات استوار سعدی همه را می فریبد و خاص و عام را لذت مستانه ای می بخشد. اعجاز سخن وی، در آن است که عوام آن را درک می کنند و خواص آن را می ستایند. هیچ گوینده ای را نمی شناسیم که مانند سعدی بزرگ به زبان محاوره سخن گوید، بی آن که بیان او از آسمان بلاغت و اوج فصاحت فرو افتد.

چقدر درست گفته شده:

همه گویند و سخن گفتن سعدی دگر است
 گویی خود او نیز به سحر کلام و تاثیر بیان
 خویش پی برده بود که در مقام مفاخره، پایه سخنوری خود را بدین گونه می ستاید:

بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس

حد همین است، سخندانی و زیبایی را
 آثار سعدی به نظم و نثر به دو دسته تقسیم می شود. آثار منثور او به ویژه

Ali Driving & Traffic School

کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی

برای بزرگسالان و نوجوانان

We Offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors

- ♦ Driving
- ♦ Training
- ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education
- ♦ Seniors, Teens & Adults
- ♦ Free Home & School Pickup
- ♦ Hiring & Training Instructors

Safe Driving
Saves Lives



Safety is our most
important concern

Licensed & Bonded

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

منطقه فضول آباد

واژگان لمپنی بکار نبرید

شما که غریبه نیستین. من صفحه فیس بوک دارم، فیس بوک من تخته سیاه من است، گچ هم نمی خواد. روی این تخته سیاه در بیشتر فرصت ها مطلبی، حرفی، نکته ای می نویسم. جنس حرف های من هم اگر بخواهید بدانید از این قراره:

📌 فیس بوک یک رسانه فراگیر جهانست. هرگز اصطلاحات و واژگان حقیر لمپنی در آن بکار نبرید چون از جانب اهل فضیلت و بعد همه، تحقیر و خوار و خفیف می شوید. 📌 به یکی یه وقت در ایران گفتم شله زردی بهت دادیم طرفش یادگار مادرم بود. ظرف ما چی شد؟ گفت کدوم شله زرد؟ کدوم ظرف؟

📌 دنیا را حرف نمیسازه. بیائید حرف هایمان را کم کنیم. 📌 خانه ای که در آن کتاب نیست یا کتاب نمی خوانند، تاریک است حتی اگر چل چراغ در آن روشن باشد.

📌 وقتی یکی از سر جهالت حرف زشتی به تو گفت نرو آن را بزار کف دست همه. این کار گاهی تف سربالاست.

📌 یک کتاب را تا آخر بخوان یا با خواندن هفت هشت صفحه از آن نمی شود آن کتاب را ارزیابی یا نقد و بررسی کرد.

📌 اگر نمی خواهید به سالمندی کمک کنی دست کم او را به نفع خود به زحمت نینداز.

📌 کسانی که به عنوان نو مهاجر به این طرفا می آیند که بمانند غالباً هزار مشکل دارند. پس تو هم به سهم خود چکار می توانی برای آنها انجام بدهی تا کم کم جا بیفتند و به شناخت و آسودگی برسند.

📌 راه برو. پیاده روی به سلامت تو کمک می کند یک جا نشینی افسردگی می آورد.

📌 دور بدی های مردم خط بکش و بگرد تا خوبی هایشان را پیدا کنی.

📌 هیچ آتش نشانی نمی تواند آتش حسادت و تنگ نظری را خاموش کند.

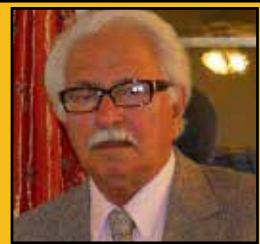
📌 سالمندی، زمان مناسبی برای پس انداز و حسابگری نیست. سعی کن راحت و خوش باشی.

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکرندی

فریمان - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



که کبود و سیاه میشه. مادرم باز میگه چند بار بگم سرفه های باباتون از سیگاره آنهم سیگار نکبت و آشغال اشو. می بینین شب و روز هم داره میکشه. حرف هیشکی روهم گوش نمیده.

بگذریم بابام امروز هم مثل همیشه پشت در ایستاده که جلوتر از همه بره بیرون. می دانم پائین رفتنش از این همه پله براش سخته ولی براتون گفتم از این نظر من خیالم تخته، ستاره از او غافل نمیشه، قبل از همه او را می بره پائین و سوار ماشینش می کنه. این هم بگم بابام که هنوز نرفتم میگه کی بر می گردیم. حوصله هیشکی رو نداره. حالا هم به اصرار ما میاد. مادرم، ماه منظر، همیشه افسوس می خوره که چرا باباتون مثل سابق برامون از همه جا تعریف نمی کنه، مامان راست میگه. یادمه یه روز برامون گفته بود که «وقتی رفته بودم عراق با این که سنی هم نداشتم، همانجا زن گرفتم. دنباله مطلب در صفحه ۵۶»

مردی که با دست خالی باران بود

امروز، قراره بریم مهمونی، بابا را هم باید ببریم. بابام سالمنده و حسابی فراموشکار شده. سالمند را نباید در خانه تنها گذاشت چون هزار خطر داره.

بهرحال داریم آماده میشیم که یواش یواش بریم مهمونی. نگاه می کنم می بینم بابام دکمه های پیراهنشو درست نبسته، موهاشو با بیحوصلگی کمی شانه کرده، عینکش رو چشمانش نیست و یه بند کفشش هم هنوز بازه. کمربندش را نیز دور کمرش نمی بینم. همه را خواهرم، ستاره، قبل از رفتن براش درست میکنه. البته منم می تونم همه رو درست کنم ولی خواهرم میگه تو برو کنار، خودم انجام میدم. کاش همه سالمندا از این دخترا داشتند. بهرحال، اینها مرا نگران نمی کنه ولی نگرانی من چیز دیگست. بابام امروز باز داره سرفه می کنه اون هم چه سرفه ای. اینقدر سرفه می کنه



انجمن آذربایجانی های شمال کالیفرنیا

غیر انتفاعی، فرهنگی، هنری و بدون وابستگی سیاسی و مذهبی!

با هدف ترویج و گسترش فرهنگ و هنر آذربایجان

برنامه های انجمن: برپایی جشن های ملی، تفریحی، کمپینگ و پیک نیک، مسابقات تخته نرد، شب های

شعر و موسیقی، برنامه های هنری، کلاس های زبان ترکی و انگلیسی، کلاس های رقص و موسیقی

خدمات و مشاوره رایگان در امور: • مهاجرت • کاریابی و مسکن • انجام خدمات اولیه برای افراد تازه وارد به آمریکا

• سرمایه گذاری • خرید و فروش املاک • مشاوره در امور تحصیلی • مشاوره در امور خانوادگی

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید!

e-mail: secretary@acsnc.org

(408)858-9862

website: www.acsnc.org

عضویت در این انجمن بدون شرط سنی، عقیدتی، سیاسی و ملیتی می باشد!

Azerbaijan Cultural Society of N. California

16400 Lark Ave., Ste. #260, Los Gatos, CA 95032

می گذارند و می گویند حق با شماست، در همه موارد حق با شماست.

یابویی که شما بر او سوارید به سرعت به طرف شهر نامردی و دروغ می تازد و شما سرخوش از این هستیید که خبرنگار را در فلان رادیو خارجی گفته اند و گاهی تلویزیون ها هم به عنوان محقق و کارشناس با شما مصاحبه می کنند. آه که دیگر خدا را بنده نیستید. در همه موارد می خواهید نفر اولی باشید که حرف آخر را می زند. القابی چون «روزنامه نگار برجسته»، «مفسر آگاه»، «کارشناس جهانی مسائل تخم ریزی لاک پشت های دریایی»، «مشاور سیاسی مقام معظم اداره توزیع قند و شکر»، «استاد تشخیص خبرهای دست اول بازار اقتصاد البسه دست دوم»... نصیب و نثار شما می شود. یابو به تندی در حرکت است. شما را برداشته است و فصل لاف زدن ها فرا می رسد: «دیروز به این امیرعباس گفتم کابینه کهنه شده ترمیمش کن.» گفت: «نمی شود، نمی توانم.» گفت: «اگر نمی توانی در شب مهمانی رئیس جمهور گامبیا خودم به عرض برسانم.» امیرعباس دستپاچه گفت: «قربونت برم. یه دو هفته مهلت بده. فرضاً اگر خواستم او را عوض کنم، کسی را داری که به جایش معرفی کنم؟»

دنباله مطلب در صفحه ۵۸

از نگاه وسیع و عمیق شما بر اتفاقات، از نثر شیرین و دلپذیر شما در گزارش ها تعریف می کنند. طبعاً تعریف این مقامات مهم که در سطح مملکت صاحب درجات عالییه هستند شما را خوشحال و پر لبخند می کند. آنها با زیرکی به دنبال شما که سوار یابو شده اید حرکت می کنند و یواش یواش و با حرامزادگی خبری را که گرفته اید و به صحت آن اطمینان دارید، آنطور که دلشان می خواهد صاف و صوف می کنند و در برابر اعتراض شما که حقیقت ها با آنچه آنها می گویند هماهنگی ندارد، با لبخند شیرین و گمراه کننده ای توضیح می دهند که روش کار این اداره از این قرار است و قبلاً آدمی که پیش از شما اینجا می آمد به توصیه مقامات بالاتر که از کارش راضی بودند از روزنامه نگاری به مدیریت کلی رفت و فلانی که می شناسیدش، سلسله مراتب را به سرعت طی کرد و وزیر شد.

شما حرکت می کنید و آنها راهنمایی می کنند. شش ماه، یک سال، دو سال. بعد شما مرد اول حوزه خبری خود هستید و یواش یواش هرجا که می روید از کارتان تعریف می کنند. گاهی که شب بیخوابی داشته اید و صبح اوقات تان تلخ است همین که وارد حوزه خبر می شوید، جلو می دوند و جای داغ و شیرینی تازه جلودان

یادداشت های بی تاریخ

صدرالدین الهی



از کتابچه: به همسفران جوانم

مواظب یابو باشید

زمستان ۱۳۵۳ در آستانه اعزام ده کارآموز به روزنامه ها

دفترچه ای دارم یادگار سال هایی که معلمی می کردم و هر سال در آغاز یا پایان سال، حرفی داشتم با شاگردانم که در حقیقت همسفران راهی بودند که من پیش از آنها در آن قدم گذاشته بودم. در این سال ها بر این یادداشت ها چند تکه ای افزودم. به مناسبت آن که هنوز در خم گیسوی این لعبت وسوسه گر گرفتارم و از پیچ و تاب های بسیار آموخته ام، فکر کردم وقتی آنها را پشت سر هم چاپ کنم و بعد هم جزوه ای فراهم آورم که بماند. تنها نکته ای که باید همه و به خصوص همسفران به خاطر داشته باشند این است که در نوشتن و بعد چاپ کردن این نوشته اصلاً قصد نصیحت و راهنمایی و وعظ و خطابه در کار نبوده است، بلکه باورهایی است که با من در این کار به دنیا آمده و با من تا واپسین دم خواهد ماند، و نیز نمی خواهم که این نوشته به هیچ عنوان به صورت دستورالعملی، یا باید نیایدی تلقی شود. والسلام.

پچه های عزیز من، امروز من گروهی از شما را به کیهان و چند نشریه دیگر می فرستم تا کارآموزی عملی را آغاز کنید. معمولاً ما این کار را در پایان سال سوم می کنیم که آمادگی بیشتر است؛ اما امسال من فکر کردم که بعضی از شما لازم است قبل از اخذ درجه لیسانس و پز روزنامه نگار لیسانس را دادن، توی آب بیفتید و ببینید که معلم تان که سال هاست در این بیکرانیه بیرحم دست و پا می زند چه حالی دارد؛ شاید دلتان به حالش بسوزد و آنقدر غرغر نکنید که تکلیف ها سخت است، زیاد است، وقت نداریم. اصلاً به چه درد می خورد گزارش از شخص، گزارش از واقعه، گزارش از محل نوشتن؟

اما پیش از آنکه در آب بیفتید می خواهم شما را از جانوری که لب این آب ایستاده است بترسانم. این جانور کنار دریای خبر کمین کرده، در انتظار ساده دلانی است که فکر می کنند با سوار شدن بر او، از شب تاریک و بیم موج رها خواهند شد و به آن طرف دریا که قلّه شهرت و افتخار رسید. جانور عجیبی است. اسمش را زیاد شنیده اید. اما خوب نمی شناسیدش. نام نامی این جانور «یابو» است.

یابو اسب درشت هیكلی است مثل اسب های مجار که توپ صحرایی را با همه سنگینی در پیچ و خم راه های کوهستانی حمل می کند و در تحمل بار سنگین صبور است و دم نمی زند. اما یابو

را با اسب مجار اشتباه نکنید. یابو حیوانی است بی محبت، نمک نشناس و عاشق بر زمین زدن سوار. آیا هرگز اصطلاح «یابو برداشتن» را شنیده اید؟ این اصطلاحی است که عوام برای کسانی که ناشناخته به جای اسب، سوار یابو می شوند به کار می برند زیرا یابو برخلاف اسب که حیوان نجیبی است، موجود نانجیب، سوارکش و گمراه کننده ای است. شغلی که من شما را امروز به سوی می فرستم، به همراهش یابویی در حرکت است؛ مواظبش باشید.

در روزهایی که خواهد آمد در حالی که خیال می کنید بر توسن قلم سوارید و کلمات جاده های مهربان زیر پای شما هستند، ممکن است سوار یابو شده باشید و این یابو ناگهان آنطور که او دلش می خواهد و نه آنطور که شما می خواهید، شما را به راهی ببرد که در صورتان نمی گنجد.

حمید ابطی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi

منطقه

منطقه

منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!

Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.

I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com F DRE# 01071456



(408)366-2180 F (408)253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

مصاحبه یک Collector

آرش زاد arash@zenithfg.com
کارشناس-دارای برد تخصصی تعمیر اعتباری



یکی از دوستانم به اسم رایان مصاحبه خوبی با فردی که سابقا در یک شرکت کالکشن اجنسی کار می کرده داشته که وقتی این مصاحبه را دیدم واقعا متاثر شدم و تصمیم گرفتم برای آگاه کردن خوانندگان عزیزم که هنوز هم در گیر کالکشن ها هستند در اینجا به چاپ برسانم. این مصاحبه برای شما دلیل خیلی از صحبت های غیرمنصفانه کالکشن اجنسی ها را آشکار می کند.

رایان مصاحبه اش را چنین برای ما تعریف می کند:
قبل از اینکه به مصاحبه ام با فردی که قبلا در کالکشن اجنسی کار می کرده بردازم، می خواهم به شما شرح حالی از ماجرا تعریف کنم.

چند هفته پیش از شخصی ایمیلی دریافت کردم که گفته بود سال ها یک Collector وام بوده است و از نحوه رفتار خود با مردم بسیار پشیمان است و از من پرسیده بود که آیا علاقه مند به شنیدن در مورد داستان او هستم یا خیر. من گفتم که علاقه مند به مصاحبه با او (به صورت ناشناس) هستم و او موافقت کرد. برخی مسائل در این مصاحبه شما را ممکن

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

افزودن ۱۰۰ امتیاز به امتیازهای کردیت در کمتر از یک ماه

مانی حاتمی
کارشناس-دارای برد تخصصی تعمیر اعتباری
mani@zenithfg.com



از بین بردن Late Payment, Collection ها و Charge off ها نوشته ام، بنابراین نمی خواهم این موضوع را در اینجا با جزئیات بررسی کنم، فقط یک دید کلی می دهم و سپس به شما آن مقالات را معرفی می کنم که به طور خاص چگونگی اجرای تکنیک ها را نشان دهد.

در واقع، به منظور حذف این آیتم های منفی، شما باید چند مرحله را دنبال کنید. ابتدا باید برای طلبکار اصلی یک "Goodwill Letter" ارسال کنید. این نامه وضعیتی که منجر به Late Payment, Charge off شده است را توضیح می دهد. در پایان این نامه از آنها می خواهید که یک "Goodwill Adjustment" انجام دهند و این حساب منفی را از گزارش کردیتی حذف کنند. به همین سادگی.

اگر شما این تکنیک را امتحان کردید و نتیجه نداد و آنها درخواست شما برای Goodwill Adjustment را رد کردند، باید به دنبال تکنیک های پیشرفته تر برای حذف حساب منفی باشید. تکنیک های پیشرفته در مقالات زیر بسته به نوع حساب منفی آورده شده است:

۳ روش برای حذف Late Payment از گزارش کردیت
۳ مرحله جهت حذف Collection از گزارش کردیت
چگونگی حذف Charge off از گزارش کردیت
حذف Late Payment, Collection و Charge off احتمالا موجب خواهد شد امتیاز کردیت تان به راحتی تا ۱۰۰ امتیاز بالا برود، اما اگر این کافی نبود، بیا باید گام های بعدی را به منظور بهبود بیشتر Credit Score بررسی کنیم.

بهینه سازی نسبت بدهی به اعتبار برای بالا بردن کردیت اسکور
بسیاری از مردم این را نمی دانند اما بخش بزرگی از آنچه که کردیت اسکور را تعیین می کند این است که از تمام کردیتی که در دست دارید چه مقدار کردیت استفاده کرده اید. اجازه دهید من کمی بیشتر این موضوع را توضیح دهم.

اگر شما یک کردیت کارت با محدودیت ۱۰۰۰ دلار دارید و بالانس شما ۸۰۰ دلار باشد، شما ۸۰ درصد از کردیت را استفاده کرده اید. این تأثیر منفی در کردیت اسکور شما دارد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۷

در اغلب موارد شما می توانید به راحتی امتیاز کردیت خود را حداقل ۱۰۰ امتیاز در یک ماه بهبود ببخشید. کلید این کار تمرکز، سازماندهی و داشتن تکنیک های مناسب است. قبل از اینکه به بررسی تکنیک های مختلف بپردازیم، شما باید چند کار انجام دهید. اول اینکه نیاز به یک نسخه فعلی از گزارش کردیت (Credit Report) خود دارید. علاوه بر این، توصیه می کنم در حالی که روند بهبود کردیتی را طی می کنید برای یک سرویس Credit Monitoring ثبت نام کنید. این اقدام این امکان را به شما می دهد که روزانه گزارش کردیتی و کردیت خود را بررسی کنید و ببینید چه پیشرفتی داشته اید.

چندین سرویس کردیت مانیتورینگ خوب وجود دارد، شما از هر کدام که می خواهید می توانید استفاده کنید. من شخصا از TransUnion استفاده کردم و این سرویس به خوبی برای من کار کرده است. هیچ یک از خدمات مانیتورینگ کردیتی رایگان نیستند، اما بسیار ارزان هستند و همیشه می توانید آنها را پس از اینکه امتیاز کردیتی خود را بهبود دادید لغو کنید.

شناسایی تمام ورودی های منفی در گزارش کردیت

گام اول شناسایی موارد منفی در گزارش کردیتی است که نیاز به ملاحظه دارند. وقتی می گویم «ملاحظه»، منظورم این است که ما قرار است تلاش کنیم تا آنها را به طور کامل از گزارش کردیت حذف کنیم، گویا آنها هرگز آنجا نبودند.

برخی ورودی های منفی که باید در گزارش کردیتی خود به دنبال آن بگردید عبارتند از: Late Payments

Charge offs
Tax Liens
Foreclosures

Judgments
Bankruptcy

اگر شما مثل اکثر مردم هستید، احتمالا باید Late Payment, Collection و Charge off داشته باشید. اگر آیتم های منفی جدی تری دارید، نگران نباشید، تکنیک های حذف برای آنها نیز وجود دارد. بیا باید با رایج ترین ورودی منفی شروع کنیم.

چگونه بر Collection, Late Payment ها و Charge off ها برخورد کنیم. من تعداد زیادی مقاله در مورد ویژگی های

دفتر خدمات اجتماعی ایرانیان

با مدیریت آذر نصیری

با سال ها تجربه، سرعت عمل، و دقت، شما را یاری می دهیم!

Azar Nassiri

Non-Attorney



خدمات سوشیال سکيوریتی

Iranian Services

- ♦ مدیر و مدیکل
- ♦ سوشیال سکيوریتی (SSI)
- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی (CAPI)
- ♦ دریافت حقوق پرستار
- ♦ دریافت حقوق بازنشستگی
- ♦ مصاحبه های سالانه سوشیال سکيوریتی
- ♦ انجام درخواست تجدید نظر در امور سوشیال سکيوریتی (Appeal)

در سراسر بی اریا

(408) 348-2595 F (925) 998-5340 F (415) 446-8682

Fax: (408) 247-5006

920 Saratoga Ave. #215, San Jose, CA 95129

از درگوشی ها

به قلم پیرویه

گرچه تفاوت اوضاع حول مطلقا نه آنست که ناحیه ما نوشته شد و آسان به ثمر رسید. لیکن کشت بغض و کینه در زمین آماده چالشی است بد فرجام که بدون تردید هم اکنون از پشت جبهه رهبری می شود. هم چنان که در هشت سال گذشته بطور مداوم باعث و بانی خرابکاری، پلیس کشی، چپاول و نافرمانی گردید. آتش زیر خاکستر ایام در حمایت و همدردی دولت وقت شعله زد و منجر به خود نمائی شد.

آیا هرگز به معیار ضرب هوش و استعداد و فراگیری ذهنی ملت ها و نژادهای مختلف در آمارهای موسسه گالوپ توجه کرده اید؟ گرچه برای ما ایرانی های از خود متشکر جمیع مواهب و محاسن مادی و معنوی ممکن در ضمیر تفرعن خلاصه می گردد. هرآنچه هم با درآمد نفت و کارشناسان شرق و غرب عاید می گردد و ابتکار و ابداع نبوغ ایرانی نیست. در حال حاضر مزدورانی چون همس حزب الله، طالبان و سایر دارندگان جنون قتل عام و نظام انهدام مردم جیره خوار دستگاه ریاکاران بر ناحیه ایران می درخشند که البته تا امروز در میان آمریکا پیشروی داشته اند. جنگ زرگری صرفا در طریق رد گم کردن دنیا گام می نهد.

است. البته جو سیاسی، زمینه مستعد، محیط مساعد و وجود کارگرانی چپگرا و متعصب، چاره ساز است. بنابراین زمان و مکان، آنجا و اینجا تابع اصولی است که دست قدرت اجنبی فراهم می آورد خودی و غیر در سرکوب حقایق یکسان می کارند، می پروراند و بار می نشانند. در این روزگار درد آفرین و دنیای آشفته کنونی چه شایسته تر که ما مردم دهان بین شایعه ساز دروغ پرداز خودمان را پاک سازی کنیم. چشم بصیرت بگشائیم تا شاید قادر شویم حقیقت واقع را از قلب بازشناسی نمائیم. ساختیم و پرداختیم و نقشه ابرقدرت نابکار را ندیدیم، نخواندیم و نگرفتیم تا آب از سرگذشت و خلیفه در مسند سلطان جا خوش کرد. امریه ها صادر شد دستور پشت دستور، چه بسا در لفاف فتوای دین، شایعات هم روزافزون از منابع تحت نظر حوزه علمیه در جهت انتفاع و مصلحت دستگاه دست نشانده همین آمریکا، آمریکایی که در حال حاضر ناظر جنبش نژاد پرستی و کشت و کینه میان دو رنگی هاست که تا بوده، بوده. می رفت نمودار نباشد که از هشت سال گذشته ورق برگشت و عقده بغض و کینه رسما میان دو دایره فرمایشات سردمداران عقده رنگ قرار یافت.

روزگار بر ما مردمان نادان، حقیرو سراپا تقصیر خلاصه هر رویداد کوچک یا بزرگ، ارضی یا سماوی، انسانی یا حیوانی بدون وقفه یا تعمق «دستور» می شد. و دست مایه شرف حتما مشمول یک کلاغ چهل کلاغ از تصادف خاتم در چاه انداختن افشار طوس، انتحار پهلوان تختی و فاجعه دردناک سینما رکس، تمام و کمال بدون لحظه ای درنگ. و صدها اتفاق ناهنجار دیگر. نگوئید گذشت و رفت و فراموش کنید. خیر، چه بهتر که تکرار شود تا شاید مختصری به خود شناسی و درک ماهیت جو زمان برسیم و دریابیم نقش فرد فرد ما در مصیبت سرنگونی ایران خوشنام، آبرومند و غنی آن دوران. چه بود و چه شد که به این جا رسیدیم. پناهنده و فراری از کشور ناصالح و آشوب طلب و خطرناک. آواری که به دست آمریکا و حزب دموکرات آمریکا بر سرمان فرو ریخت لابد بازده هوش سرشار، سواد سیاسی و روشنفکری فرد فرد خود ما بوده و اما بذر بغض و کینه در سخنانی ها و همدردی ها و اظهارات تنفر در حمایت از «عقده رنگ» در همین دیار نیز پا گرفته و هشت سال گذشته به هر بهانه ادامه داشته است. تداوم تحریک و ترغیب منجر به عواملی گشت که شاید توجه کرده باشید. گرچه انتظاری نیست. نتیجتا آخرین نمایش روی صحنه بی احترامی بازیکن توپ باز به سرود ملی کشور است، کشوری که این گروه توپ بازان حرفه ای را که اکثرا سواد خواندن و نوشتن هم ندارند به میلیون ها دلار پول و اغزاز و اکرام اجتماعی می رساند. باشد تا نتیجه پشتیبانی ها و تشویق هشت ساله تحصیل محصول گردد. همچنان که حاصل ما کینه توزان ناسپاس گردید. منظور آنکه مکافات عمل ناصواب ما زندگی دوگانه ایست که ظهور واقعی گذران عمر را از ما دریغ کرد. چه بسا کسانی که آسان پذیرند و باری به هر جهت و اما هر آنچه می رود در این سرزمین ظهور کند دستاورد همدردی به همراهی باخلاف کاران است و بس. کاشتیم و بهره مند گشتیم و اینان می روند تا با آبیاری کشت توبیخ و تلافی چنان کنند که سال ها تلقین و ترویج پیش کسوت انتقام جوان بوده

در کشتزارهای جهل و غرور بذر بغض و کینه کاشتیم و خرمن خرمن آفت درو کردیم. اساتید دانشگاه، شعرا، نویسندگان، حزب وابسته همسایه شمالی، مبلغین چپ و راست، بنده و شما، همگی شایعه سازان کشتارگاه زجر و شکنجه ساواک. البته هرآنچه برحسب تصادف هم عارض می شد می گفتیم «دستور» بود. فقر سیاسی و عجز حق شناسی همه گیر آواری شد که هنوز افرادی بدان می بالند. هم آنان که پس از سازش و همکاری با خرابکاران تعلیم دیده عرفات و سپس مرعوب و مغضوب و رانده از «دارالخلافه» یا به فرار سر از آمریکا درآوردند. چه شد مدینه فاضله، موطن کارگران و زحمت کشان و رنجبران کجا رفتا چرا که «سلی نقد به از حلوی نسیه»، و آمریکا خوان نعمت مفتخورهای از پا افتاده.

نمی دانم «علی شریعتی» را به خاطر دارید؟ ظاهرا راست بود و مذهبی که به نام دین چپ می رفت و ناگهان سخن رانی ها، مقالات، کتاب ها و فرمایشات اسلامی اش در طول مسیر دانشگاه ها، در پیاده نازل در دسترس مردم قرار گرفت. گفت و نوشت و رفت و شایعه درگرفت که مُرد ولی «دستور» بود. یکاش مختصری به شایعات ساخته پرداخته چپ و راست آن دوران برکت و قدر و منزلت می اندیشیدیم و تا بدین حد بی انصاف و بدبین قضاوت نمی نمودیم. شاید ماجرای «صمد بهرنگی» نویسنده کتاب «ماهی سیاه کوچولو» و چندین داستان کودکان به فارسی و ترکی را شنیده باشید. صمد اهل آذربایجان بود. یک تابستان در رود ارس آب تنی می کرد که غرق شد. شنا نمی دانست و ارس رود مرزی ما، رود سنگین و خطرناکی است. ظاهر آرام ولی در باطن موج دوار تند. بهرحال صمد غرق شد. گفتند صمد هم کشته شد. باور کردیم. تکرار کردیم و قبول کردیم که اینهم «دستور» بود. فقط خدا می داند که نبود. و اما بعد شنیدم و خواندم که جناب «آل احمد» در نهایت رشادت فرمودند «چه راحت غرق صمد را قتل کردیم و چه راحت تر گرفت.» آفرین بر شما و امثال شما نویسنده بزرگ و خفت

ارایه خدمات مهاجرتی با کیفیت عالی و هزینه کم (به زبانهای فارسی و انگلیسی)



Immigration & Citizenship Services

تلاش برای رفاه و عدالت را در کنار ما با ما در کنار ما در کنار ما

408-261-6405 818-616-3091

Pars Equality Center Pars Equality Center
1635 The Alameda 4954 Van Noy Blvd, Suite 201
San Jose, CA 95126 Sherman Oaks, CA 91403

www.parsequalitycenter.org

A DOJ Accredited Agency
511 (c)(3) Nonprofit Organization

■ کسب تابعیت (سببی زن شیب)

■ کارت اقامت دائم (کارت سبز)

■ درخواست مهاجرت خانوادگی

■ تمدید کارت سبز

■ مجوز اشتغال

■ معافیت از پرداخت هزینه

ادراکات فوق حسی به عنوان پاراسایکولوژی شعبه ای از روانشناسی است که آنچه را در محدوده روانشناسی علمی قابل بررسی نیست و تحت عنوان ادراکات فوق حسی (E.S.P) نامگذاری شده، مورد تحقیق و مطالعه قرار می دهد. تحقیقات پاراسایکولوژی دارای دو شعبه مهم است.

شعبه اول: کارش مطالعه پدیده هایی است که در محدوده حواس و ادراکات ظاهری انسان قابل بررسی نیستند و بطور کلی می توان گفت شعب تحقیقات (E.S.P) ادراکات فوق حسی را بنام های کلروپانس (دیدن وقایع بدون استفاده از حواس ظاهری)، تله پاتی (انتقال فکر و احساس از شخصی به شخص دیگر) و همچنین رشته های پرکونیشن، پرموتیشن، سایکومتری، سایکومانسی، کلراودینس و ارتباط های روحی (درک وقایع آینده بدون دخالت حواس ظاهری) مورد مطالعه قرار می دهد.

شعبه دوم: کارش مطالعه پدیده هایی در زمینه سایکوکینسیس (psychokinesis) است که عبارت است حرکت دادن اشیاء با استفاده از انرژی روحی و مطالعه اثر نیروی اراده بر تغییرات مادی اشیاء و کیفیت اثر نیروی حرکت دهنده. دنباله مطلب در صفحه ۵۵

فضای بی ابتدا و بی انتها. پس در مکان بی نهایت هر نوع مقیاس و معیار نسبی است و بستگی دارد به معیار ساختگی ما. تله پاتی چیست؟

طبق تعریف Herbert B. Greenhouse در کتاب psychic knowledge تله پاتی عبارتست از آگاهی روانی بدون ارتباط کلامی، دیدن و شنیدن و استفاده از سایر کانال های ارتباطی. اینکه بدانیم در ذهن فرد دیگری چه می گذرد یا به اصطلاح خودمان تله پاتی تبادل اندیشه و احساس است بدون استفاده از کلام.

حدود سال ۱۸۸۲ مجمع تحقیقات روحی لندن مسائل فراحسی را مورد بررسی قرار داد تا ضمن شناسایی دسته بندی شوند و پژوهش ها طبق گروه بندی در مسیر درست قرار گیرد. پس از مجمع تحقیقات روحی لندن مجامع علمی دیگری شروع به تحقیق در مسائل فوق روانی نمودند از جمله انجمن تحقیقات روحی نیویورک را می توان نام برد.

اولین تحقیقات علمی برای بررسی تکنیک های روانی در سال ۱۹۳۰ در دانشگاه «دوک» در کارولینای شمالی انجام شد و پروفیسور راین (Dr. J.B. Rhine) دپارتمان پژوهش های روحی را تاسیس کرد.



متفاوتی هستند که همانند لایه های درهم تنیده و غلاف های نامریی در درون نمود متکثر و متکاثف این عالم پیچیده شده اند و ابعاد متفاوت هستی صورت های بالنسبه تلطیف شده عالم هستی اند که از بی نهایت مشتق شده اند.

بی نهایت هستی مطلق بود

هستی مطلق ز حق مشتق بود
پس منشاء پیدایش کائنات با تمام صور و اشکال فیض وجودی ذات احدیت است که وحدت را در لباس کثرت متجلی ساخته است. درک ما از دنیای محسوس به شناسایی ابعاد (طول- عرض- ارتفاع) محدود است و درباره بُعد چهارم (زمان) از محدوده تئوری های علمی تجاوز نکرده ایم و ادراک حسی و تجربی آن برای ما هنوز میسر نشده، اما ابعاد سه گانه که مکان را تشکیل می دهند از این جهت نسبی هستند که مکان زمانی مشخص می شود که شیء در آن قرار گیرد. در حقیقت مکان چیزی جز فضا نیست،

تصور می کنم طی مقالات قبل زمینه را برای پرداختن به اصل موضوع تحت عنوان مسائل پاراسایکولوژی و فوق روانی آماده کرده باشم به شرطی که خوانندگان محترم مطالب را از ابتدا تا پایان مقاله ششم مطالعه کرده باشند. اصولاً مسائل فراحسی تحت عنوان ماوراء الطبیعه (متافیزیک) و فوق روانی اشاره به وقوع پدیده هایی است که دانش فعلی قادر به توجیه و درک قوانین آنها نیست، هر چند که دانشمندان فیزیک هولوگرافی کوشش می کنند مسائل بنیادی هستی را از دیدگاه علمی مورد بررسی قرار دهند و پیشرفت این تحقیقات ممکن است پاسخ بسیاری از سوالات مربوط به پاراسایکولوژی را مطرح سازد.

این استناد (ماوراء الطبیعه)، یا فوق روانی از این بابت نیست که این قبیل پدیده ها خارج از هستی متکاثف عالم اند، بلکه آنچه را به نام طبیعت و ماوراء طبیعت نامیده ایم از دیدگاه ما پدیده های

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

Established in 1996

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave. Sunnyvale, CA 94086

We Are #1

می روم سراغش می پرسد: «چقدر دلار میخواهی؟» می گویم: «ششصد هزار تومان.» روی تکه کاغذی آدرسی می نویسد و می گوید: «برو بازار وکیل. این مغازه را پیدا کن. پول ها را بده حسین آقا. دیگر کاریت نباشد.»

می روم بازار وکیل. چمدان بدست. پول ها را نشمرده ام. گفته اند ششصد هزار تومان است. از چند بازار پیچ در پیچ می گذرم و می رسم به یک مغازه کوچک. شبیه سمساری است. حسین آقا را پیدا می کنم. چمدان را به دستش می دهم و می گویم که از طرف خانم قاضی نوری آمده ام.

می پرسد: «چقدر است؟» می گویم: «ششصد هزار تومان.» می پرسد: «کجا باید بفروستی؟» می گویم: «آمریکا.» شماره حساب بانکی خواهر زلم در کالیفرنیا را به دستش می دهم. چمدان را می گذارد زیر پاچال و به من می گوید به سلامت. پول ها را نمی شمارد.

می آیم خانه. هنوز چهار پنج روز نگذشته است که خواهر زلم از آمریکا زنگ می زند و می گوید پول ها رسیده است.

وینچه

پنجشنبه بازار بود. توی جمعیت گم شده بودم. مادرم یک سکه دهشاهی دستم داده بود و گفته بود: «برو دکان آقای خیرخواه برای خاوهرت وینچه بخر!» خواهر کوچکم گریه می کرد و خانه را روی سرش گرفته بود. وینچه می خواست. بقالی آقای خیرخواه نزدیکی های خانه مان بود. آقای خیر خواه دوست بابام بود و ما از مغازه اش خرید می کردیم. چهار پنج سالی بیشتر نداشتم. خانه مان یک خانه دو طبقه بود با بامی سفالی و پله ای چوبین. در شهرکی بنام آستانه اشرفیه. شهرکی که پنجشنبه بازارش تماشایی بود. پدرم کارمند شهرداری آنجا بود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۸

داری؟» می گویم: «ندارم. اما می خواهم از این مملکت نفرین شده فرار کنم. همسر و یک دختر یکساله دارم.» می گویند: «برو فردا بیا. پاسپورت هایت را هم اینجا بگذار.»

فردا میروم سفارت. منیر هم آنجاست. دختری تک و تنها که ویزای آرژانتین گرفته است. می بینم یک ویزای سه ماهه به ما داده اند. تشکر می کنم و بیرون می آیم. به زلم زنگ می زنم و می گویم: «رفتنی شدیم، خرت و پرت هایمان را بگذار برای فروش.»

بر می گردم شیراز. آپارتمانی در کوی فرح داریم که حالا نامش شده است کوی زهرا. روی یک تکه مقوا می نویسم این آپارتمان به فروش می رسد. هنوز دو ساعت نگذشته است که دو تا آقا زنگ خانه مان را به صدا در می آورند.

می آیند نگاه می آورند به آپارتمان می اندازند و می گویند: «چند؟» می گویم: «والله ما از قیمت خانه و املاک چیزی نمی دانیم. نمی دانیم چند است!» می گوید: «ششصد هزار تومان میخوایم!» (ششصد هزار تومان آن روزها یعنی ده هزار دلار).

بی هیچ چک و چانه ای می گویم: «قبول.» می روند یکی دو ساعت دیگر بر می گردند. یک چمدان کوچک هم با خودشان می آورند. چمدان را به ما می دهند و می گویند: «ششصد هزار تومان است. ما هم چند برگ کاغذ امضا می کنیم و می گویم که باید یک ماه به ما مهلت بدهید تا کارهایمان را راست و ریست کنیم.»

همسایه مان خانم قاضی نوری است. از آن زن هایی است که می تواند یک کشور را اداره کند. بلند قامت و قدرتمند و کاردان و خوش سخن. به من گفته بود هر وقت دلار لازم داشتی خبرم کن.



آی عشق... آی عشق

سیزده چهارده سالم بود. عاشق شده بودم. عاشق زهره شده بودم. زهره را در راه مدرسه می دیدم، هر روز و هر صبح و عصر. روز به روز عاشق تر و شیداتر می شدم.

اولین شعر تمامی عمرم را برای زهره سرودم. شعری به زبان گیلکی. شعری زلال همچون زلالی روزهای کودکی. شعر این است:

می دیل دریای عشق و آرزویه

ا دریای درون صد های و هویه

شب و روز و غروب و وقت و بیوقت

می چوم هر جا تره در جستجویه

ترجمه فارسی اش تقریباً چنین است:

دلیم دریای عشق و آرزو بود

به دریا موج بود و های و هو بود

شب و روز و غروب و وقت و بیوقت

دو چشمانم ترا در جستجو بود

اینکه پس از پنجاه و پنج سال هنوز این شعر در ذهن و ضمیر و جان و جهانم باقی مانده است لابد یکی از معجزات همان عشق است.

این شعر اولین و آخرین شعری بود که سرودم و از آن پس دیگر هرگز هوس شاعری نکردم. و چه خوب!

در پرسه های دربدری

با بغضی در گلو به همسر می گویم: «اینجا دیگر جای مان نیست. باید هر چه زودتر جل و پلاس مان را جمع کنیم بزینم به چاک. باید برون کشید از این

ورطه رخت خویش!» زلم با نگاهی مغموم می گوید: «کجا برویم؟» می گویم: «هر جا که باشد. بالاخره زیر این آسمان کبود سوراخ سنبه ای برای مان پیدا میشود.» زلم باز می گوید: «آخر کجا برویم؟» می گویم: «بین عزیزم، اگر اینجا بمانیم من یا دق مرگ می شوم، یا کارم دوباره به اوین و فلک الافلاک می کشد، یا اینکه باید بروم بالای دار. من دیگر نمی توانم اینجا نفس بکشم، هوای اینجا مسموم است. مسموم!»

سال ۱۹۸۴ است. موج مهاجرت ایرانی ها آغاز شده است. از شیراز به تهران می آیم. می گویند سفارت سوئد ویزا می دهد. میروم به سفارت. دویست سیصد نفر توی صف ایستاده اند. یکی دو ساعتی توی صف این پا و آن پا می کنم. جوان بالا بلندی که جلوی من ایستاده است از من می پرسد که آیا دعوت نامه دارم یا نه؟ می گویم: «نه!» می گوید: «دون دعوت نامه ویزا نمی دهند.» چند دقیقه ای بلا تکلیف توی صف می مانم. جوانک سر صحبت را با من باز می کند. می گویم: «من باید هر چه زودتر از ایران خارج شوم و گرنه کارم به زندان و شکنجه خواهد کشید.» می گوید: «برو سفارت آرژانتین. آنجا بدون دعوت نامه ویزا می دهند.»

سوار تاکسی می شوم می روم سفارت آرژانتین. آپارتمان کوچکی است در میدان آرژانتین. هیچ شباهتی به سفارتخانه ندارد. پاسپورتم را می دهم و می گویم: «ویزا می خواهم.» می پرسند: «دعوتنامه

سارا مصطفوی - وکیل مهاجرت



- ♦ پناهندگی
- ♦ گرین کارت
- ♦ امور تبعیت آمریکا
- ♦ جلوگیری از اخراج
- ♦ امور حقوق بشر در رابطه با مسائل مهاجرت
- ♦ ویزاهای نامزدی، کار، سرمایه گذاری و دانشجویی
- ♦ سوء استفاده همسر در مورد اخذ اقامت از طریق ازدواج

- ♦ Asylum
- ♦ Green Cards
- ♦ Citizenship
- ♦ Deportation Defense

(510)852-9650

- ♦ Human Rights Based Immigration Matters
- ♦ Visas: Fiancé, Work, Tourist, Investment and Student
- ♦ Abused Spouse Immigration Petitions

Sara M. Mostafavi - Attorney at Law F info@sara-law.com
2000 Hearst Ave. Suite 401, Berkeley CA 94709

به نام آنکه هستی بخشی است و جان آفرین



انجام مراسم عقد شرعی
و سنتی ایرانی و آمریکایی

توسط دکتر مهری پیروز

در تمام موجودات نور خدا هست، چنانچه این نور بر افروخته شود، بر همه چیز غلبه خواهد شد و زندگی را با آرامش و شفاي درونی به حال طبیعی بر می گرداند.

۹۲۶۱-۸۵۹-۴۱۵

محیطی باشد (نظیر موسیقی بلند، فیلم ها و کارتون های هیجان انگیز) اخیراً ثابت شده است مصرف چربی ها بخصوص (Trans fat) در غذاهای پروسس شده باعث رفتار ناهنجار در کودکان می شود.

موادی نظیر گلوتن و مواد رنگی غذاها روی رفتار بچه ها تاثیر می گذارد. بنابراین طبق توصیه های پزشکی مصرف غذاهای پروسس شده و شیرینیجات کلا در کودکان و بزرگسالان باید متعادل و کمتر شود. مصرف بیش از حد شربت ذرت باعث چاقی کودکان شده که می تواند خطر بیماری قند را در آنها بالا ببرد.

جهت سلامتی خود و کودکان افراد بایستی حتی الامکان در مصرف چهار نوع غذای زیر خودداری کرده و یا کم مصرف کنند.

۱- Fast food

۲- Fried food

۳- Frozen food

۴- Fun food (sweet)

تمام این مواد غذایی حاوی شربت ذرت غنی شده با فروکتوز هستند که باعث اضافه وزن می شوند.

موجود استفاده کرده و چاق تر می شوند مصرف یک سیب درختی ۱۰ گرم فروکتوز و مصرف یک نوشابه غیرالکلی (soda) ۲۵ گرم فروکتوز وارد بدن افراد می کنند. یک سیب درختی دارای فایبر (Fiber) و مواد دیگری است که بسیار مفید هستند.

بنابراین میزان متعادل شکر باعث ایجاد انرژی و حرکت می شود و مصرف بیش از حد آن به فرم های گوناگون باعث بالا رفتن وزن و چاقی و مشکلات دیگر می شود.

رابطه شکر و اطفال

بسیاری بر این باور هستند که مصرف شکر به فرم (شکلات و کندی) بوسیله کودکان باعث بیشتر فعال شدن آنها (Hyperactivity) می شود و با مصرف این نوع مواد بچه ها از در و دیوار بالا می روند ولی اطلاعات اخیر که منتشر شده است نشان می دهد که خلاف این مسئله وجود دارد. شکر در مغز کودکان باعث بالا رفتن ماده سروتونین (serotonin) می شود که باعث آرامش و ساکت شدن کودکان شده و فعالیت بیشتر از حد آنها نتیجه عوامل دیگری است که می تواند عوامل



فواید و مضرات شکر (Sugar)

قند فروکتوز (در میوه ها) ۳۰ درصد از گلوکز شیرین تر است و در آب بهتر از گلوکز حل می شود به همین دلیل مقدار زیاد آن را به شربت ذرت اضافه می کنند. شربت ذرت غنی شده با فروکتوز ۵۵ درصد فروکتوز دارد. این شربت ارزان است و اغلب به تمام نوشابه های غیرالکلی اضافه می شود و صنایع نیشکر و چغندر قند تدریجاً از بین می روند.

اکنون این سؤال ممکن است پیش بیاید که این شربت غنی شده از نظر سلامتی انسان چه تاثیری دارد. مواد موجود در (HFCS) هیچکدام سمی نیستند ولی مصرف آن در فرآورده های گوناگون و اینکه به سادگی در آب حل می شود باعث شده افراد مقدار زیادی از آن را جذب کرده که اضافه آن به چربی تبدیل شده و در بدن ذخیره می شود و مقداری از آن نیز صرف ایجاد انرژی می شود.

طبق (WHO) سازمان بهداشت جهانی، فقط ۱۰ درصد میزان کالری انسان بایستی از مواد شیرین کننده تامین شود ولی مصرف بیش از حد آن باعث بالا رفتن وزن و چاقی می شود که عوارض گوناگونی به همراه خواهد داشت. در واقع افراد بدون توجه به مواد موجود در فرآورده ها مقدار بیش از حد مواد قندی از طریق شربت ذرت

انسان ها اصولاً غذاهای شیرین و مواد شیرین را بسیار دوست دارند. شکر به فرم ماده گلوکز و یا فرم پیچیده کاربوهدرات در انواع مواد غذایی ما موجود است. اغلب با نوشیدنی هایی نظیر قهوه و چای و حتی در مشروبات غیرالکلی مصرف می شود. بطور متوسط هر انسان در روز ۲۰۰ گرم شکر مصرف می کند. جالب توجه اینکه یک نوشابه (soda can) می تواند تا حدود ۱۵ قاشق چایخوری یا ۴۰ گرم شکر داشته باشد.

این شکر می تواند بطور طبیعی از نیشکر و یا چغندر قند گرفته شده باشد و یا اخیراً به فرم شربت ذرت (High Fructose corn syrup) اضافه شود. امروزه در اغلب مواد غذایی شیرین، شربت ذرت جای شکر را گرفته است و این به سه دلیل می باشد. اول، شیرین تر از شکر است و دوم ارزان تر از شکر است و سوم در مقابل علف کش ها مقاومت بیشتری از خود نشان می دهد.

شربت ذرت غنی شده با قند فروکتوز (HFCS) در آمریکا بسیار کشت می شود و حتی دولت به کشاورزان وام می دهد تا ذرت کشت کنند. با استفاده از یک نوع باکتری نشاسته ذرت را به سادگی به گلوکز تبدیل می کنند. شکر کریستالین از دو قند گلوکز + فروکتوز به نسبت ۵۰/۵۰ تهیه می شود.

استخدام

به خانم و یا آقای ایرانی، با داشتن گواهینامه معتبر رانندگی، جهت نگهداری از آقای ۸۹ ساله، به طور نیمه وقت در شهر Milbrae نیازمندیم. لطفاً برای اطلاعات بیشتر با ما تماس حاصل فرمایید.

۷۹۴۴-۵۷۶ (۶۵۰)

با درج آگهی در نشریه پژواک،

پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408)221-8624

ماهانامه
پژواک

امیرامی طلبم من ز خالق کیما
که غیر او مرا بیچ داد خواهی نیست
بر کج خلوتم و بچمان خرندم
ز خلق دورم و در خلوتم ریایی نیست

دیدم که عمر ما چون باد گذشت
از بذر و کشته حاصلی باز نگشت
تا فرصت عمر هست قح کیر بدست
زیر اندانی که فردایی هست

اصغر مهاجرانی



سوپر مارکت اطمینان درمحل جدید، افتتاح شد

میوه و سبزیجات انواع مرغ و حبوبات وسایل آشپزخانه و کادوئی
ادویهجات شیرینی و آبنبات گوشت و فرآورده های گوشتی



1373 Kooser Rd. San Jose CA 95118
(408) 622 - 6778

2018 NEW YEARS EVE

\$90
KIDS **\$49**
ALL INCLUSIVE

**SUN
DEC
31ST**



RUSHID

LIVE ON STAGE

CHAMPAGNE TOAST
PARTY FAVORS & BALLOON DROP
DOORS OPEN @ 8PM TO 1AM



DJ ALIREZA

بوفه کامل غذاهای ایرانی
به همراه پیش غذا و دسر

DAVID'S EVENT CENTER

5131 STARS & STRIPE DR. SANTA CLARA

RESERVATIONS: (408) 986-1666 **OR** (408) 372-3434

رنگ‌ها در کشورها چه مفهومی دارند؟

نمادها، نشانه‌هایی هستند که در هر فرهنگ وجود دارند و به صورت رنگ، عدد، شکل و غیره خودنمایی می‌کنند. در این میان رنگ‌ها در فرهنگ‌های مختلف مفاهیم سمبولیک متفاوتی را انتقال می‌دهند.

در هر فرهنگی، تلقی مردم از هر رنگ، مبتنی بر روابطی است که آنها بین رنگ‌ها و معنایشان پدید می‌آورند. به عنوان مثال در غرب، سبز به معنای امیدواری، سفید به خلوص، سیاه به عزاداری، قرمز به عشق یا انقلاب و زرد به دشمنی و کینه توزی نسبت داده می‌شود. در حالی که در چین، سفید به پرهیزکاری و زرد به اعتماد و صداقت و سیاه به کدورت و بی‌علاقگی مربوط می‌شود. در فرهنگ هندی، قرمز به معنای جاه طلبی و

می‌توان جهت روشن تر کردن ورودی از لامپ‌های هالوژن و یا نور افکن‌های کوچک چند جهت استفاده کرد و نور را به چهار گوشه ورودی پخش نماید. بهتر است در شب‌ها و بویژه در زمستان چراغ‌ها روشن باشد. سرویس‌های بهداشتی نباید روبروی در ورودی قرار گیرد زیرا "چی" وارد آنجا



Parinaz Kadkhodayan

پریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی

راهنمایی برای بوجود آوردن آرامش بیشتر در زندگی شما و ارتباطات با افراد دیگر در مسئله کاری و یا رابطه احساسی با استفاده از دانش کهن چینی فنک شویی و ستاره شناسی با من تماس بگیرید

*Transform your environment,
Transform your life.*

I can help you better understand & realize
your path in life by discovering it's meaning
& direction through your birth chart

(650) 704-5687

Parinazkadkhodayan@gmail.com



فنک شویی، ورودی خانه شما را متحول می‌کند

"چی" نیروی زندگی بخش کیهانی است. این نیرو باید به آسان ترین صورت ممکن در سرتاسر فضا جریان یابد، نه خیلی پر شتاب و نه خیلی کند، تا بتواند منافع و سود مندی‌های خود را به حد اکثر برساند. برای دسترسی به "چی" مطلوب باید تعادل مناسبی میان عناصر طبیعت و مصنوعات دست بشر برقرار ساخت تا همگی بتوانند در هماهنگی با یکدیگر همزیستی پیدا کنند.

خانه شود، محدود می‌کند، چنانچه میان در ورودی و بقیه قسمت‌های ساختمان یک فضای گذار (لابی) مناسبی وجود داشته باشد انرژی خشن بیرونی را فیلتر و ملایم می‌کند، همچنین حال خانه باید روشن و دل باز باشد و از رنگ‌های روشن استفاده گردد.

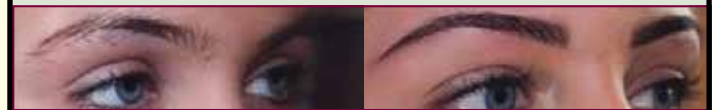
ردیفی از آینه‌های کوچک بر بالای طول دیوار یک طرف راهرو به جریان "چی" کمک می‌کند. یک راهروی ساده و شلخته "چی" را پیش از ورود هدر می‌دهد. ورودی و راهروها را نباید به انبار نگهداری اشیای اضافی تبدیل کرد. از آئینه، آثار هنری و گل در راهروها استفاده کنید تا از انرژی استقبال کنند و بازتاب مهمان نوازی باشد. همچنین دقت در کیفیت کف پوش راهروها و دیوارپوش‌ها بسیار مهم می‌باشد. از گذاشتن رخت آویز برای آویزان کردن لباس در این فضا خود داری کنید، مگر اینکه آنها را داخل کمد یا گنجی مخصوص این کار جای دهید. کفش‌ها هم باید درجا کفشی چیده شود.

فنک شویی در ورودی و راهرو ورودی خانه ارتباط ما را با جامعه نشان می‌دهد. بنابراین باید فارغ از هر گونه مانع در برابر ورود جریان مردم، فرصت‌ها و منابع، "انرژی" به زندگی ما باشد. ورودی باید خوانا، دعوت کننده، دوستانه و روشن باشد. همچنین اندازه آن باید با سایر ساختمان همخوانی داشته باشد. در ورودی باید به راحتی باز و بسته شود و هرگز نباید رو به یک مانع مانند دیوار بلند یا حصار، باز شود. همچنین باید از مواد سخت ساخته شود تا نمادی از محافظت باشد. استفاده از شیشه برای درب ورودی باید خیلی کم و محدود باشد، و زنگ در خراب نباشد. از داشتن گاراژ، درخت، تیر چراغ برق در نزدیکی یا در جلوی در ورودی، به خصوص اگر آن را از دید پنهان کند و یا برآن مسلط شود پرهیز نمایید.

Eyebrows Threading by Shahnoush

بند ابرو و صورت

مزایای بند ابرو: ماساژ و به جریان انداختن خون زیر پوست صورت، روش کاملاً طبیعی، سریع و تمیز، درد کمتر نسبت به wax



◆ Eyebrows \$10 ◆ Upper lip \$5 ◆ Chin \$5
◆ Sideburns- cheeks \$8 ◆ Full face including eyebrows \$25

408-832-41589 نازی

با تعیین وقت قبلی

(Fantasy Salon) 1514 Pollard Rd, Los Gatos, CA 95030

۴- نگرش و دیدگاه مثبت همراه با انتخاب روابط مثبت و ارزشمند برای زندگی پرمعنا و پر عشق.

۵- آسان گرفتن زندگی و دانستن اینکه زندگی هرگز پیش بینی شده نیست و هیچ چیز ثابت نمی باشد.

۶- دانستن این امر که خوشحالی و شادی از درون سرچشمه می گیرد و شادی نباید به هویت کاری و یا نقش اجتماعی و خانوادگی ما و یا مسائل بیرونی و دنیای مادی بستگی داشته باشد. این امر با خودسازی و عشق به خود و نشاط ذاتی امکان پذیر است.

۷- مقایسه را به کلی کنار بگذاریم زیرا هر انسانی، موجودی متفاوت است و برای همین هرگز در جهان دو اثر انگشت و یا خطوط کف دست و یا قرنیه چشم کسی شبیه دیگری نیست. هر کس انسانی جدا و قادر برای خودش است.

۸- گذشته در گذشته و آینده نه تنها نیامده بلکه اعتباری به آن و چگونگی آن نیست. در حال زندگی کنیم.

حضور در لحظه ها و هشیاری کامل (Presence and awareness) برای حال و آینده نگری تنها راه حل می باشد.

۹- برای خود و فقط خود زندگی کنیم و گرفتار تظاهر و روابط پوچ و انتظارات دیگران نباشیم. اگر ما شادتر باشیم، انسان مفیدتر و خردمندتری خواهیم شد و آنوقت فایده و خوبی ما صد در صد به دیگران هم می رسد.

شدن دیر نیست. بیایم بزرگ آرزو کنیم و به دنبال آرزو و هدف های خود برویم. با آنچه در چنته داریم کار کنیم ولی برای بهتر کردنش راه های صحیح را انتخاب کرده و همچنان سعی کنیم که از هر لحظه زندگی لذت ببریم. خودتان باشید و اجازه ندهید دیگران از شما چیزی بسازند که از خود واقعی تان دور شوید. به طور واقع بینانه و منصفانه به اشتباهات و ایرادهای خود واقف باشیم و هر لحظه برای عوض شدن به سوی شادی و رسیدن به حقیقت وجود خود حرکت و تلاش کنیم. فقط ما می توانیم در کنترل خود و زندگی خود باشیم و صلاح خود را با عشق و خرد و تصمیم های درست انتخاب کنیم. از تمام هستی و نعمت های هر روز آن همراه با خوبی هایش لذت ببریم. یادمان باشد ما قادر و توانا هستیم زیرا ما قسمتی از ذات حق و هستی و یا هر آنچه که شما به آن ایمان دارید هستیم و ما قسمتی از طبیعت شاد و زیبا هستیم. در آخر شما را به خداوند و به بهترین های هستی می سپارم. چندین راه کار برای یافتن شادی درونی به شما ارائه می دهم.

۱- اعتماد به خود و قدرت درونی نهفته در خویش برای یادگیری و تغییرات در جهت بهتر و شاد شدن.

۲- دانستن این اصل که اگر چیزی را از دست دهیم، حتما چیز بهتری را بدست می آوریم.

۳- بخشش مهمترین اصل رهایی و آزادی و شادی برای خود می باشد نه برای دیگران.



با سلامی گرم و صمیمی، به گرمی آفتاب و صمیمت آبی دریاها به خوانندگان مهربان ماهنامه پربار پژواک. بسیار شاد و مفتخر هستم که می توانم برای تک تک شما عزیزان نظریه و مطالب را ارائه دهم. باشد که بتوانم با کلام انرژی مثبت و سازنده ای برایتان به ارمغان بیاورم. مقاله این ماه را به درخواست شما در زمینه های بهتر و شادتر زیستن و خوشبختی ادامه می دهم.

داریم و قبول آنچه پیش آمده در زمینه تغییرات و بهتر شدن در زمینه های بهبودی و مثبت اندیشی و حرکت به سمت جلو اقدام کنیم. زندگی را به بوم نقاشی تشبیه می کنم. هنر نقاشی و کشیدن طراحی بوم زندگیمان را باید یاد بگیریم. خانی از متقاضیان می گفت که بوم تصویر زندگی او به خاطر یک ازدواج غلط و یک بیماری، مکرر و از پیش طراحی شد. ولی عزیزان ایشان متوجه شدند که بوم زندگی هر کس، تابلویی بسیار بزرگ و جادار می باشد. می توان همیشه زیبایی آن را با طرح های جدید و رنگی با خلاقیت و هارمونی و بالانس، حتی با وجود لکه های تیره در گوشه و کنار تا حدود زیادی تغییر داده و زیباتر کشید.

چنین است که رنگهای تیره و درهم زندگی در مقابل نقش ها و طرح های جدید با رنگهای شاد، رنگ می بازند. بعد از مدتی تابلوی زندگی ایشان توانست زیبا و دلنشین شود و جلوه های زیبایی آن پرمعنی تر و شادتر شد. ما می توانیم با یادگیری هنر زندگی کردن، مانند هنرمندی توانا تابلویی دلخواه تر و دل پسند برای خود بسازیم. هنر زندگی کردن از خود زندگی مهم تر و عزیزتر می تواند باشد. کیفیت زندگی ما بر کمیت های مادی غلبه دارد و ما قادریم در زندگی در کار و مادیات موفق تر باشیم. زندگی را باید برای زندگی کردن و شاد بودن ارج نهیم. در اینجاست که تابلوی بوم زندگی ما به Balance و تعادل و هارمونی و ابتکارهای جدید احتیاج دارد. در تجربه ها و پژوهش ها ثابت شده که متأسفانه بعضی از انسانها باوجود موفقیت مادی و اجتماعی بسیار، در درون آدم های متزلزل، نگران، و دل مرده ای هستند، زیرا که شادی و آرامش آنها فقط به عوامل بیرونی و رفتار دیگران بستگی دارد و به بندی وصل است. بعضی در دوندگی و تلاش های مادی زندگی تبدیل به انسانهای بی احساس می شوند و حتی زوج خود و یا دوستانشان را به عنوان کالا و یا وسیله رسیدن به هدف های خود می بینند. عشق و اشتیاق (Passion) و یا دوستی ارزش کمتری از پول و مقام پیدا می کند. کمبودهای خود را با مسائل ظاهری نمی توانند پر کنند و کم کم افسرده و بی روح می شوند و از خود و مفهوم واقعی زندگی دور و دورتر می شوند و با بیماری های روحی و جسمی گریبانگیر خواهند شد. عزیزانم، زندگی کوتاه و زودگذر ولی زیباست. هیچ وقت برای انسان شادتر و بهتر

اکثر مسائل و مشکلات زندگی، از درون ما، از نحوه برخورد و تفکر ما و عدم شناخت باورهای درست سرچشمه می گیرد. خودسازی همراه با خودشناسی صحیح، دیدگاه ما را توسعه می دهد و ما را با درون خود و آنچه برایش درست است آشنا می کند. بعضی از ما متأسفانه به خاطر فشارهای زیاد و تاثیر دیگران، خود را به خوبی نمی شناسیم و یا سالهاست گم کرده ایم! در مورد بسیاری از مراجعین که از افسردگی و یک حس بی تفاوتی و بی تصمیمی رنج می برند، متوجه می شویم که علت آن ریشه از عدم ارتباط مستقیم و واضح و شفاف با درون خود سرچشمه می گیرد. (Not be connected with self). خودشناسی و Meditation برای درک صحیح مشکلات و ریشه های آنها و اینکه بتوانیم به طور صحیح خواسته های خود را ارزیابی کنیم و هدف های درست را انتخاب کنیم، امری واجب می باشد.

باید به طور عمیق و با ارتباط با خود، همراه با یک مربی زندگی، بدانیم که چه می خواهیم، چه مشکلاتی داریم و از ایفای چه نقش ها و رل هایی که در آن فرورفته ایم خسته و بیزار هستیم و چگونه می توانیم خودمان باشیم. یاد بگیریم که چه تصمیم هایی برای زندگی، با در نظر گرفتن خصوصیات اخلاقی ویژه ما، برایمان بهتر می باشد و چگونه می توانیم آن را بدست آورده و با اعتماد به نفس، حرمت نفس و سازندگی برای بهتر شدن زندگی خود اقدام کنیم.

زندگی یعنی هر لحظه تصمیم گیری و انتخاب، (Life is about). ما انسان ها در هر لحظه زندگی در حال انتخاب کردن هستیم. از انتخاب های ساده تا انتخاب های بسیار سخت و پیچیده. از انتخاب آنچه که هر روز می خوریم، جاهایی که می رویم و چگونگی وقتی که می گذرانیم تا تصمیم های عاطفی، شغلی و غیره. برای همین دلیل هم ما مخلوقاتی قادر و توانا هستیم که می توانیم سرنوشت و آینده و حال خود را تا حدود زیادی انتخاب کنیم. من منکر نیستم که در خیلی مواقع در مقابل اعمال انجام شده و یا اتفاقات غیرقابل پیش بینی قرار می گیریم. بهتر است به جای نقش قربانی بودن و یا تسلیم و یا لجبازی و جنگ با آنچه در اختیار



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach
atoosa30@yahoo.com

مربی زندگی یک روانشناس نیست. او کسی است که با حمایت و تشویق شما و با ارائه راه های جدید برای رسیدن به هدف ها، به شما کمک میکند تا زندگی شخصی و حرفه ای خود را توسعه دهید.

مربی زندگی یک سیستم پشتیبانی است که یک هدف در ذهن دارد؛ بالا بردن کیفیت زندگی شما

- ♦ Relationships
- ♦ Self-esteem
- ♦ Behavior Problems
- ♦ Adults & Teens
- ♦ Life Choices
- ♦ Happiness & Balance

- ♦ رسیدن به شادی و نشاط درونی
- ♦ اعتماد و حرمت نفس و تعادل
- ♦ خودشناسی، خودسازی، هدف یابی
- ♦ تصمیم گیری های درست در زندگی شخصی و یا کاری
- ♦ روابط و حل اختلافات زوجه و یا خانواده ها
- ♦ صحبت های مثبت و سازنده برای نوجوانان و جوانان

No matter what you want to change in life,
the process is the same. I can help you navigate this process.

Atoosa Yekan "Not just another life coach..."

دفاتر در سن حوزه و پلزنئون، سرویس سیار موجود می باشد.

۹۷۰۰-۲۹۷ (۹۲۵)

Accidents

LAWYERS FOR SERIOUS INJURIES

CAMERON YADIDI

ATTORNEY AT LAW



LITIGATOR AWARDS™

2015



RANKED TOP 1% LAWYERS

No Fees

Until We Win Your Case!

Settlements & Verdicts



www.ceriousinjurylawyers.com

Law & Health Care Malpractice Insurance in the states of California, Florida, New York, and Texas



Acco

POWERFUL LAWYERS

دکتر کامران یدیدی

وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

نامی معتبر و شناخته شده در شرکت های بیمه



Over \$200,000,000 Collected in Settlements



Vehicle Accidents



Motorcycle Accident



Slip & Fall



Dog Bites

(888) 979-7979

جمع به رقص و پایکوبی دست زده است. این نکته قابل توجه است که موسیقی از آغاز اسلام در ایران محدود بوده و فقط در صحنه های عروسی و میهمانی ها و مراکز خصوصی مورد استفاده قرار می گرفته و به همین جهت شعر در بسیاری از موارد جای موسیقی را گرفته است و از این جهت موسیقی که از دوران های بسیار قدیم در کلیساها رایج بوده و در غرب پیشرفت فراوان یافته و برای هر صحنه موسیقی و نوای خاص وجود دارد به طوری که حتی کارهای اقتصادی و تجاری و خرید و فروش به وسیله اجرای موسیقی بهتر انجام می پذیرد. مولوی فرماید:

ای چنگ پرده های سپاهانم آرزوست
وی نای ناله خوش سوزانم آرزوست

FFFF

این علم موسیقی بر من چون شهادتست
چون مؤمنم شهادت و ایمانم آرزوست
ای عشق عقل را تو پراکنده گوی کن
ای عشق نکته های پریشانم آرزوست

FFFF

ای بانگ رباب از کجا می آیی؟
بُر آتش و بُر فتنه و بُر غوغایی
جاسوس دلی و پیک آن صحرایی
اسرار دل است آنچه می فرمایی

FFFF

سماع از بهر جان بی قرار است
سبک برجه چه جای انتظار است
سماع آرام جان زندگانیت
کسی داند که او را جان جانست

ابیات فوق رابطه جلال الدین را با موسیقی روشن می کند. او نوای خش را آوای ملکوتی می داند که شادی آفرین است. یکی از مسائل مورد توجه عرفا از جمله مولانا جلال الدین گریز از شهرت و کسب خوشنامی در بین مردم است، چه این اعتقاد در بین آنهاس که شهرت و معروفیت، چه صادق و چه کاذب، در انسان غرور و نخت ایجاد می کند و در نتیجه انسان را به گمراهی و کجروی می کشاند و سالک راه را از مسیر خود منحرف می کند تا در ورطه هلاک و سقوط کشانده شود که چنین سالکی را هالک خوانند مولوی گوید:

آتشی از عشق در جان برافروز
سر بسر فکر و عبارت را بسوز
چیست تعظیم خدا افراشتن
خویشتن را خوار و خاکی داشتن
چیست توحید خدا آموختن
خویشتن را پیش واحد سوختن

اندر آن ظلمت همی شد هر کسی
دیدنش با چشم چون ممکن نبود
اندر آن تاریکیش کف می بسود
آن یکی را کف به خرطوم او فتاد
گفت همچون ناودانست این نهاد
همچنین هریک به جزوی که رسید
فهم آن می کرد هر جا می شنید
در کف هر کس اگر شمع می بدی
اختلاف از گفتشان بیرون شدی

چشم حس همچون کف دستست و بس
نیست کف را بر همه او دسترس
در داستان فوق پیلی در خانه و جای تاریک بود مردم تماشاگر او را نمی دیدند. هر کس دست به عضوی از بدن او می زد و پیل را به مناسبت جایی که زیر دستش بود می پنداشت برآورد و تعریف می کرد، در حالی که اگر تاریکی نبود و شخص می توانست پیلی را ببیند و یا چشم دل باز و روشنی داشت و یا به عبارت دیگر عینکی به رنگ سفید و حقیقی بر چشم داشت این گونه دچار اشتباه نمی شد و حقیقت را بدان گونه که بود می شناخت. مولوی در جای دیگر به مطلب بسیار مهم از بعد روانکاوی اشاره دارد و آن این است که انسان در بیداری برطبق خواست و میل و علاقه خود مسائل را مورد سنجش و بررسی قرار می دهد و با آن باور و اعتقاد پیدا می کند و در صدد به دست آوردن آن است و سعی و کوشش خود را براساس آن به کار می گیرد که دلیل و مستمسکی ولو ضعیف و نادرست برای تأیید نظریه خود ارائه دهد و براساس آنچه در بیداری با آن مواجه است به آن محبت و عشق می ورزد و هنگام خواب درخواست آن نمود برایش تداعی می شود. به ابیات زیر توجه فرمائید.

پیل باید تا چو خسبند اوستان
خواب ببند خطه هندوستان
خر نبیند هیچ هندستان به خواب
خر ز هندستان نکرده است اغتراب
ذکر هندستان کند پیل از طلب
پس مصور گردد آن ذکرش به شب
جلال الدین که خوبی و زیبایی ها را برای انسان در حد معقول و مشروع مجاز می شناسد گفته است:

هر چه را خوب و خوش و زیبا کنند
از برای دیده بینا کنند
کی بود آواز چنگ و زیر و بم
از برای گوش بی حس اصم
به ویژه بعد از ملاقات با شمس رقص و موسیقی را در زندگی و امور روزانه به کار گرفته است و در مواردی در بازار و حضور



جهان بینی مولوی

دکتر حسن مسیح پور

ماست. اگر او را آسان گیری امور بر تو آسان می شود و برعکس.

گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع سخت می گردد جهان بر مردمان سخت کوش شاعر در این بیت دچار اشتباه شده زیرا در طبع جهان سختگیری وجود ندارد و این سختگیری عکس العمل دید و اندیشه و افعال ماست. مولوی می فرماید:

دید احمد را ابوچهل و بگفت
زشت نقشی کز بنی هاشم شکفت
گفت احمد مر ورا که راستی
راست گفتمی گرچه کار افزاستی
دید صدیقش بگفت ای آفتاب
نی ز شرقی نی ز غربی خوش بناب

گفت احمد راست گفتمی ای عزیز
ای رهیده تو ز دنیای نه چیز
حاضران گفتند ای صدالوری
راستگو گفتمی دو ضدگو را چرا
گفت من آینه ام مصقول دست
تُرک و هندو در من آن بیند که هست
سنایی عارف معروف گوید:

ز حرص و شهوت و کینه ببر تازان سپس خود را
اگر دیوی ملک یابی و گر گرگی شبان بینی
بهشت و دوزخ با تست در باطن نگر تا تو
سقرها در جگر بایی جنان ها در جنان بینی
خلیل ار نیستی چه بود تو با عشق آبی در آتش
که تا هر شعله ای ز آتش درخت ارغوان بینی
بدین زور و زر دنیا چو بی عقلان مشو غره
که این آن نوبهاری نیست کنش را بی مهرگان بینی
مولوی در داستان دیگر به شرح زیر این مطلب را تأیید می کند.

پیل اندر خانه تاریک بود
عرضه را آورده بودندش هوند
از برای دیدنش مردم بسی

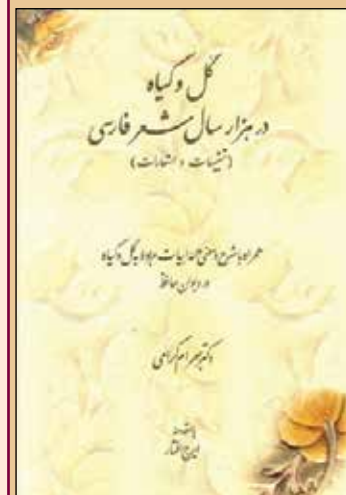
این جهان همچون درخت است ای کرام
ما بر او چون میوه های نیم خام
سخت گیرد میوه ها مَر شاخ را
ران که در خامی نشاید کاخ را
جهان بینی مولوی درباره
مسائل اجتماعی و اخلاقی و روانی
مولوی می فرماید ما با هر دیدی که داریم
یا با هر عینکی که در چشم ماست امور را
می نگریم.

دید و بینش ما چیست؟ آیا دید ما ستیز و بدبینی و نفاق و خصومت است و یا برعکس صلح و صفا و مودت. جهان و امور نیز همان گونه در برابر ما خودارایی خواهد داشت. به ابیات زیر توجه فرمائید:

گفت لیلی را خلیفه کان توی
کز تو مجنون شد پریشان و غوی
از دگر خوبان تو افزون نیستی
گفت خامش چون تو مجنون نیستی
دیده مجنون اگر بودی تو را

هر دو عالم بی خطر بودی تو را
جلال الدین در این داستان یکی از اصول عالی روانی انسانی را گوشزد می کند و می گوید: برای شناخت جهان هستی و نمودهای آن چه عینکی به چشم زده اید و چگونه دنیا را می نگرید و به عبارت دیگر تعبیر و برداشت شما چگونه است؟ رنگ عینک شما قرمز است، یعنی سرچنگ و ستیز دارید یا سبز است و اندیشه صلح و صفا جهان و نمودهای آن بد انسان در مقابل شما خود را عرضه خواهد داشت. خلیفه با دیدی لیلی را می بیند که عاری از عشق است ولی مجنون با عشق و شیفتگی به او نگاه می کند و بدین جهت برعکس خلیفه لیلی را بسیار زیبا و دل آراء می بیند. آری جهان ساخت و پرداخته دید

گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی



این کتاب که با مقدمهٔ ایرج افشار چاپ دوم آن در بهار ۱۳۸۹ در ۵۴۰ صفحه در تهران منتشر شد، حاصل بیش از ده سال تحقیق مستمر مؤلف است. این کتاب در زمانی کوتاه با استقبال کم نظیری از سوی مراجع علمی و ادبی روبرو گردید. بیش از چهار هزار بیت شعر انتخابی از ۱۵۶ شاعر (از آغاز شعر فارسی تا نیم قرن قبل از مشروطیت) در مورد ۱۱۰ گونهٔ گیاهی (گل ها، درختان، میوه ها) و تصاویر آنها با شرح و معنی ابیات دشوار و نیز شرح و معنی همهٔ ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ آمده است.

لُس آنجلس، شرکت کتاب
۱-۸۰۰-۳۶۷-۴۷۲۶

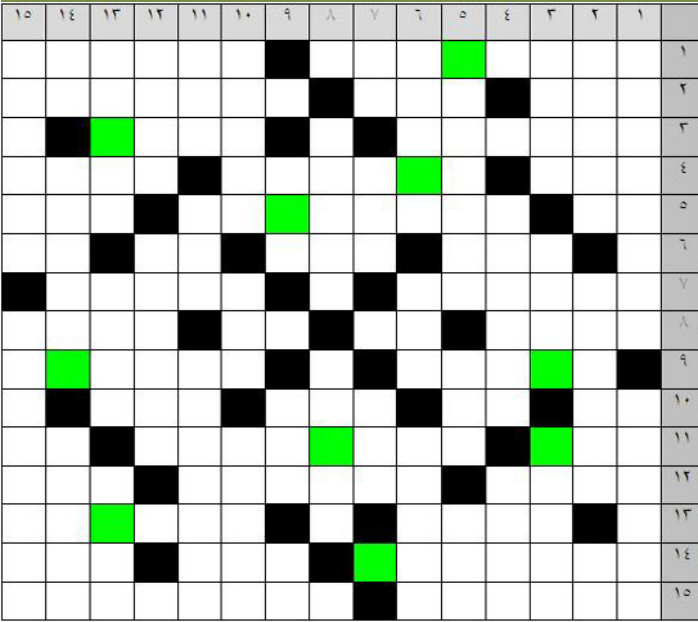
با درج آگهی در نشریه پژواک،

پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

ماهانامه
پژواک
(408)221-8624

حل جدول در صفحه ۴۲

سرگرمی



عمودی

- ۱ - مقام مدیریت امور شهر - حرارت سنج
- ۲ - قلب قرآن - بلا پوش زمستانی - از ضمائر جمع
- ۳ - بلبل - فراموشکار - جامه ها را در آن می نهند
- ۴ - خدمتگزاران - بشارت
- ۵ - از کاخ های تخت جمشید - وسیله برق رسانی - مادر ترکی
- ۶ - پیر و از کارافتاده - قصد کردن - جانوری دوزیست
- ۷ - هنوز انگلیسی - پرتاب کردن و تیراندازی - نوعی قطعه الکترونیک
- ۸ - منکر شدن - از مرکبات
- ۹ - از پونه بدش میاد - محلی در مکه مکرمه - پسوند تشابه
- ۱۰ - از پوشاک - پیشوندی برای سوال - حبیب خداست
- ۱۱ - سگ بیمار - موی گردن شیر - به دنبال راهنمایی است
- ۱۲ - پوست گندم و جو - خوش سیما
- ۱۳ - مجبور به انجام کار - سیب ترکی - نقل کننده
- ۱۴ - از حروف انگلیسی - از توابع تهران - روشنایی خیلی کم
- ۱۵ - به کاربردن راهی برای انجام کاری - از شهرهای معروف ژاپن

افقی

- ۱ - اثری از مولانا جلال الدین محمد بلخی - نام سابق شهرستان تنکابن
- ۲ - سر - دورافتاده - از ایالات کشور آمریکا
- ۳ - برابری - داخل شدن
- ۴ - جوشهای ریز روی پوست - دیدن منظره از دور - سلب کننده
- ۵ - تکرار حرفی از الفبا - از صنایع دستی ایران - شهری در آلمان
- ۶ - قوت لایموت - دوست و همدم - اشاره به دور - نام ترکی
- ۷ - از شهرهای خوزستان - نام یکی از پیامبران الهی
- ۸ - رسم کننده - مساوی عامیانه - نت سوم موسیقی - پوشش برای سر
- ۹ - مدیریت و سروری - شیطانی
- ۱۰ - کتابی معروف درباره خاطرات جنگ تحمیلی - محصول مرداب - بهره - دارو
- ۱۱ - بازی دوران کودکی - نشان دهنده راه - کجاست؟
- ۱۲ - در امنیت و سلامت کامل - پایان پذیر - امر به آشامیدن
- ۱۳ - در حال دویدن - فراری
- ۱۴ - وکیل - تاوه نان پزی - سوگند
- ۱۵ - زنده - از آثار شیخ بهایی

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن جمهوری آذربایجان

مقیم کالیفرنیا تقدیم می کند

کنسرت باشکوه با هنرمند ممتاز
موسیقی آذربایجان
کونول کریم اوا

۳۰ دسامبر ۲۰۱۷ ساعت ۷:۳۰ عصر

75 S. 11th Street, San Jose

(408)661-3410

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و

چهارمین جمعه هر ماه

www.ferdosi.org

۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰

ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر
ماه میلادی در شهر فریمانت.
مکان:

Fremont, Main Library

۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰

۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰

ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

دومین چهارشنبه هر ماه در
رستوران فیمس کباب.

تلفن اطلاعات:

۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰

1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA

انجمن فرهنگی آذربایجان
در شمال کالیفرنیا

سازمان غیر انتفاعی، بدون وابستگی
سیاسی و جناحی، با ارائه کلاس های
رایگان یادگیری ابزار موسیقی، رقص و
زبان انگلیسی.

با برگزاری رویدادهای فرهنگی و کنسرت

۴۰۸-۸۵۸-۹۸۶۲

secretary@acsnc.org

16400 Lark Ave. #260

Los Gatos CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن
یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر

از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو

شنبه ها ساعت ۱۰ شب

از کانال ۱۵ سن حوزه

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه
شروع برنامه با شام و موزیک

از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰

۱۲۳۴-۳۶۹ (۴۰۸)

۶۴۴۰-۳۷۱ (۴۰۸)

مکان: رستوران ساقی

1392 S Bascom Ave, San Jose

ورودی با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع
مشکلات آثار مولوی، سعدی و
حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد
دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با
ما تماس حاصل فرماید.

(۴۰۸)۲۲۵-۲۹۲۲

۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

نیاز مندیها

استخدام

جهت توجه و رسیدگی به یک آقای سالمند، به یک خانم و یا آقای با تجربه در مورد نگهداری افراد سالمند و با داشتن گواهینامه معتبر در شهر سن متئو، برای تمام وقت نیاز است.
برای اطلاعات بیشتر لطفا با شماره تلفن ۳۳۱۲-۷۳۶ (۶۵۰) تماس بگیرید.

جویای کار

خانمی با تجربه و دارای گواهینامه معتبر، آماده نگهداری از سالمندان شما، بطور شبانه روزی، در شهر سن حوزه و حومه می باشد. ۶۹۹۲-۴۷۹ (۵۱۰)

اسخدام

نیازمند به یک خانم با تجربه برای نگهداری از مادر سالمندم می باشم. در ناحیه مارین کانتی. تمام وقت با در اختیار گذاشتن اتاق، غذا و حقوق ماهیانه ۴۳۶۶-۷۸۵ (۴۱۵)

برای اجاره

یک صدلی برای اجاره به یک آرایشگر موجود می باشد. لطفا با خانم «شری» تماس حاصل فرمایید. ۷۲۳۲-۹۲۷ (۴۰۸)

Find Iranian Businesses Faster

از وب سایت
irany.com

دیدن کنید و اطلاعات
کسب و کار، آگهی
نیازمندی و هر نوع
برنامه ای، مانند کنسرت،
سخنرانی، شب شعر و...
را در این وب سایت
برای اطلاع عموم به ثبت
برسانید.

irany.com

پل ارتباطی بین ایرانیان
در سراسر دنیا

فال ستارگان

دی

زمان بیشتری را در این ماه به خانواده و دوستان تان اختصاص دهید. افراد زیادی در اطراف تان هستند که پیشنهادها و نصیحت های زیادی به شما می کنند که بد نیست به آنها نیز فکر کنید. زندگی را ساده تر از قبل بگیرید و استراحت را فراموش نکنید. خبرهای خوبی به شما می رسد که اندکی از نگرانی تان می کاهد.

بهمین

وقت بیشتری را برای رابطه عاطفی تان بگذارید. شاید مجبور شوید که از برخی برنامه های تان بگذرید اما ارزشش را دارد زیرا یک رابطه عاطفی خوب، ذهن شما را آرام تر کرده و باعث می شود که در زمینه های دیگر نیز تمرکز بیشتری داشته باشید. خبری را که مدت هاست انتظارش را می کشیدید، می شنوید.

اسفند

شما فرد عاشق پیشه ای هستید اما عشق ساده به دست نمی آید. بهتر است اگر در این راه قدم گذاشته اید، ثبات خود را حفظ کنید تا نتیجه ای که می خواهید را به دست آورید. با مشکلاتی که سر راهتان قرار گرفته، در حال حاضر نچنگید. بی تفاوت از کنارشان بگذرید تا همه چیز به روال عادی خود بازگردد.

مهر

از حساسیت های بی جا دست بردارید زیرا تنها زندگی را به کام شما تلخ می کنند. در اواسط ماه سرتان در محیط کار شلوغ تر می شود در صورتی که بازدهی تان فرق چندانی نمی کند اما ناامید نشوید و دست از تلاش بر ندارید. در کنار تمام مشغله های ذهنی که دارید، خوشگذرانی در کنار دوستان را فراموش نکنید.

آبان

این ماه زمان آن است که بیشتر به خودتان اهمیت دهید. سعی کنید برنامه غذایی و ورزش تان را به طور منظم دنبال کنید. در اواسط ماه فرصتی در اختیار تان قرار می گیرد که نباید آن را از دست دهید، در غیر این صورت دیگران از شما پیشی می گیرند و جای شما را پر می کنند.

آذر

در این ماه خیال ها و رویاهای زیادی در سر دارید اما عملی کردن آنها در آن واحد برایتان غیر ممکن است. ولی نگران نباشید و قدم به قدم پیش روید. با یک برنامه ریزی دقیق به تدریج به تمام آنها دست خواهید یافت. با چند نفر از اطرافیان تان نیز به مشکل بر خورده اید. سعی کنید که این کدورت ها را دوستانه حل کنید.

تیر

خاطرات گذشته به سراغ تان آمده و ذهن شما را مشغول کرده است. اگر سر خودتان را گرم نکنید، ممکن است که بار دیگران تلخی آن گریبان تان را بگیرد. شاید دیگران با حرف ها و کارهایشان نگذارند که تعادل لازم را داشته باشید اما این شماست که باید کنترل ذهن تان را به دست بگیرید.

مرداد

شما می توانید با یک برنامه ریزی دقیق به تمام آنچه که می خواهید برسید. در اواسط ماه کارهایی که مجبورید در خانه انجام دهید، زیاد می شود و شما را کمی گیج و خسته می کند اما سعی کنید زمان تان را روی کارهای مهمتر، صرف کنید. از امتحان چیزهای جدید نیز ترسید. در مورد مسائل گوناگون از پیش داوری پرهیزید.

شهریور

در این ماه زندگی به کام شما خوش تر می آید و بسیاری از فشارهایی که رویتان بود، برداشته می شود. ملاقات با افراد جدید ذهن شما را بازتر خواهد کرد و ایده های جدیدی را در زمینه کاری به شما خواهد داد که بر درآمد مالی تان نیز تاثیری مثبت می گذارد. اتفاقات خوش حتی بزرگ تر از آنچه فکرتان را کنید، در راهند.

شروردین

این ماه باید فعالیت های تان را بیشتر کنید و سعی کنید که از رقبا خود پیشی بگیرید. اگر زمان بیشتری را در محیط گرم خانه و خانواده بگذرانید، بسیاری از استرس های تان از بین خواهد رفت. با افراد بیشتری در ارتباط باشید و پیشنهادهایی که در سر دارید را به آنها نیز منتقل کنید.

اردیبهشت

این ماه شما به طرز عجیبی مرکز توجه دیگران خواهید بود، پس خودتان را دست کم نگیرید و به کارتان با اعتماد کافی ادامه دهید. اگر هنر خاصی مثل نقاشی، مجسمه، خیاطی و... دارید، اثری هنری خلق کنید. این کار ذهن شما را آزادتر کرده و آرامش بیشتری به شما می بخشد.

فرورداد

این ماه زندگی برایتان ساده تر می شود، از این رو که بسیاری از مشکلات تان حل شده و شما احساس آرامش بیشتری پیدا خواهید کرد. اتفاقات خوبی برایتان رخ می دهد که انتظارش را ندارید. هر چه به سمت اواخر ماه پیش می روید، شرایط مالی شما نیز بهتر می شود. زندگی را ساده تر از قبل بگیرید و استراحت را فراموش نکنید.

NYE 2018

ساتی

**SUN
DEC
31ST**

**\$79
PLUS TIP & TAX**

**CHAMPAGNE TOAST
PARTY FAVORS & BALLOONS
THREE COURSE DINNER**

RESERVATIONS (408) 998-0122

Address: 1392 S Bascom Ave, San Jose, CA 95128

عشق، هوس، نفرت

بخش نهم

عباس پناهی



و او هم تمام شب را بیدار مانده بود و غصه خورده بود. الیزابتا گلویی صاف کرد تا نادزارینا متوجه حضورش بشود. اما نادزارینا سرش را هم تکانی نداد. الیزابتا روی تخت و در کنارش نشست و رویش خم شد و بوسید و نوازشش کرد. آرام گفت: «هنوز بیداری عزیزم؟» و بعد از مکثی گفت: «آیا میتوانم سئوالی بکنم؟» نادزارینا باز هم عکس العملی نشان نداد. الیزابتا گفت: «من از ربکا تعجب میکنم.» نادزارینا جهت چشمانش را به سوی مادر چرخاند که ببیند این حرف چه معنی می دهد. الیزابتا گفت: «ربکا اصلا هیچ چیزی به من نگفت. نه متاثر بود و نه عصبانی. وقتی از او سوال کردم که چه اتفاقی افتاده، او با بی تفاوتی جواب داد نمیدانم- چرا از نادزارینا نمی پرسی- و این پاسخ برایم قدری عجیب است.» نادزارینا باز هم حرفی نزد و عکس العملی نشان نداد. الیزابتا پرسید: «آیا مطمئنی که فریدون چنین کاری کرده؟» نادزارینا اجازه نداد سئوال الیزابتا تمام شود. با سرعت برخاست و نشست و با اعتراض گفت: «ماما خواهش میکنم که دیگر اسم این آدم هرزه را پیش من نیاوری، در غیر اینصورت از این خانه خواهیم رفت.» الیزابتا از ترس، سکوت

توانست جمع و جور کند و کلمه ای بسازد تا درد درونش را بر زبان بیاورد. الیزابتا تا دیر هنگام شب در کنار نادزارینا نشست و نوازشش کرد تا او بالاخره توانست آنچه را که دیده به مادر بگوید. الیزابتا از حیرت نزدیک به سکنه کردن بود. چهره فریدون بیادش میآمد که حتی در برابر حملات آن سه نفر، معصومانه بی دفاع بود، چگونه می توانست چنان گرگی باشد که چهره پنهان کرده اش را در مکانی دور از چشم بنمایاند. گیج شده بود و شگفت زده از آن همه نمایش معصومیت، مدام زیر لب، مریم مقدس را برای کمک کردن صدا میزد. تا صبح خواب به چشمانش نرفت. با خود می گفت: «پس از یک عمر هنوز هم نتوانسته ام این مرد های رزل را بشناسم- آه که این مرد ها چقدر پست و بی شرف اند. ولی یاد فرانسیسکو میاقتاد که عمری را با وفا داری با او گذرانده بود، میگفت به استثنای فرانسیسکو.» غروب همان شب فرانسیسکو به همراه دو دامادش از شکار برگشته بود اما چون خسته بود، بدون هیچ گفتگویی به رختخواب رفته و خوابیده بود. الیزابتا نمی دانست این مصیبت و این داستان کتیف را آیا می تواند به فرانسیسکو بگوید یا نه. دم دمه های صبح، موضوعی تازه به ذهنش خطور کرد و به آن مشغول گردید. داستانی را که نادزارینا تعریف کرده بود، به ربکا هم مربوط بود و قاعدتا ربکا می بایستی بیشتر از نادزارینا خشمگین باشد و نسبت به فریدون ابراز تنفر کند. اما در پاسخ به پرسش اش گفته بود که: «نمیدانم- چرا از خود نادزارینا نمیپرسی؟» و نیز گفته بود که: «نادزارینا با من دعوا نکرده اما با فریدون شاید!!!». کلافه شده بود و از این فکر، بار دیگر، دچار یک سردرگمی تازه گردیده بود. اگر فریدون آن کاری را کرده که نادزارینا می گفت، پس چرا چهره ربکا نه خشمگین بود و نه آزرده و نه از فریدون گله ای داشت؟ نتوانست طاقت بیاورد. برخاست و آرام به اتاق نادزارینا رفت که ببیند او خواب است یا بیدار. لای در را باز کرد. دید نادزارینا طاق باز دراز کشیده و دست راستش را روی پیشانی و چشمانش گذاشته و در حال فکر کردن است. چراغ آباژور کنار تختش روشن بود

الیزابتا از زود رسیدن نادزارینا و ربکا شگفت زده شد. جلو رفت تا علت را بداند اما نادزارینا از مقابلهش گذشت و با سرعت به سمت اتاقش رفت و خود را بر روی تختخواب پرت کرد و بی صدا و بی حرکت ماند. الیزابتا از ربکا پرسید: چی شده؟ ربکا با زرنگی تمام گفت: نمیدانم- چرا از خودش نمی پرسی؟ الیزابتا پرسید با هم دعویتان شده؟ ربکا گفت با من نه- اما با فریدون شاید. و در حالی که الیزابتا از حیرت، مبهور مانده بود، گفت خدا حافظ و رفت و سوار اتومبیلش شد و دور گردید و مادر را با یک عالم سوال بی جواب برجای گذاشت. دوسه ساعت با اضطراب و انتظار گذراند تا نادزارینا از اتاقش بیرون بیاید و توضیحی دهد اما خبری نشد. آرام به سمت اتاق نادزارینا رفت و با ضرباتی کم صدا به در اتاق تلنگر زد و چون جوابی نشنید، درب را آرام باز کرد و نادزارینا را با همان حال بر روی تخت افتاده دید که موهای سرش به دورش پخش شده و همه صورت و سر را پوشانده بود. آرام روی تختخواب نادزارینا نشست و رویش خم شد و سرش را روی سر او گذاشت و موهای پریشانش را به کنار زد تا راه تنفسش باز شود. شروع به نوازشش کرد و پنجه هایش را به لایبای موهایش برد و پوست سرش را ماساژ داد. این کار را نادزارینا از بچگی دوست داشت و با نوازش پوست سرش، احساس نوعی آرامش توأم با لذت می کرد. الیزابتا پرسید: «تشنه نیستی عزیزم؟» نادزارینا سرش را به علامت نفی تکان داد. گرمای بدن الیزابتا همیشه به نادزارینا قوت قلب می داد و خود را در امان حس می کرد. این آغوش گرم مادر به دادش رسیده بود و با آنکه بخاطر فریدون از دنیا متنفر شده بود، آغوش مادر، پناهگاه خوبی بود تا وقتی همه دنیا به او پشت می کنند. آن پناهگاه امن، او را پناه میداد و از همه شیاطین جهان در امانش نگه می داشت. دور چشم های نادزارینا متورم و زخم شده بودند. الیزابتا پرسید: «عزیزم با خودت چه کرده ای؟» نادزارینا انگار از خواب بیدار شده و دوباره به یادش آمده، گریه را سرداد. الیزابتا گفت: «به من بگو عزیزم، بگو چه شده و خودت را سبک کن.» اما نادزارینا افکار پریشانش را نمی

زبان ما هویت ماست

Alborz Academy
مدرسه فارسی البرز

مدرسه فارسی البرز با کادری با تجربه در خدمت
علاقمندان به یادگیری زبان فارسی می باشد

♦ کلاس های پیش دبستان (برای دانش آموزان ۴ ساله)
♦ کلاس های اول دبستان تا هشتم (برای دانش آموزان ۵ سال به بالا)
جهت یادگیری خواندن، نوشتن و مکالمه
♦ کلاس های خصوصی برای بزرگسالان و غیر فارسی زبانان

دانش آموزان دبیرستانی می توانند با حضور
در کلاس های البرز، واحد دبیرستانی دریافت کنند

برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس حاصل فرمایید
(408)829-8296
1954 Camden Ave. #3, San Jose

با عنوان کردن این آگهی، یک جلسه رایگان میهمان مدرسه البرز باشید!

لغو قانونی لاتاری کارت سبز

داریوش گیلانی



سال ۱۹۹۰ که قانون لاتاری کارت سبز شروع بکار کرد این اولین بارست که یک برنده دست به چنین عمل فجیحی زده باشد. به نظر نمیرسد که کنگره آمریکا در این تصمیم با پرزیدنت موافق باشد چون طبق آمار که گرفته شده این دسته از مهاجرین در نسل اول شغل های مناسب خود میگیرند ولی فرزندان آنها اکثرًا جزو نخبگان آمریکا میشوند. یکی از بزرگترین دلایل رشد اقتصادی این کشور ورود مهاجرین مشتاق به کار و پیشرفت در زندگی خود و خانواده اشان میباشد.

در اوایل ماه نوامبر امسال پرزیدنت آمریکا اعلان کرد که پروسه لغو قانونی لاتاری کارت سبز را شروع کرده است. علت این تصمیم عکس العمل به حمله تروریستی در شهر نیویورک بود که توسط یک شهروند ازبکستان بنام سیف الله سایپوف انجام گرفت. از آنجایی که این فرد ۷ سال پیش از طریق لاتاری کارت سبز گرفته بود بهانه ای به دست پرزیدنت داده شد که یکبار دیگر نسبت به ورود مهاجرین از خاورمیانه اعتراض بکند. لازم بتذکر است که رئیس جمهور از رای اخیر دادگاه های فدرال نسبت به بلوکه کردن دائمی دستور ترامپ بسیار خشمگین شده بود. قاضی های دادگاه هفته گذشته رای صادر کردند که فرمان اخیر پرزیدنت جهت منع ورود شهروندان ۷ کشور کماکان برخلاف قانون اساسی آمریکا بوده و فرمان بلوکه کردن دستور پرزیدنت از حالت موقتی به دائمی تبدیل کردند. از

بیمه چه فوایدی دارد؟

سحر سلاهی

ssalahi@farmersagent.com



می دهید چون بیمه ها امکانات زیادی را در اختیار ما قرار می دهند، بنابراین با استفاده از آنها می توان هم آسودگی فکری و هم آسودگی از نظر پرداخت هزینه ها برای ما ایجاد شود.

بیمه حوادث هم از انواع مهم بیمه است که جزء نیازهای ضروری زندگی می باشد چون حوادث هم غیر قابل پیش بینی هستند. بنابراین باید بیمه را یک جزء جدایی ناپذیر در زندگی خود در نظر بگیریم. امروزه بیمه تنوع بیشتری پیدا کردند و هر کدام از آنها می توانند در پرداخت هزینه ها به ما کمک کنند و بیش از همه با استفاده از بیمه مخصوصا بیمه عمر که در اکثر کشورهای جهان ارائه می شود می توان آئینه بهتری را برای خانواده و خود ایجاد نمود.

بیمه ها در اصل حمایت مالی را در زندگی برای ما فراهم می کنند بنابراین مثل سرمایه گذاری هستند که می توانند در خیلی از موارد به هزینه هایی که باید در زندگی پردازیم به ما کمک کنند. پس هر چقدر که از بیمه ها بیشتر استفاده کنیم به نوعی بیشتر سرمایه گذاری و آینده نگری کردیم. هزینه های درمانی و سلامتی جزء دغدغه های مهم در زندگی است که بیمه می تواند در این قسمت به ما کمک کند و امنیت خاطر بیشتری را ایجاد کند. استرس ها و نگرانی ها در زندگی می توانند با استفاده از بیمه و داشتن آینده بهتر کاهش پیدا کنند. همچنین در مدیریت هزینه ها و صرفه جویی که در زندگی برای آن تلاش می کنیم میتواند با استفاده از بیمه هم تحقق یابد.

نیاز ما به بیمه هر روز بیشتر می شود و استفاده از آن باید برای تک تک اعضای خانواده و فرزندان باشد تا آینده بهتری هم برای خود و هم برای فرزندان مان داشته باشیم.

بیمه از اهمیت زیادی برخوردار است. بیمه ها انواع مختلفی دارند و هر کدام از آنها می توانند در زمان نیاز یک بخشی از هزینه ها را پوشش دهند. بیمه سلامت و درمانی و همچنین بیمه عمر از مهمترین بیمه هایی هستند که نه تنها در هزینه ها به ما کمک می کنند بلکه نوعی سرمایه گذاری محسوب می شوند، بنابراین اهمیت استفاده از بیمه در زندگی بالا است. بیمه علاوه بر زندگی در کار و تجارت نیز مورد نیاز است. در اصل استفاده از بیمه نوعی آینده نگری محسوب می شود که می تواند در آینده در هزینه ها به ما کمک کند.

همانطور که ذکر شد، فایده مهم بیمه این است که می تواند بخشی از هزینه های غیر قابل پیش بینی در آینده را پوشش دهد بنابراین از این نظر باعث آسودگی خاطر می شود. با توجه به اینکه بیمه ها انواع مختلفی دارند بنابراین میتوان از هر کدام از آنها به حد نیاز در زندگی استفاده نمود. حتی در کسب و کارمان نیز بیمه از اهمیت زیادی برخوردار است مثل بیمه حوادث و آتش سوزی.

بیمه هایی که خدماتی برای سلامتی و درمان دارند از مهمترین انواع بیمه محسوب می شوند چون این بیمه می تواند هزینه های درمانی را در زندگی کاهش دهد بنابراین وقتی از بیمه استفاده می کنیم علاوه بر اینکه در هزینه ها صرفه جویی می کنیم یک سرمایه گذاری انجام می دهیم که طولانی مدت می توانیم از آن بهره مند شویم.

بیمه ها کمک می کنند تا خیال آسوده تری بابت آینده فرزندان مان هم داشته باشیم. بیمه عمر نیز انواع مختلفی دارد و میتوان از آن برای داشتن زندگی بهتر در آینده استفاده نمود. در واقع با استفاده از بیمه، کیفیت زندگی خود را افزایش

جشن با شکوه سده

۲۸ ژانویه ۲۰۱۸

در شهر کوپرتینو

منتظر اطلاعات بیشتر در ماه آینده باشید



ماهنامه پژواک

با درج آگهی در نشریه پژواک، کسب و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408)221-8624



شاهزاده با نفوذ سعودی که به اتهام فساد دستگیر شده بود آزاد شد

مقام های عربستان می گویند متعب بن عبدالله، شاهزاده سعودی، سه هفته پس از بازداشت به اتهام فساد و در پی معامله ای با مقام ها برای پرداخت جریمه ای هنگفت آزاد شده است.



متعب بن عبدالله

شاهزاده متعب که زمانی وارث بالقوه تخت سلطنت تلقی می شد پس از توافق برای پرداخت بیش از یک میلیارد دلار برای حل دعاوی با مقام ها آزاد شده است. او یکی از ۲۰۰ چهره سیاسی و بازرگانی است که در عملیات مبارزه با فساد در روز ۴ نوامبر دستگیر شدند. گزارش می شود که سه نفر دیگر از این افراد هم با دولت سعودی به توافق رسیده اند.

ماه نوامبر شماری از شاهزادگان، وزرا و تجار تراز اول عربستان به اتهام فساد دستگیر شدند و در یک هتل مجلل تحت بازداشت قرار گرفتند. همزمان با آن دستگیری ها هواپیماهای شخصی این افراد زمین گیر و دارایی های آنها ضبط شد.

فساد در عربستان معضلی افسارگسیخته است و مبادله رشوه بخش غیرقابل انفکاک تجارت در ثروتمندترین تولیدکننده نفت جهان است. **دنباله مطلب در صفحه ۵۱**

متعب عبدالله پسرعموی محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، و سرپرست گارد ملی ویژه و بانفوذترین چهره سیاسی است که در عملیات سرکوب فساد بازداشت شد.

او که پسر ملک عبدالله پادشاه فقید عربستان است و ۶۴ سال دارد مدت کوتاهی پیش از بازداشت از پست خود به عنوان سرپرست گارد ویژه اخراج شده بود. در جریان عملیات ابتدای

رایان آرین خجسته کاندیدای نمایندگی کنگره آمریکا

رقیب انتخاباتی نانسی پلوسی در منطقه ۱۲-CA



رایان خجسته متولد بزرگ شده در بی اریا کالیفرنیا است. او فرزند دو مهاجر ایرانی تبار می باشد. چشم انداز او در مورد مسائل مربوط به مردم آمریکا عمیقاً به خاطر تجربه او به عنوان یک نسل اول آمریکایی است که در یک خانواده طبقه متوسط بزرگ شده است.

رایان از دوران کودکی کتاب خواندن را درباره روسای جمهوری ایالات متحده و تاریخ آمریکا دوست

داشت. او تحت تاثیر زندگی و فداکاری پدر و مادرش قرار گرفته بود و ایمان خود را به رویای آمریکایی تا به امروز حفظ کرده است. او در سال ۲۰۰۴ وقتی که ۱۰ ساله بود مصاحبه ای از باراک اوباما که در آن موقع سناتور ایالت ایلینوی بود شنید که گفت «او اعتقاد دارد که مملکت آمریکا جایگاهی برای یک کودک لاغر یا یک اسم خنده دار دارد». برای رایان، این سخنان بارک اوباما تاثیر گذار و الهام بخش بود، تاکیددی برای ساخته یک جامعه مدنی که در آن تمام انسان ها از تمام نقاط دنیا به یکدیگر احترام بگذارند.

رایان بعد از تمام کردن تحصیلات دبیرستانی خود در کالج آمادگی بلرمن Bellarmine که یک دبیرستان کاتولیک در شهر سن حوزه است به دانشگاه سانتاکلارا وارد شد و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و فرانسه با بورس تحصیلی به پایان رساند. او در حال حاضر در U.C Hastings Law در حال گذراندن دکترای حقوق می باشد.

رایان در ماه دسامبر ۲۰۱۸ سه هفته قبل از تجارب کاری رایان می شود کار در دفتر مایک هوندا نماینده کنگره آمریکا، شورای نظارت بر شهر سان فرانسیسکو مرکز حقوقی برای جلوگیری از خشونت با اسلحه، دفتر دفاع عمومی شهر سان فرانسیسکو بخش مخصوص دفاع از مهاجرین ذکر کرد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۴**

رایان کمی پس از انتخاب دونالد ترامپ، رایان توسط هیئت نظارت بر شهر سان فرانسیسکو به کمیسیون حقوق مهاجرین منصوب شد. او در حال حاضر در کمیته اجرایی و به عنوان رئیس کار گروه اصلاحات جامع مهاجرت مشغول به کار است. او همچنین عضو هیئت مدیره دموکرات های جوان شهر سان فرانسیسکو است که مشوق شرکت جوان ها در مسائل سیاسی است.

رایان در ماه دسامبر ۲۰۱۸ سه هفته قبل از تجارب کاری رایان می شود کار در دفتر مایک هوندا نماینده کنگره آمریکا، شورای نظارت بر شهر سان فرانسیسکو مرکز حقوقی برای جلوگیری از خشونت با اسلحه، دفتر دفاع عمومی شهر سان فرانسیسکو بخش مخصوص دفاع از مهاجرین ذکر کرد. **دنباله مطلب در صفحه ۵۴**

Laser Beauty Center

با مدیریت ندا امیری با بیش از ۱۶ سال سابقه

Laser Hair Removal

از بین بردن موهای زائد بدن با لیزر برای هر گونه پوست روشن و تیره

مشاوره اولیه رایگان



♦ جوان سازی پوست با استفاده از لیزر

♦ از بین بردن موهای زائد بدن با استفاده از لیزر

♦ کشیدن پوست بدون جراحی با استفاده از لیزر

♦ Laser Skin Rejuvvenation

♦ Laser Hair Removal

♦ Titan (Skin Tightening)

Neda Amiri R.N.

(408) 370-3882

1848 Saratoga Ave., #6A, Saratoga, CA 95070

Sabika Full Service Salon

با مدیریت شهین (Sherry)

- ♦ Haircut
- ♦ Highlight
- ♦ Perm
- ♦ Color
- ♦ Special Occasion
- ♦ Shampoo, Blow Dry & Style
- ♦ Threading
- ♦ Straightening
- ♦ Hair Extentions

\$10 Off
Haircut

Free Hair Cut
with any Chemical



Brazilian Straightening

(408) 927-7232

6049 Snell Ave., San Jose, CA 95123

یک مژه خفتن

دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم
وین دردِ نهان سوزِ نهفتن نتوانم

تو گرم سخن گفتن و از جام نگاهت
من مست چنانم که شفتن نتوانم

شادم به خیال تو چو مهتابِ شبانگاه
گر دامن وصل تو گرفتن نتوانم

با پر تو ماه آیم و چون سایه دیوار
گامی ز سر کوی تو رفتن نتوانم

دور از تو من سوخته در دامن شب ها
چون شمع سحر یک مژه خفتن نتوانم

فریاد ز بی مهری ات ای گل که درین باغ
چون غنچه پاییز شکفتن نتوانم

ای چشم سخن گوی تو بشنو ز نگاهم
دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم

شفیعی کدکنی

غزل

چون سنگ ها، صدای مرا گوش می کنی
سنگی و ناشنیده فراموش می کنی

رگبار نوبهاری و خواب درپچه را
از ضربه های وسوسه مغشوش می کنی

دست مرا که ساقه سبز نوازش است
با برگ های مرده هماغوش می کنی

گمراه تر ز روح شرابی و دیده را
در شعله می نشانی و مدهوش می کنی

ای ماهی طلائی مرداب خون من
خوش باد مستیت، که مرا نوش می کنی

تو دره بنفش غروبی که روز را
بر سینه می فشاری و خاموش می کنی

در سایه ها فروغ تو بنشست و رنگ باخت
او را به سایه از چه سیه پوش می کنی؟

فروغ فرخزاد

اگر هزار قلم داشتم

هزار خامه که هر یک هزار معجزه داشت
هزار مرتبه هر روز می نوشتم من

حماسه ای و سرودی به نام آزادی

زاله اصفهانی

شراب

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی
آراسته با شکلِ مهیبی سر و بر را

گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار
باید بگزینی تو یکی زین سه خطر را

یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار
یا بشکنی از خواهر خود سینه و سر را

یا خود ز می ناب کشی یک دو سه ساغر
تا آن که بیوشم ز هلاک تو نظر را

لرزید از این بیم جوان بر خود و جا داشت
کز مرگ فتن لرزه به تن ضیغم نر را

گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند
هرگز نکنم ترک ادب این دو نفر را

لکن چون به می دفع شر از خویش توان کرد
می نوشم و با وی بکنم چاره ی شر را

جامی دو بنوشید و چو شد خیره ز مستی
هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را

ای کاش شود خشک بُن تاک خداوند
زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را

ایرج میرزا

گل امید

هوا هوای بهار است و باده باده ناب
به خنده خنده بنوشیم جرعه جرعه شراب

در این پیاله ندانم چه ریختی، پیداست
که خوش به جان هم افتاده اند آتش و آب

فرشته روی من، ای آفتاب صبح بهار
مرا به جامی ازین آب آتشین دریاب!

به جام هستی ما، ای شراب عشق بجوش!
به بزم ساده ی ما، ای چراغ ماه بتاب!

گل امید من امشب شکفته در بر من
بیا و یک نفس ای چشم سرنوشت بخواب!

مگر نه خاک ره این خرابه باید شد؟
بیا که کام بگیریم از این جهان خراب

فریدون مشیری

پیش از تو

پیش از تو آب، معنی دریا شدن نداشت
شب مانده بود و جرأت فردا شدن نداشت

بسیار بود رود در آن برزخ کبود
اما دریغ، زهره دریا شدن نداشت

در آن کویر سوخته، آن خاک بی بهار
حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت

گم بود در عمیق زمین، شانه بهار
بی تو ولی زمینه پیدا شدن نداشت

دلها، اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ
آینه بود و میل تماشاشدن نداشت

چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق
این عقده تا همیشه سر و اشک نداشت

سلمان هراتی

خوابی و چشم حادثه بیدار می شود
هفت آسمان به دوش تو آوار می شود

خواب زنانه ای ست، به تعبیر گل مکوش
گل در زمین تشنه ما خار می شود

برخیز تا به چشم ببینی، چه دردناک
آینه پیش روی تو دیوار می شود

دیگر به انتظار کدامین رسالتی
وقتی عصای معجزه ها مار می شود؟

باز این که بود، گفت «انا الحق» که هر درخت
در پاسخ انا الحق وی دار می شود

وحشت نشسته باز به هر برگ این کتاب
تاریخ را ببین که چه تکرار می شود

محمدعلی بهمنی

پیش ما سوختگان مسجد و میخانه یکیست
حرم و دیر یکی، سبحة و پیمانہ یکیست

اینهمه جنگ و جدل حاصل کوتاه نظری است
گر نظر پاک کنی کعبه و بتخانه یکیست

عماد خراسانی

قالی بافی در مناطق مختلف ایران

محمد جواد نصیری

ایران مهد قالی دنیا، از دیر زمان به نام سرزمین فرش های افسانه ای و زیبا شهرت جهانی داشته است و از قطب های قالی بافی آن از گذشته های دور تا کنون هزاران هزار تخته قالی و قالیچه نفیس و گران بها در دسترس مشتاقان آن قرار گرفته است. ولی این تعریف به آن معنی نیست که در تمامی این سرزمین پهناور، که مساحتی معادل یک میلیون و ششصد و پنجاه هزار کیلومتر مربع دارد، قالی بافی به صورت یکسان معمول باشد، چه در مساحت های بزرگی از این کشور به دلایل اقلیمی و دموگرافی و اقتصادی این هنر و یا به عبارت امروزی آن، این صنعت به هیچوجه رونق و رواجی ندارد. در این مقاله به شرح جزئیات آن در مراکز قالی بافی شهرستان های مختلف می پردازیم.

کرمان

قالی بافی در کرمان سابقه ای بسیار طولانی دارد. قطعه ای از یک تخته فرش بافته شده در این شهر که در موزه حضرت رضا در مشهد نگهداری می شود سابقه ای دست کم پانصد ساله بافندگی در زمینه فرش های گره دار کرمان را ثابت می کند. به عقیده سرجان شاردن بهترین و بزرگ ترین فرش هایی که به دربارها راه یافتند اکثراً توسط هنرمندان چیره دست این خطه طراحی و بافته شده بودند. مارکوپولو (Marco Polo) سیاح معروف ایتالیایی نیز همین عقیده را در سال ۱۳۰۰ میلادی به هنگام سفر به مشرق زمین در سفرنامه خود ابراز کرده است. هم اوست که در جای دیگر می گوید که «ایران سلطان فرش جهان است». با صرف نظر از گذشته ها، به اجمال قالی بافی کرمان در دو سه قرن گذشته را مرور می کنیم که ما را تا حد نیاز در مسیر و مراحل پیشرفت و تنزل فرش بافی کرمان قرار داده و بر علت هایی که به قالی کرمان شهرتی چنین عالم گیر بخشیده آشنا می کند.

منحنی پیشرفت قالی بافی کرمان نقطه اوج خود را در زمان صفویه و مرحله حوض خود را در اوایل دوره قاجاریه، یعنی زمانی که آقا محمدخان قاجار به سبب مساعدت اهالی کرمان با لطف علی خان دست به کشتار هولناک اهالی آن زد، ثبت کرده است. بعد از این مرحله منحنی مورد بحث به حالت صعود در آمده و بعد از دو تنزل پی در پی که مراحل گذشتن از نقاط بحرانی دیگر چون جنگ جهانی اول و بحران اقتصادی ۱۹۲۹ میلادی است، مسیر خود را با سطح تولید قابل ملاحظه ای در حال حاضر به صورت صعودی ادامه می دهد.

مُد افتاد و همچنین رقابت با پارچه های شال باسمه ای ارزان قیمتی، که بافنده های انگلیسی به بازار می فرستادند، برای بافنده کرمانی دیگر مقرون به صرفه نبود، به ناچار تعدادی از آنها به قالی بافی روی آوردند.

کرمان از اولین شهرهایی است که شرکت های خارجی در آن کارگاه های قالی بافی تأسیس کرده و صدور فرش را برای رفع نیازمندی های بازارهای غرب از آن شروع کردند. نماینده های شرکت های فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی به امر تولید و تجارت قالی کرمان در اواخر قرن گذشته رونق فراوان دادند. سپس نمایندگان تجار آمریکایی بودند که در سال های بعد از جنگ جهانی اول به میدان رقابت آمده و مشتریان پر و پا قرصی برای فرش های کرمان شدند.

متأسفانه بازار مشتاق و پرتقاضای آمریکا برای فرش کرمان پیامد نامساعدی را نیز به همراه آورد و آن شیوع بدبافی و رواج گره های جفتی به خاطر به پایان بردن سریع بافت و عرضه سریع آن به بازار بود. عادت نکوهیده ای که با تأسف در بافنده کرمانی باقی ماند و نتیجه آن لطمه ای است که بر شهرت فرش کرمان وارد شده است.

یکی از دلایل شهرت قالی پرآوازه کرمان فراوانی نقش ها و طرح های جالب آن و استفاده از مجموعه متنوع رنگ هایی است که با یکدیگر در تعادل کامل هستند. طراح کرمانی هیچ گاه خود را در چند رنگ و نقش محدود نکرده است. او همیشه سنت شکن بوده و با سرانگشت ماهر و توانای خود همواره تخیلات نامحدود انسانی را به درون فرش کشانیده است. آن زمان که احساس کرد حاشیه و قاب برای متن فرش قید و بند است، آن را از میان برد و حاشیه را با زمینه یکی کرد و گاه متن را از گل ها و نگاره ها و آذینه ها پاک کرد و ترنج را در میان زمینه ای ساده جای داد و طرح قالی های کف ساده را انداخت. خلاصه



فرش دستباف کرمان

کلام آنکه، نوآوری ها و بدعت هایش سبب شد که از رقیب دیرین خود کاشان که در بافت فرش های نفیس و زیبا سابقه ای طولانی و شهرتی بی نظیر داشت، تا حدودی پیشی گیرد و عمده دلیل آن نیز این بود که بافنده کاشانی فرشهایی در طرح و رنگ محدودتری بافته بود. بی مناسبت نیست که از دو بافنده بسیار معروف و قدیمی کرمان به نام های استاد حسین و استاد قاسم کرمانی که طرح های نقاشان قدیمی را با مهارت و چیره دستی بر روی دارهای قالی آوردند و فرش های نفیسی را از خود به جای گذاشته اند یاد کنیم.

طرح های معروفی که در کارگاه های قالی بافی کرمان بافته می

شود عبارت اند از: شاه عباسی لچک و ترنج، بته ای، اسلیمی لچک و ترنج، شاه عباسی و طره ای، شکارگاه، گوبلن یا کومه ای، گلدار سرتاسری، درختی سبزی کار، قاب قرآنی، بند اسلیمی، منظره بافی و چهره بافی. نزدیک صد سال قبل بود که کار چهره بافی در کارگاه های بافندگی کرمان رونق گرفت و از این زمان هنرمندان کرمانی با استادی

تمام تصاویری از شخصیت های مذهبی و تاریخی و سیاسی را بر روی فرش های خود نقش کردند. پشمی که در قالی بافی کرمان مصرف می شود از منابع محلی و مقداری نیز از استان های خراسان و کرمانشاهان تأمین می شود. مهمترین مراکز تولید پشم این استان عبارت اند از: رفسنجان، بم، جیرفت و نواحی اطراف شهر کرمان.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

بزرگواران حضور کانون، هواداران حافظ شیرازی، در جلسه بحث و هم اندیشی ما شرکت نمایند.

شمار حافظ از حدود ۲۰ سال پیش تا کنون در میان ایرانیان شردوست که حاوی مضمون عشق و

امید به زندگی هست مورد استفاده بوده است.

این بحث و گفتگو صرفاً در میان انگلیسی زبانان برگزار می گردد و در مدت زمان ۱ ساعت در کنار هم لحظات خوبی را سپری خواهیم کرد.

زمان: ۶ ژانویه ۲۰۱۸.

ساعت برگزاری: ۳ الی ۵ بعد از ظهر.

اجرا برنامه توسط: Denae Legion

هماهنگی و مدیر برنامه: ریتا رنسی اردبیلی

محل برگزاری: سالن نشست کتابخانه Ygnacio Valley، شماره ۲۶۶۱ Oak Grove Road، Walnut Creek.

لطفاً ثبت نام و اعلام آمادگی خود را تا تاریخ ۲۴ دسامبر توسط ارسال ایمیل به نشانی Rita.Seminars.Danville@gmail.com اطلاع دهید.





مبارزه با فساد، از مسیر برابری جنسیتی می‌گذرد

نعیمه دوستدار

ادامه آن دارد. اما یافته‌های این پژوهش نشان دادند که تفاوت‌های جنسیتی مشاهده شده در تحقیقات قبلی، به اندازه‌ای که ادعا می‌شد جهانی نبوده و احتمالاً بیشتر مخصوص فرهنگ خاص بوده‌اند. در کشورهای استرالیا، هند، سنگاپور و اندونزی تفاوت معنادار و مشخصی در نگرش زنان و مردان نسبت به فساد دیده نشد، و پاسخ شرکت کنندگان در این مطالعه نشان داد که مردان و زنان تقریباً به یک میزان امکان دارد که رشوه بدهند یا بگیرند. در مورد مجازات رشوه دهنده و گیرنده هم تفاوت آماری معناداری میان پاسخ‌های زنان و مردان نشان داده نشد.

با توجه به این‌که کنش هر فرد در موضوعات مختلف، بسیار تابع این است که آن فرد از نتایج آن کنش آگاه باشد یا ابعاد آن را بشناسد و ارزیابی دیگران را هم از آن بشناسد، و همچنین با توجه به این‌که باید امکانات و شرایط لازم برای انجام یک عمل به واقع وجود داشته باشد، در بسیاری از موارد زنان از مشارکت در فساد اداری یا اقدام به آن سر باز می‌زنند؛ چون خیلی ساده نتایج و ابعاد آن را نمی‌شناسند و شرایط دست‌زدن به آن را ندارند. به این معنا که اصولاً دسترسی زنان به منابع قدرت (مدیریت، اشتغال و جایگاه سیاسی) و اقتصاد (سرمایه) کمتر از مردان است.

با وجود این تفاوت‌های جنسیتی در درک و مشاهده فساد هرگز کاملاً انکار نشده، و مشخص شده که زنان مراتب و میزان بیشتری از فساد را مشاهده می‌کنند و بیشتر احساس می‌کنند که زندگی‌شان تحت تأثیر فساد قرار دارد. بر اساس تحقیقات، زنان در همه جای دنیا با فساد کمتر از مردان مدارا می‌کنند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

مناسبات جنسیتی در دستیابی به موقعیت‌های درگیر شدن در فساد ایجاد می‌کند، نادیده گرفته‌اند؛ به ویژه مواقعی که فساد از طریق شبکه‌های کاملاً مردانه و بدون حضور زنان انجام می‌گیرد.

این به آن معناست که دلیل کمتر بودن فساد در زنان این است که آنها اساساً در موقعیت‌هایی که فساد در آنها انجام می‌شود، حضور ندارند یا کمتر حضور دارند. در سال ۲۰۰۳ استدلال دیگری مطرح شد و آن این‌که حضور عادلانه‌تر و بیشتر زنان در دولت و سیاست، یعنی وجود یک سیستم دموکراتیک‌تر، و در واقع این نظام دموکراتیک به خاطر ساختار دموکراتیکش موجب کاهش فساد می‌شود، نه چون زنان ذاتاً درستکارتر از مردان هستند.

پژوهشگری هم به نام پمبسدروف، مطالعاتی را که رابطه فساد و جنسیت را بررسی کرده‌اند، مطالعه کرده و نتیجه‌گیری موقتی او این بوده که "اگر زنان در معاملات بالقوه فاسد درگیر شوند، احتمال بیشتری هست که شکست بخورند. دلیلش این نیست که زنان ذاتاً صادق‌تر هستند، بلکه این است که آنان وقتی که از شانس به هم زدن یک قرارداد فاسد برخوردارند، فرصت‌طلبانه‌تر عمل می‌کنند."

شواهد درباره این‌که آیا زنان نسبت به مردان تمایل کمتری به فساد دارند یا نه به اندازه کافی قاطع نیست و نمی‌تواند پاسخی قطعی به این سوال بدهد. مطالعه‌ای با عنوان "نگرش‌ها به فساد" که در سال ۲۰۰۶ در استرالیا، هند، سنگاپور و اندونزی انجام شد این ایده را که زنان کمتر به فساد گرایش دارند، مورد تردید قرار داد.

پیش از این تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده بود، می‌گفت که نگرش هر جنس به فساد نقش اساسی در وقوع و

سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی در این قانون، فساد تلقی می‌شود."

شکل‌های مختلف فساد اداری مثل دریافت پول و انواع پاداش برای انعقاد قرارداد، تخطی از دستور العمل‌ها برای رسیدن به منافع شخصی، استفاده از اموال دولت به صورت شخصی، نادیده گرفتن فعالیت‌های غیرقانونی، دخالت در فرایند دادخواهی، استخدام دوستان و اقوام، کم فروشی، نادیده گرفتن مالیات‌های افراد مشمول مالیات و غیره، در جوامع مختلف با شدت و ضعف وجود داشته و دارد.

فساد از نظر اندازه و میزان گستردگی آن هم، به فساد خرد و کلان تقسیم می‌شود. فساد خرد همان رشوه‌گیری است که کارکنان به دلیل پایین بودن دستمزدشان مستقیم از ارباب رجوع دریافت می‌کنند. فساد کلان هم به معنی سواستفاده مقام‌های بالای سیاسی از قدرت، برای رسیدن به منافع شخصی یا گروهی است.

هیدن هایمر از پژوهشگران این حوزه، فساد اداری را شامل فساد سیاه و خاکستری و سپید می‌داند که اولی از نظر عموم مردم ناپسند و مستحق مجازات است، دومی را نخبگان سیاسی ناپسند می‌دانند اما اغلب مردم نسبت به آن بی‌تفاوتند و سومی را نه نخبگان و نه عموم مردم چندان مهم تلقی نمی‌کنند.

فساد و جنسیت

در دهه‌ی اول قرن حاضر، تحقیقات بسیاری رابطه‌ی میان فساد و جنسیت را بررسی کردند. یک مطالعه از سوی بانک جهانی که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، نشان داد زنان نسبت به مردان قابل اعتمادترند و روحیه‌ی اجتماعی بالاتری دارند. این پژوهش می‌گفت که حضور بیشتر زنان در پارلمان منجر به میزان پایین‌تری از فساد می‌شود.

اما این عقیده که زنان ذاتاً درستکارتر از مردان هستند، و بنابراین کمتر دچار فساد می‌شوند با پژوهش‌های بعدی مورد تردید قرار گرفته است.

پژوهشگر دیگری به نام گوئتر، گفته طرفداران این ایده محدودیتی را که

آیا زنان ذاتاً فساد ناپذیرند؟ آیا آنها تمایلی ندارند رشوه بدهند، تبانی و اختلاس کنند یا غیرقانونی دریافت و پرداخت کنند؟ آیا جنسیت عاملی است که باعث شده نام زنان کمتر در جعل و تخریب اسناد و سوء استفاده از مقام و موقعیت شنیده شود؟

این پرسش‌ها خیلی قدیمی‌اند، اما بررسی آنها عمر چندان زیادی ندارد. با وجود این، جذابیت این پرسش‌ها باعث شده حوزه مشخصی برای بررسی "رابطه فساد و جنسیت" ایجاد شود و گروه‌هایی از محققان در پی پاسخ این پرسش برآیند که اگر فساد و جنسیت رابطه‌ای دارند، این رابطه چگونه است و آیا می‌توان با تکیه بر جنسیت، از فساد اداری موجود در سیستم سیاسی و اقتصادی و حوزه خدمات کاست؟

پرسش مهم دیگر در این زمینه این است که آیا "رابطه‌ای میان برابری جنسیتی در حوزه‌ی عمومی و سیاست و میزان فساد در یک جامعه معین برقرار است یا نه؟" این پرسش‌ها علاوه بر این که در تحقیقات جهانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در پژوهشی در ایران توسط داود حسینی هاشم زاده و لیلی حبیبی نیز بررسی شده است. این پژوهش با عنوان "مقایسه ادراکات، تجربیات و نگرش‌های کارکنان زن و مرد نسبت به فساد اداری"، منتشر شده و در این یادداشت به عنوان منبع استفاده شده است.

فساد چیست؟

"سازمان شفافیت بین الملل" فساد را سوء استفاده از قدرت اعطا شده برای انتفاع شخصی تعریف کرده است.

ماده اول قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد در جمهوری اسلامی ایران هم، فساد را این طور تعریف می‌کند: "هرگونه فعل یا ترک فعل توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد کند، نظیر رشأ، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوء استفاده از مقام یا موقعیت اداری،

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ر	ا	و	س	ه	س	ه	ی	ف	ا	م	ه	ی	ف	ا
ر	ا	م	ا	ب	ا	ل	ا	ب	ر	ت	ب	ر	ا	ر
ه	د	و	ر	و	ر	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ب	ا	ل	س	ا	ل	ب	ر	ن	م	ا	ر	د	و	ر
ر	و	ر	ر	ی	ر	ا	ک	ا	م	ر	ا	ت	ح	ا
د	ا	ب	ا	ن	ا	ر	ی	ا	ر	ا	ن	ا	د	ا
س	ا	ی	ا	ل	ی	ا	س	ا	ر	ی	م	س	ر	ا
ه	ل	ا	ه	م	ی	ک	ل	ا	ه	ر	م	ر	ب	ی
ر	د	ا	و	ا	ر	م	ا	ک	ی	ن	ی	ن	د	ا
و	ک	و	م	ا	ی	ر	ن	س	ی	ر	م	س	ح	ن
س	و	س	و	س	و	س	و	س	و	س	و	س	و	س
ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر
م	س	م	س	م	س	م	س	م	س	م	س	م	س	م
ا	ج	ا	ن	ا	ر	ا	ن	ا	ر	ا	ن	ا	ر	ا

مشکل خواب

این یک حقیقت است که اکثر مردم خوابشان به اندازه کافی با کیفیت نیست. هر فردی باید بین شش تا هشت ساعت در شب بخوابد. اگر شما از آن دسته افرادی هستید که خوابشان به اندازه کافی نیست و کیفیت لازم را ندارد، به این پنج توصیه توجه کرده و آنها را عملی کنید، زیرا خواب مهم ترین نقش را در سلامت هر فرد ایفا می کند و محروم بودن از آن برابر است با محروم بودن از سلامت روح و جسم.



به پزشک مراجعه کنید

اگر گمان می کنید به اختلال خواب دچار شده اید، به پزشک مراجعه کرده و این مشکل را با او درمیان بگذارید. بهتر است از قبل یک دفترچه یادداشت درباره زمان به خواب رفتن

و میزان ساعات خوابتان تهیه کنید تا پزشک با مطالعه آنها بتواند شرایط را بهتر درک کرده و تصمیمات بهتری بگیرد. بهتر است در دفترچه یادداشت تان زمانی که می خوابید، زمانی که از خواب بیدار می شوید و دلیل خوب یا بد خوابیدن تان را ثبت کنید و فراموش نکنید که عادات خوابتان در روزهای تعطیل را نیز یادداشت کنید. گرفتن دوش آب گرم در خوابیدن راحت تر بسیار موثر است، زیرا وقتی بدن تان گرم می شود، سعی می کند خودش را خنک کند و این تغییر دما و سرد شدن، فرد را خواب آلود می کند.

میزان ساعات خوابتان تهیه کنید تا پزشک با مطالعه آنها بتواند شرایط را بهتر درک کرده و تصمیمات بهتری بگیرد. بهتر است در دفترچه یادداشت تان زمانی که می خوابید، زمانی که از خواب بیدار می شوید و دلیل خوب یا بد خوابیدن تان را ثبت کنید و فراموش نکنید که عادات خوابتان در روزهای تعطیل را نیز یادداشت کنید.

گرفتن دوش آب گرم در خوابیدن راحت تر بسیار موثر است، زیرا وقتی بدن تان گرم می شود، سعی می کند خودش را خنک کند و این تغییر دما و سرد شدن، فرد را خواب آلود می کند. برای مثال ثبت این موضوع که شما در ساعت دو بامداد به خواب رفته و ساعت هفت صبح در روزهای کاری از خواب بیدار می شوید، ولی در روزهای تعطیل تا ظهر می خوابید کمک بزرگی به پزشک می کند، زیرا در این صورت او متوجه می شود که شما دچار کم خوابی هستید و ریتم شبانه روزی تان با بسیاری از مردم متفاوت است.

شرایط خواب راحت را رعایت کنید

در یک اتاق خنک و تاریک بخوابید. از مصرف نوشیدنی های کافئین دار قبل از خواب بپرهیزید و لوازم الکترونیکی مانند تلفن همراه را از اتاق تان بیرون ببرید. در پایان روز و هنگام خواب، ذهنتان را آرام کنید.

اگر قبل از خواب دوش می گیرید، اضافه کردن کمی روغن اسطوخودوس به هوای حمام بسیار کمک کننده خواهد بود، زیرا رایحه آن برای کاهش ضربان قلب و کاهش فشار خون موثر بوده و باعث فرو رفتن در یک خواب عمیق و آرام می شود.

اگر نمی توانید بخوابید،

از رختخواب بلند شوید

اگر نمی توانید بخوابید، برای مدتی از

جایتان بلند شوید و سراغ کاری که کمتر ذهنتان را تحریک می کند بروید، برای مثال بافتنی ببافید و یا کتاب بخوانید، تا جایی که واقعا احساس خواب آلودگی کنید. طی زمانی که از جایتان بلند می شوید و کاری انجام می دهید تا زمانی که دوباره دراز می کشید، دمای بدنتان کاهش یافته و راحت تر می خوابید. اگر هنگام خواب گرسنه هستید، بهتر است از جایتان بلند شوید و یک میان وعده سبک مانند یک لیوان شیر ولرم مصرف کنید.

ساعت زنگی تان را تنظیم کنید

باید ساعت زنگی تان را روی یک ساعت خاص تنظیم کنید تا هر روز در همان زمان بیدار شوید، حتی اگر ساعت سه نیمه شب خوابیده اید و یا حتی اگر آن روز، تعطیل است. اینکه صبح ها چه زمانی از خواب بیدار می شوید، از زمانی که به خواب رفته اید بسیار مهم تر است. حتی زمانی که شما خسته از خواب بیدار می شوید، نور خورشید در بیدار ماندن شما کمک می کند و از طرفی به دلیل خستگی شب قبل، به موقع می خوابید و روند خوابتان منظم می شود. پس از چند هفته بیدار شدن با ساعت زنگی (حدوداً دو هفته، ساعت داخلی بدن تان تنظیم می شود و از این پس سر همان ساعت همیشه، خودش بدون زنگ ساعت از خواب بیدار می شود.

کسب آرامش کنید

تکنیک های تمدد اعصاب مانند تنفس عمیق، یوگا و... کیفیت خواب را بهبود می بخشد. هر آنچه که شما را آرام می کند، بیابید و تمرین کنید که همیشه آرامش داشته باشید تا خوابی به موقع و با کیفیت را تجربه نمایید.



دکتر فاتنه هوشداران
drhoosh@yahoo.com

آشنایی با کایروپراکتیک




رایج ترین دردهای عضلانی



سلسله اعصاب سیاتیک بلندترین و بزرگ ترین عصب در بدن شماست که قطری به اندازه انگشت شست شما داشته و از کمر تا پائین هر دو پای شما امتداد دارد. وقتی این سلسله اعصاب تحریک شده و یا بر اثر التهاب، بافت های نرم اطراف آن ملتهب شوند از نظر

درمان می شود. هریک از دو شاخه اعصاب سیاتیک از چهار الی پنج رشته عصب که از اطراف ستون فقرات تا پائین هر دو پا کشیده شده اند تشکیل شده است.

طولانی ترین رشته عصبی بدن

درد زمانی شروع می شود که رشته عصب سیاتیک تحریک شده یا بریده شده یا پیچ بخورد، کش بیاید و یا مورد آسیب قرار بگیرد به طوری که از درون مهره های ستون فقرات خارج شود. علت آسیب می تواند شیمیایی، فیزیکی یا اضطراب روحی ناشی از زندگی روزمره باشد. عصب سیاتیک متورم و تحریک شده، سلسله اعصاب درونی را درگیر کرده و در نتیجه آن اختلالاتی از قبیل دردهای ناحیه کمر، سوزش، انقباض و یا احساس گرفتگی (بی حسی) در ران ها، ساق پا، قوزک پا، کف پا و انگشتان پا بروز پیدا می کند. البته احساس درد می تواند محدود به چند نقطه از قبیل پهلوهوا، زانوها و ماهیچه ساق پا هم بشود.

سبک زندگی به روش کایروپراکتیک

کایروپراکتیکها متخصص هستند در مراقبت و درمان مهره ها، اعصاب، ماهیچه ها، بافت های نرم بین مفاصل (غضروف ها) و تقریباً ۶۰ درصد از کل بدن شما را پوشش می دهند. تمام مفاصل بدن شما بخشی از سیستم عضلانی اسکلتی شما می باشند و کارکرد بهینه آنها برای حس خوب سلامتی شما ضروری است. به منظور اطلاعات بیشتر در مورد برنامه درمان که شامل: تنظیمات خاص ستون فقرات، تمرینات پیشنهادی، عوامل تغذیه ای و دیگر روش های کمکی که مبتنی بر سابقه سلامت جسمانی شما می باشد با پزشک کایروپراکتیک خود مشورت کنید.

پزشکی به این اختلال سیاتیک گفته می شود. صرف وقت و انجام درمان های محافظتی کایروپراکتیک در از بین بردن علائم و علل سیاتیک و درد ناحیه کمر بسیار تأثیر گذار است.

یکی از عمده ترین علل دردهای سیاتیک، انحنای ستون فقرات است. انحنای ستون فقرات می تواند ناشی از تورم و پف کردن دیسک های نرمی که بین مهره ها است باشد که این نارسایی باعث تحریک و فشار بر روی سلسله اعصاب سیاتیک شده و آنها را از جای خود جابجا کرده و از ستون فقرات بیرون بزند و در نتیجه آن دردهای بسیار شدیدی در یک یا هر دو پای شما ایجاد کند. در گذشته درمان این دردها محدود به درمانهای دارویی، ماساژ عضلانی و درمان های فیزیکی و حتی جراحی بوده است. در حالیکه کایروپراکتیک روشی است که با استفاده از فشار با دقت و مستقیم و کنترل شده که دردهای داخلی و ساختاری ستون فقرات را از بین می برد. این تنظیمات کایروپراکتیک در کاهش تحریکات و التهابات عصبی و دردهای ناشی از آن بسیار تأثیر گذار است. سیاتیک مثل دیگر نارسایی ها می تواند بر ستون فقرات تأثیر بگذارد که البته اغلب از فرایند درمان های محافظتی کایروپراکتیک نتایج شگفت انگیزی در ترمیم و بازگشت کارکرد نرمال ستون فقرات گرفته می شود.

تحقیقات نشان می دهد در اثر تنظیمات کایروپراکتیک، سیاتیک هشت الی نه درصد بیشتر از زمانی که بیمار تنها از روش های درمان معمول استفاده می کند



فکر کنم که ناچاریم رفتنمون را به تولد کنسل کنیم! و شوهرش نیز با او موافقت کرد و دختر خانم را صدا کردند تا خبر خوش را به او بدهند که البته دختر خانم هم بعد از اینکه فهمید به خواسته اش رسیده، بدون هیچگونه عکس العملی و یا اقلا یک تشکر خشک و خالی، تلفن دستی اش را از جیبش در آورد تا به دوستانش زنگ بزند و پارتی فردا شب را بهتر برنامه ریزی کند.

در مدت چند ساعتی که آنجا بودیم، این بچه رفتارهایی از خودش نشان داد که خیلی دلم میخواست شانه های پدر و مادرش را می گرفتم و با شدت تکان می دادم تا شاید از خواب رویایی و یا بهتر بگویم، از کابوس وحشتناکی که در مورد این بچه داشتند بیدار شوند! اما ترجیح دادم که حرفی نزنم و یقوت خدای نکرده ناراحتشان نکنم، چون فکر کردم که هر چه این بچه بزرگتر شود، زجری که به این پدر و مادر بدهد برای هفت پششتان بس است، چرا که تازه این اول راه می باشد.

از این سری بچه ها زیاد در دور و بر می بینم. بچه های لوس و نتر که نه تربیت درست و حسابی دارند، نه بلدند چطور با دیگران رفتار بکنند، و تا آنجایی هم که ممکن است با داد و بیداد و گریه به تمام خواسته های بی جایشان می رسند. وقتی هم که به منزل ما می آیند و یا در منزل دیگران این بچه ها را می بینم بدون هیچگونه احترامی و بخصوص بدون اجازه به هر چیزی که می خواهند دست می زنند و در بسیاری از موارد نیز خراب کاری هم می کنند.

پدر و مادر هم که مثل دو طفلان معصوم یا به رویشان نمی آورند، چون کاری از دستشان بر نمی آید، و یا فقط نگاه می کنند چون برایشان مهم نیست و دقیقه به دقیقه نیز قربان صدقه بچه لوس و از خود راضی خود می روند. من حتی بزرگی این بچه های لوس از خود بیخود را هم دیدم که تربیت ناصحیح پدر و مادر چه تأثیرات منفی و بدی بر روی آنها و زندگی شان گذاشته است. دیدگه فکر می کنند که دنیا را خریدن و تمامی اطرافیان فقط به دنیا آمدن که به آنها سرویس بدهند و برایشان خدمت کرده و هر چه را که می خواهند برای آنها فراهم کنند. طوری با اشخاص رفتار می کنند و حرف می زنند که انگار طرف مقابل سال ها در منزل این خانم و یا آقای لوس و نتر، خدمت کرده است.

به نظر من، پدر و مادر هایی که با بچه هایشان چنین رفتاری دارند، و بدین روش آنها را تربیت می کنند، نه تنها به آنها محبتی نمی کنند، بلکه به آینده فرزندان شان خیانت و ظلم نیز می کنند.

دیگران برایت بسیار راحت خواهد بود.» و اما چرا یکدفعه به یاد بچگی و طرز رفتار مامان و بابا افتادم!

چند هفته پیش رفتیم به منزل یکی از آشنایان که یک دختر هفت ساله دارند. از ماشین که پیاده شدیم تا به طرف در منزل برویم، صدای داد و بیداد و جیغ دختر کوچک آنها را که از دیوارهای ضخیم منزل مانند نارنجک به بیرون می آمد می شنیدیم. نگران شدم، اما با شناختی که از این بچه داشتم می توانستم حدس بزنم که جریان چی باید باشد. زنگ در منزل را زدیم. پدر آشفته حال در را باز کرد و با لبخندی دردآور و با سلام و علیک از ما دعوت کرد که داخل منزل بشویم. صدای وحشتناک دختر خانم تمام منزل را در بر گرفته بود. مادر آمد جلو و قیافه اش مانند اینکه از جنگ برگشته باشد، با کشیدن نفس های بلند و آرام گفت: «خوش آمدید. ببخشید که این بچه این همه سر و صدا می کند.»

هنوز کاملا وارد منزل نشده بودیم که دختر خانم هفت ساله، با قیافه بسیار حق به جانبی، از اتاقش آمد بیرون. بدون اینکه به ما محلی بگذارد، یا سلامی بکند و اصلا ما را آدمی بداند، از کنارمان گذشت و رفت به طرف پدر و مادرش، دست هایش را زد به کمرش و با صدای بلند و تهدید آمیز و هق هق گریه و البته به زبان انگلیسی گفت: «من به دوستانم قول دادم که فردا شب در منزل ما به دور هم جمع می شیم و شب هم قراره که همین جا بخوابند. بهشون قول دادم که من فردا (پیژاما پارتی) داشته باشم و برای شام هم پیژما می خوام با نوشابه. بعد از شام هم بهشون قول دادم که می بریمشون به مغازه بستنی فروشی.» سپس پشتش را کرد به طرف پدر و مادرش، دوباره بدون اینکه به ما محل سگ بگذارد از کنارمان رد شد، سر راهش از روی میز چند تا شیرینی برداشت و رفت به داخل اتاقش و در را با صدای بلند کوبید به هم.

سرم را برگرداندم و نگاهی به خانم و آقای میزبان انداختم. مادر با حالتی که یعنی چیز مهمی اتفاق نیافته و این یک رفتار بسیار معمولی بوده که از بچه هفت ساله اش سر زده، با لبخند گفت: «آخه میدونید چی شده! بیچاره بچه که تقصیری نداره! خب با هم کلاسی هایش برنامه گذاشته که فردا شب بیان منزل ما و از شانس بد، فردا شب تولد بچه خواهر شوهرم هم هست و قول داده بودیم که بریم منزلشون. الان پیش پای شما، دخترم بهم گفت که برای فردا برنامه گذاشته و تا بهش گفتیم که تولد فلانی باید بریم، یکم ناراحت شد.» بعد سرش را به طرف شوهرش برگرداند و گفت: «خب،

بابا باعث شده بود که تا در به تخته می خورد نزنم زیر گریه و خودم را لوس نکنم و یا سعی نکنم تا با پروئی و لجبازی به خواسته های کودکانم ام برسم. مامان همیشه به من یادآوری می کرد و می گفت: «هیچوقت بدون اجازه به چیزی که مال تو نیست دست نزن.» یادم میاد چند باری که به قول مادر بزرگ شیطونه رفت تو جلدم و گولم زد و بدون اجازه و از روی بچگی به چیزی که نباید دست می زدم، دست زدم، یک آقا کلاغ نامرئی بود که زودی خبرها را به مامانم می رساند که البته همین کلاغ خبر چین باعث شد که درس خودم را یاد بگیرم و دیگر به چیزی که متعلق به من نبود دست نزنم و البته خوشحال هستم که این عادت تا به این سن هم که رسیدم با من موندنه است.

یادم میاد هر موقع که می خواستیم مهمانی برویم مامان می گفت: «فراموش نکن که مواظب رفتارت در مهمانی باشی. به همه سلام کنی، به اتاق هایی که اجازه نداری وارد نشوی و یقوت اشتباهها دست به شکلات و یا شیرینی نزن و صبر کنی تا اول بهت تعارف کنند. تعارف که کردند به من نگاه کن و وقتی من سرم را به علامت بله تکان دادم آنوقت میتوانی آنچه را که بهت تعارف کردند برداری. اگر هم که سرم را بالا بردم که یعنی نمی توانی برداری. با احترام از میزبان تشکر میکنی و میگی که نه مرسی.» که البته همانطور که قبلا گفتم چون بچه حرف گوش کنی بودم، تمام حرف ها و خواسته های مامان را عمل میکردم. مامان و بابا بیشتر سعی میکردند تا عشق خودشان را به من از طریق احساسشان نشان بدهند تا از طریق مال و منال و خریدن اسباب بازی های گران قیمت و گوناگون. از همان زمان بچگی، آنها به من یاد داده بودند که من به عنوان یک انسان، خودم و عقاید، هر چقدر کودکانه، اما بسیار مهم هستند و هیچوقت غروم را در هیچ شرایطی بخاطر بچه بودنم نمی شکستند و با رفتاری بسیار احترام آمیز با من برخورد می کردند، و البته در عین حال نیز بهم یاد می دادند که در زندگی فروتن و قانع باشم و هیچوقت از کمک کردن به دیگران امتناء نکنم.

مامان می گفت: «وقتی از خودت راضی باشی و بتوانی با تمام وجود خودت را دوست داشته باشی، آنوقت عشق و کنار آمدن با

از اینجا، از آنجا
گنار

یادم میاد زمانی که بچه بودم، هر موقع که خدا بیمارم مادرم می خواست من را به همراه خودش برای خرید بیرون ببرد، بهم سفارش و یادآوری می کرد و می گفت: «دخترم، یادت باشد که در حین خرید به هیچ عنوان حرف این که من این را میخواهم یا آن را میخواهم را نزن. اگر به چیز ضروری احتیاج داشته باشی خودم برایت می خرم.» منم که کودک حرف گوش کنی بودم، هر موقع که با مامان و یا هر کس دیگری برای هر نوع خریدی بیرون می رفتم، هیچوقت نق و نوق و شری به پا نمی کردم و بسیار نیز مطیع بودم. به طور مثال اگر پشت و پتیرین مغازه ای عروسک و یا اسباب بازی بود که چشمم را به خود جلب میکرد، فقط چند دقیقه ای به آن خیره می شدم تا اینکه صدای مامان من را از عالم رویایی خود بیرون میآورد. نه نق میزد و نه گریه میکردم و نه ادا بازی های بی معنی و لوس در می آوردم.

جالب اینجا بود که شاید سه یا چهار ماه بعد، به مناسبتی، مامان همان اسباب بازی را که چشمم را گرفته بود، بهم هدیه می داد که یادم میآید چقدر باعث ذوق و شوقم می شد و از همه مهمتر بسیار نیز قدرش را می دانستم و با دقت و توجه زیادی از آن مراقبت می کردم که یک وقت خدای نکرده خراب و یا کثیف نشود. مادرم نیز برایم دنیایی بود، چرا که با آن سن کودکی نمی توانستم بفهمم که او چطور می دانسته که من از چنین اسباب بازی خوشم آمده بودم که البته بعدها که بزرگتر شدم فهمیدم که در زمانی که پشت و پتیرین مغازه ایستاده و به اسباب بازی و یا هر چیزی که چشمم را به خود جلب کرده بود، خیره می شدم، از قرار معلوم مامان متوجه می شد و بدون اینکه من بفهمم، اسباب بازی را می خرید، قایم میکرد و چند ماه بعد به مناسبتی بهم میداد. به دین طریق، هم مهر، محبت و عشق مادرانه خودش را به من نشان می داد، و هم با چنین رفتاری باعث می شد که نه تنها لوس و نتر بار نیایم، بلکه در زندگی قدر و ارزش چیزهایی را که بهم داده می شد بدانم.

با اینکه تنها فرزند خانواده بودم و به قول معروف یکی یکدونه و به اندازه کافی عشق و محبت را در خانواده می دیدم و حس می کردم و با اینکه از نظر وضع مالی نیز راحت بودیم، اما رفتار و تربیت صحیح مامان و

آزار جنسی خانگی: «قربانی» نه، «نجات یافته»

ماهرخ غلامحسین پور

«گلناز ملک»، کارشناس روان‌شناسی در حوزه تخصصی بیماری‌ها و اختلالات جنسی است که به طور داوطلبانه به نجات یافتگان مشاوره می‌دهد.

گلناز خود از نجات یافتگان آزار جنسی خانگی است که در حال حاضر با وجود نابسامانی‌ها و تلخی‌هایی که از سر گذرانده، به تجاوز دیدگان در هندوستان مشاوره رایگان داده و در این مورد تحقیق می‌کند. کمک به نجات یافتگان تجاوز خانگی یکی از دغدغه‌های ذهنی اوست. او معتقد است که یکی از دلایل سکوت قربانیان و پناه بردن به فراموشی می‌تواند احساس گناه یا خشم باشد زیرا فرد تجاوز دیده تا مدت‌ها از دست متجاوز خشمگین است و البته بخشی از این خشم را هم متوجه خود می‌کند که نتوانسته به درستی از خودش مراقبت کند.

نتایج تحقیقات روان‌درمان‌گرها نشان داده که گرچه تمامی اشکال تجاوز، خانوادگی یا غیرخانوادگی اثرات دراز مدت و دهشتباری دارند اما تجاوز پدر به فرزند، شدیدترین نوع تجاوز انسانی محسوب شده و اثرات آن بسیار شدیدتر از زمانی است که تجاوز جنسی از سوی برادر، دایی، عمو و سایر اعضای خانواده اتفاق می‌افتد.

روان‌شناسان هم‌چنین توصیه می‌کنند علت سکوت ممتد همراه با ترس کودکان را جدی بگیرید زیرا نباید فکر کنید فاجعه همیشه در خانه همسایه اتفاق می‌افتد بلکه ممکن است خانه شما هم امن نباشد با این تفاوت که کودک شما بنا به دلایلی هم‌چون ترس، سکوت کرده باشد.

ترس از متجاوز می‌تواند یکی از عوامل سکوت کودک آسیب دیده باشد زیرا آزار و تجاوز جنسی تکرار شونده اغلب با تهدید و ارعاب از سوی آزارگر همراه است. تهدید

می‌کند و این تأخیر در کمک گرفتن، روند درمان را سخت‌تر خواهد کرد.»

او اضافه می‌کند: «بر سر این که در چه سنی این تجربه می‌تواند آسیب‌های شدیدتری ایجاد کند مابین کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد. ولی نتیجه بسیاری از تحقیقات نشان داده که تجربه آزار جنسی بین سن ۹ تا ۱۶ سالگی یا سنین بلوغ، آسیب‌های شدیدتر و متفاوتتری را ایجاد می‌کند و به درمان متفاوتی هم نیاز دارد. بسیاری وقت‌ها به علت سن کمی که فرد هنگام تجربه آزار جنسی دارد، خاطره مشخصی از آن

فامیل، مشخصات متفاوتی با سایر انواع تجاوز دارد که باعث می‌شود اثرات روانی که روی بازمانده تجاوز به جای می‌گذارد بسیار عمیق‌تر و متفاوت‌تر باشد.

او می‌گوید: «یکی از مشخصه‌های تجاوز جنسی خانگی، تکرار شونده‌گی آزار جنسی است. اغلب این تجربه دردناک طی سال‌های متمادی به دفعات برای کسانی که تجربه آزار جنسی خانگی را دارند، تکرار شده و این در مقایسه با کسی که در مکانی عمومی و یا از سوی یک غریبه آزار را به دفعات معدود تجربه کرده، کاملاً متفاوت است.»

اتفاق ندارد به ویژه اگر این اتفاق در سنین زیر سه یا چهار سالگی و یا به دفعات معدودی رخ داده باشد ولی این مساله به این معنی نیست که شخص از این حادثه آسیبی ندیده است. بعضی از متخصص‌ها بر این باورند که در چنین مواقعی پروسه تشخیص علت



اختلال سخت‌تر بوده ولی درمان به این دلیل که تأثیر کمتری بر ناخودآگاه فرد گذاشته، راحت‌تر است.»

گلناز ملک توصیه می‌کند که آسیب دیدگان توسط مشاوره‌ای که با متجاوز هم‌جنس نباشد مورد درمان قرار بگیرند یعنی یک زن آسیب دیده که تجربه آزار جنسی یا تجاوز در کودکی از سوی مردی را داشته، تحت درمان مشاور زن باشد و برای او مشاور و روان‌کاو مرد توصیه نمی‌شود، چون شکل‌گیری ارتباطی که به درمان کمک می‌کند بین بازمانده تجاوز و تراپیست مرد به سختی و زحمت شکل می‌گیرد.

او از تجربه خودش در مراجعه به روان‌پزشک در ایران برآیم می‌گوید. از وقتی که از سن ۱۸ سالگی به خاطر مشکلات روحی ناشی از دو سال تجربه آزار جنسی خانگی تحت درمان دارویی و مشاوره بوده و نزد بهترین متخصصان مرد رفته و هیچ کدام او را به یک متخصص زن ارجاع نداده‌اند.

این کارشناس روان‌شناسی در این باره می‌گوید: «وقتی در سن ۲۶ سالگی در کشور هندوستان به یک روان‌پزشک مرد مراجعه کردم، او به محض شنیدن این نکته که من تجربه آزار جنسی داشته‌ام، بلافاصله پرونده را بست و مرا به یکی از همکاران زنش ارجاع داد. در حالی که در ایران هیچ‌کدام از متخصصانی که به آنها مراجعه کردم چنین پیشنهادی به من ندادند.»

اولین کمکی که ما باید به یک قربانی تجاوز بکنیم چیست؟ ملک پاسخ می‌دهد: «من فکر می‌کنم اولین کمک این است که واژه «قربانی» را در این مورد به کار نبریم. من باوجود همه تجربه‌های دردناکم، شخصا هرگز زیر بار استفاده از واژه «قربانی» نمی‌روم. همین فرو رفتن در نقش و هویت قربانی، یکی از موارد آسیب‌زننده به شخص آزار دیده است. کسانی که در این حوزه به شکل حرفه‌ای کار می‌کنند واژه «نجات یافته» را به جای قربانی به کار می‌برند که به نظر من درست‌تر می‌آید.»

شوک تجربه تجاوز قابل درمان است. گرچه خاطره تجاوز هیچ‌گاه به طور کامل از ذهن هیچ‌کس پاک نمی‌شود ولی با جلسه‌های روان‌درمانی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های شناخت روان‌درمانی می‌توان به فرد نجات یافته کمک کرد تا به شکل درست و آشکار با تجربه دردناکش روبه‌رو شود.

گلناز ملک می‌گوید که در حالت ایده‌آل، لازم است فرد خشونت دیده بی‌درنگ مورد مشاوره و درمان قرار بگیرد. اما آیا اساساً چنین چیزی در جامعه‌ای که پنهان کردن و انکار در لایه‌های درونی آن جا خوش کرده، مقدور و ممکن است؟ او می‌گوید: «متأسفانه اگر هم درمانی انجام شود، در سن بزرگ سالی و در شرایطی است که فرد نجات یافته به دلایل مختلف دیگری هم‌چون اضطراب یا افسردگی به روان‌درمان‌گر مراجعه

آگهی استخدام

شرکت برقکشی ساختمان

(Residential, Commercial, Industrial)

به چند تکنسین برقکار ماهر و نیمه ماهر و نیز کارگر ساده، به طور تمام و یا نیمه وقت نیازمند است.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید.

۹۸۶۲-۸۵۸ (۴۰۸)

باز بیاند س ر خر بشند، بفرمائید اندرون!
حجه الشریعه: میل، میل مبارک است! برای استماع فرمایشات حضرتعالی حاضر!
دالان دراز و تاریکی را پیمودند، در حالی که یک سر بند شلوار از پشت حاجی به زمین میکشید، جلو در اندرون صدای های و هوی بچه شنیده میشد. حاجی سینه اش را صاف کرد و حجه الشریعه "یا الله" بلندی گفت. بعد پرده متقال کثیفی را که وصله خورده بود، عقب زدند. کیومرث با دختری که سرش را تراشیده و زفت انداخته بودند، دنبال موشی میدویدند که آتش گرفته بود.
حاجی به صدای بلند: خفه شین، لال شین! اگر منو تو هشتی خفه بکنند، یا ترور بکنند، توی این خونه کسی نیست به فریادم برسه! خفه شین، دلیل شده ها، جوانمرگ شده ها، با نفت به این گرانی تفریح میکنید؟! اگر موش میرفت تو زیر زمین، خونه ام آتیش می گرفت. صبر کنین بهتان خواهم فهماندا! موش آتش گرفته که زق و زق صدا می کرد، رفت توی سوراخ راه آب. بچه ها پراکنده شدند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۱**

زیر آب کرد! بگذارید از مریضخونه که درآمدم، این منادی الحق را می اندازمش توی هلفدون، تا قدر عافیت را بدونه! تقصیر خودمه که به اینها رو می دم، به سردبیر روزنامه محترم "دب اکبر" معرفی اش می کنم. پدر سوخته بیشراف، بی ناموس، تو روی من پرخاش می کنه؛ مثل این که ارث باباش را از من می خواد! این دفعه قلم پاش را میشکنم که بخواد از دم این در رد بشه!
حجه الشریعه: در حدیث معتبر آمده که زمان ظهور، مطرب و شاعر و دلکف زیاد میشود. شعر و نقاشی و موسیقی و مجسمه سازی فعل شیطان است.
حاجی: مراد، این مرتیکه معلوم نیست کجاها سرک می کشه، ممکنه با خودش میکروبات ناخوشی بیاره، سر جاش رو خوب جارو بزنی و آهک بریزی که بچه ها واگیر نکنند!
- به چشم!
حاجی ساعتش را نگاه کرد و به حجه الشریعه گفت: ببخشید اگر مزاحم شدم، کار لازمی با شما داشتم، فرصت سرخاراندن ندارم. نمی گذارند نمدی آفتاب بکنم، از بس که با این و آن جوال رفتم، کلافه شدم. اوخ، اوخ، میترسم

صادق هدایت (بخش پانزدهم)

مثل چاهک خلاست و آدم هایش هم مثل مگس آنجا هستند! "مراد، گوشت را واز کن، این دفعه اگر منادی الحق، همین مرتیکه شرنده که آنجا نشسته بود و من پیش خودم جایش ندادم، اگر این آمد، جوابش بکن، بگو: آقا کمیسیون داره! اینها را باید کشت و نابود کرد؛ چون انگل جامعه هستند. خب، مرتیکه، شعر تو که شعر قآنی نیست، چند تا قافیه میدزدی، سر هم میکنی و وسیله گدایی خودت قرار میدی. (آهسته) هیس، مراد برو ببین، نکنه که پشت در گوش وایساده باشه!
مراد رفت، نگاهی به جلو خوان انداخت و برگشت: نه خیر قربان!
حجه الشریعه: استغفرالله، این عهد و زمانه مردم نمک نشناس شده اند. همه چیز از میان رفته، احترام، عرض، شرف، ناموس!
حاجی: آقا این مرتیکه جاسوس خطرناکیه، حتما بلشویکه، سرش بوی قورمه سبزی میده، آقا وقتی که آدم از مال پس و از جان عاصی است، خطرناکه! باید سرش را

حاجی آقا

مثل این بود که انعکاس صدای خودش را شنید. همه جا ساکت بود. وحشت کرد. دوباره گفت: کیه اینجا؟ این مرتیکه سوءقصد داره! بعد خاموش شد. دستمال را برداشت و دماغش را گرفت. چند دقیقه گذشت، درب باز شد، مراد و حجه الشریعه با ریش رنگ و حنا بسته، چشم های ووردیده، عمامه سورمه ای و عبای شتری کهنه وارد شد و سلام غلیظی کرد.
- صبحکم الله بالخیر!
حاجی تکیه به عصایش کرد و بلند شد و نفس بزرگی کشید: علیکم السلام، اوخ، اوخ، آقای حجت دیر آمدید. از خطر بزرگی جستم. این مرتیکه شاعر، این بلشویک، اگر زمان شاه شهید بود، میدادم گوش و دماغش میکردند، دور بازار میگردداندند، تا عبرت دیگران بشه! آزادی شده، دموکراسی شده برای این که این مرتیکه پدرسوخته بی سروپا به مرحوم ابوی اسائه ادب بکنه! تا حالا به یاد ندارم که این طور به من جسارت کرده باشندا! آقا فکرش را بکنید، به من میگه: "این مملکت

انجمن جمهوری آذربایجان مقیم کالیفرنیا تقدیم می کند!



کنسرت باشکوه



با هنرمند ممتاز موسیقی آذربایجان

کونول کریم اوا

زمان: ۳۰ دسامبر ۲۰۱۷ ساعت: ۷:۳۰ عصر

مکان: 75 S. 11th Street, San Jose, CA

اطلاعات و رزرو بلیط ۳۴۱۰-۶۶۱-۴۰۸

عادت ماهانه که شدم، گفتند وقت ازدواج شده!

شیمای شهرابی

ده ساله نشده بود که برایش شال و انگشتر آوردند و به رسم خودشان بله بران برگزار کردند: «اولین بار بود که عادت ماهانه شده بودم. مادرم تا فهمید بالغ شده‌ام، با پدرم پیچ پیچ کرد و بعد هم دو سه روز بعد، خانواده عمه‌ام با انگشتر آمدند و گفتند تو دیگر بزرگ شدی و عروس عمه هستی.»

ظاهره حالا بیست و دو ساله است و از پسر عمه‌اش رحمان، سه بچه دارد. می‌گوید: «اصلا کسی از من نه نظری پرسید و نه چیزی خواست. خودشان حرف‌ها را زده بودند. واقعیتش من هم اصلا متوجه ماجرا نبودم. بیشتر به فکر این که لباس عروس می‌پوشم و این کارها بودم و از این که قرار است دقیقا چه اتفاقی بیفتد خبر نداشتم.»

آنها در یکی از روستاهای اردبیل زندگی می‌کنند. مادر ظاهره می‌گوید: «توی روستای ما آن وقت‌ها همین سن و سال دختر شوهر می‌دادند. می‌گفتند دختر که بالغ می‌شود، اگر زیاد در خانه بماند، چشم و گوشش باز می‌شود.»

اسم ظاهره هم از اول روی رحمان بود. از همان وقت که به دنیا آمد، عمه‌اش خواستگاری کرد و پدرش قبول کرد: «می‌گفت خودی گوشت را بخورد، استخوان را دور نمی‌اندازد.» مادر ظاهره خودش آن زمان که مادر زن شده، بیست و سه ساله بوده: «خود من را نه سالگی به پسر عمویم شوهر دادند. ظاهره بچه اولم بود. من چیز زیادی نمی‌دانستم، و گر نه



حقوق‌دان در این باره می‌گوید: «معیاری در قانون برای اینکه مصلحت چیست و بر چه اساسی باید حکم ازدواج زیر سن صادر شود وجود ندارد. این را باید ولی قهری که می‌خواهد فرزند یا نوه اش را به ازدواج فردی در آورد ثابت کند و دادگاه آن را تایید کند. برخی قضات معتقدند خود کودک نمی‌تواند مصلحت خود را تشخیص دهد، به همین جهت از کودک نمی‌پرسند اما از لحاظ حقوقی این درست نیست، صد درصد باید رضایت خود فرد هم باشد و از او نیز تحقیق شود.»

بسیاری از مسئولان و حقوق‌دان‌ها بالا بردن سن قانونی ازدواج را راه حل مناسبی برای جلوگیری از ازدواج کودکان می‌دانند.

سال گذشته فاطمه ذوالقدر از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس از طرحی برای اصلاح ماده قانونی ۱۰۴۱ و بالا رفتن سن قانونی ازدواج خبر داد: «طرح عدم ازدواج دختران زیر ۱۸ سال از سوی نمایندگان مجلس با کسب اجازه از مراجع تقلید در آینده ارائه خواهد شد.» اما در مقابل مخالفانی هم برای بالا بردن سن قانونی ازدواج وجود دارد.

فرشته روح افزا، معاون فرهنگی و اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی یکی از آنهاست. او درباره اصلاح ماده ۱۰۴۱ می‌گوید: «چیزی که به عنوان اصلاح از آن یاد می‌کنند، به نظر خودشان اصلاحیه است و به وضوح می‌توان ردپای نگرش غربی و فمینیستی را در این اصلاحیه دید. اگر این نمایندگان مجلس می‌خواهند جلوی خطرات احتمالی ازدواج در سن ۱۳ سالگی را بگیرند، بهتر است بگویند چرا جلوی خطرات قطعی که برای دخترانی که در سنین بالا هنوز موفق به ازدواج نشده‌اند را نمی‌گیرند.»

او در بخش دیگری از حرف‌هایش اصلاح این ماده قانونی را موجب اختلاف در خانواده می‌داند: «اینکه این افراد خودشان را محق‌تر از پدران می‌دانند، در خانه میان پدران و دختران اختلاف ایجاد می‌کند.»

انجمن جامعه شناسی ایران هم آذر ماه سال گذشته از افزایش ازدواج کودکان خبر داد: «تعداد ازدواج کودکان در حال افزایش است، به طوری که سال گذشته نسبت به سال قبل‌تر، آمار ازدواج کودکان در ایران ۱۰ هزار نفر بیشتر شده و به مراتب طلاق در سن ۱۰ تا ۱۸ سالگی در کشور هم بیشتر شده است.»

سه روز پیش ناهید خداکرمی، عضو شورای شهر تهران هم در توییت نوشت: «ثابت ازدواج ۳۷ هزار کودک زیر ۱۳ سال در سال گذشته در کشور فاجعه بار است. از این تعداد ۱۷۹ دختر زیر ۱۰ سال بوده‌اند.» او این توییت را با هشتگ روز جهانی کودک منتشر کرده است. بر اساس حقوق بین الملل ازدواج کودکان، ازدواج اجباری نوعی بردگی محسوب شده و ممنوع است اما در ایران ازدواج کودکان ممنوع نیست.

سن قانونی ازدواج در ایران برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال است. اما براساس مفاد قانون مدنی، در صورتی که ولی دختر مصلحت بداند، او پیش از ۱۳ سالگی نیز می‌تواند ازدواج کند. به این ترتیب در ایران عملا محدودیت سنی برای ازدواج وجود ندارد و ازدواج در هر سنی ممکن است.

ازدواج ظاهره در یازده سالگی و با حکم دادگاه ثبت شده است: «محضر که می‌خواستیم عقد کنیم، عاقد گفت سن عروس زیر سیزده سال است. چند بار برای عاقد شمرند اما قبول نکرد و برای دادگاه نامه داد.»

ظاهره روز دادگاه را به خوبی به یاد دارد: «قاضی هیچ سوالی از من نپرسید، فقط از پدرم پرسید که عروس بالغ شده؟ رضایت دارد؟ و وقتی پاسخ مثبت پدرم را شنید، اجازه ثبت ازدواج را داد.» مادر ظاهره اما حرف دیگری می‌زند: «کدام پدر و مادری بد بچه را می‌خواهد. قاضی هم وقتی می‌بیند پدر و مادر سالم و زحمتکش دارد، می‌داند که تصمیم درست گرفته‌اند.»

دادگاه اما بطور مصلحت ازدواج کودکان را تشخیص می‌دهد؟ موسی برزین خلیفه لؤ:

نوشتن بر سنگ قبر به فارسی و انگلیسی

با خط نستعلیق

بدون هزینه

۴۰۸-۲۲۱-۸۶۲۴



پیشینه جشن شب یلدا و رسم و رسوم آن

شب یلدا یا شب چله آخرین روز آذرماه، شب اول زمستان و درازترین شب سال است. ایرانیان باستان با باور اینکه فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر شده و تابش نور ایزدی افزونی می یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا زایش خورشید می خواندند و برای آن جشن بزرگی برپا می کردند.

این جشن در ماه پارس «دی» قرار دارد که نام آفریننده در زمان قبل از زرتشتیان بوده است که بعدها او به نام آفریننده نور معروف شد. نور، روز و روشنایی خورشید، نشانه هایی از آفریدگار بود در حالی که شب، تاریکی و سرما نشانه هایی از اهریمن. مشاهده تغییرات مداوم شب و روز مردم را به این باور رسانده بود که شب و روز یا روشنایی و تاریکی در یک جنگ همیشگی به سر می برند. روزهای بلندتر روزهای پیروزی روشنایی بود، در حالی که روزهای کوتاه تر نشانه ای از غلبه تاریکی.

پیشینه جشن

یلدا و جشن هایی که در این شب برگزار می شود، یک سنت باستانی است. این جشن مراسمی آریایی است و پیروان میترا ایسم آن را از هزاران سال پیش در ایران برگزار می کرده اند. یلدا روز تولد میترا یا مهر است. این جشن به اندازه زمانی که مردم فصول را تعیین کردند کهن است.

مراسم و آداب جشن

برای در امان بودن از خطر اهریمن، در این شب همه دور هم جمع می شدند و با برافروختن آتش از خورشید طلب برکت می کردند.

آیین شب یلدا یا شب چله، خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار و شیرینی و میوه های گوناگون است که همه جنبه نمادی دارند و نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی هستند. در این شب هم مثل جشن تیرگان، فال گرفتن از کتاب حافظ مرسوم است. حاضران با انتخاب و شکستن گردو از روی پوکی و یا پری آن، آینده گوئی می کنند.

جشن شب یلدا جشنی است که از هفت هزارسال پیش تاکنون در میان ایرانیان برگزار می شود. هفت هزار سال پیش نیاکان ما به دانش گاه شماری دست پیدا کردند و دریافتند که نخستین شب زمستان بلندترین شب سال است.

یکی دیگر از دلایل برگزاری این جشن، شب زاد روز ایزدمهر یا میترا است. مهر به معنای خورشید است و تاریخ پرستش آن در میان ایرانی ها و آریایی ها به پیش از دین زرتشت بازمی گردد که پس از ظهور زرتشت این پیامبر او را اهورا مزدا تعریف کرد. یکی از ایزدان اهورایی مهر بود که هم اکنون بخشی از اوستا به نامش نامگذاری شده.

در «مهریشت» اوستا آمده است: «مهر از آسمان با هزاران چشم بر ایرانی می نگرد تا دروغی نگوید».

آیین های جشن شب یلدا

یکی از آیین های شب یلدا در ایران، تفال با دیوان حافظ است. مردم دیوان اشعار لسان الغیب را با نیت بهروزی و شادکامی می گشایند و فال دل خویش را از او طلب می کنند.

در برخی دیگر از جاهای ایران نیز شاهنامه خوانی رواج دارد. بازگویی خاطرات و قصه گوئی پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها نیز یکی از مواردی است که یلدا را برای خانواده ایرانی دلپذیرتر می کند. اما همه اینها ترفندهایی است تا خانواده ها گرد یکدیگر آیند و بلندترین شب سال را با شادی و خرسندی به سپیده برسانند.

در سراسر ایران زمین، جایی را نمی یابید که خوردن هندوانه در شب یلدا جزء آداب و شیوه آن نباشد. در جاهای گوناگون ایران، گونه های تنقلات و خوراکی ها به تبع ژیرامون و شیوه زندگی مردم منطقه بهره برده می شود اما هندوانه میوه ای است که هیچ گاه از قلم نمی افتد، زیرا شمار زیادی به این باورند که اگر مقداری هندوانه در شب چله بخورند در سراسر چله بزرگ و کوچک یعنی زمستانی که در پیش دارند سرما و بیماری بر آنها غلبه نخواهد کرد.

مردم شیراز در شب یلدا به شب زنده داری می پردازند و برخی نیز بسیاری از دوستان و بستگان خود را دعوت می کنند. آنها در این شب سفره ای می گسترانند که بی شباهت به سفره هفت سین نوروز نیست و در آن آینه را جای می دهند. گونه های بی شمار آجیل و تنقلاتی چون نخودچی، کشمش، حلواشکری، رنگینک و خرما و میوه هایی چون انار و به ویژه هندوانه خوراکی های این شب را تشکیل می دهند.

در آذربایجان مردم هندوانه چله (چپله قارپوزی) می خوردند و باور دارند که با خوردن هندوانه لرز و سوز و سرما به تن آنها تاثیری ندارد.

در اردبیل رسم است که مردم، چله

بزرگ را سوگند می دهند که زیاد سخت نگردد و معمولاً گندم برشته (قورقا) و هندوانه و سبزه و مغزگردو و نخودچی و کشمش می خورند. در گیلان هندوانه را حتماً فراهم می کنند و باورمندند که هر کس در شب چله هندوانه بخورد در تابستان احساس تشنگی نمی کند و در زمستان

سرما را حس نخواهد کرد. «آو کونوس» یکی دیگر از میوه هایی است که در این منطقه در شب یلدا رواج دارد و به روش خاصی تهیه می شود.

در فصل پاییز، از گیل خام را در خمره می ریزند، خمره را پر از آب می کنند و کمی نمک هم به آن می افزایند و در خم را می بندند و در گوشه ای خارج از هوای گرم اتاق می گذارند، از گیل سفت و خام، پس از مدتی پخته و آبدار و خوشمزه می شود. آو کونوس (از گیل) در اغلب خانه های گیلان تا بهار آینده یافت می شود و هر زمان هوس کنند از گیل و تازه و پخته را از خم بیرون می آورند و آن را با کلپر و نمک در سینه کش آفتاب می خورند. بنا به روایت مردم کرمان تا سحر انتظار می کشند تا از قارون افسانه ای استقبال کنند. قارون در پوشاک هیزم شکن برای خانواده های فقیر تکه های چوب می آورد. این چوب ها به زر دگرگون می شوند و برای آن خانواده، ثروت و روزی به همراه می آورند.

جشن شب یلدا

جشن شب یلدا یک جشن کاملاً زنده است و همه مسیحیان جهان این جشن را با نام جشن تولد مسیح برگزار می کنند. یلدا و مراسمی که در نخستین شب بلند زمستان و بلندترین شب سال برپا می کنند سابقه ای بسیار دراز داشته و مربوط می شود به ایزد مهر.

این جشن که یکی از کهن ترین جشن های ایران باستان است در اصطلاح به آن شب چله هم می گویند. چله بزرگ از یکمین روز دی ماه جشن خرم روز تا دهم بهمن که جشن سده است به طول می انجامد و آن را چله بزرگ می نامند به آن دلیل که شدت سرما بیشتر است، آنگاه چله کوچک فرا می رسد که از دهم بهمن تا بیستم اسفند به طول می انجامد و سرما کم کاسته می شود.



چله اول که اولین روز زمستان یا نخستین شب آن است تولد مهر و خورشید شکست ناپذیر است، زیرا مردم دوره های گذشته که پایه زندگی شان بر کشاورزی و چوپانی قرار داشت و در طول سال با سپری شدن فصل ها و تضادهای طبیعت خو داشتند و بر اثر تجربه و گذشت زمان با گردش خورشید و تغییر فصول و بلندی و کوتاهی روز و شب و جهت حرکت و قرار ستارگان آشنایی یافته و کارها و فعالیت شان را براساس آن تنظیم می کردند و به تدریج دریافتند که کوتاهترین روزها آخرین روز پاییز یعنی سی ام آذر و بلندترین شب ها شب اول زمستان است اما بلافاصله بعد از این با آغاز دی روزها بلندتر و شب ها کوتاه تر می شود.

اقوام قدیم آریایی جشن تولد آفتاب را آغاز زمستان می گرفتند خصوصاً ژرمن ها که این ماه را به خدای آفتاب نسبت می دهند و زیاد هم بی تناسب نیست چرا که آغاز زمستان مثل تولد خورشید است که از آن روز در نصف کره شمالی رو به افزایش و ارتفاع و درخشندگی می گذارد و هر روز قوی تر می شود. در این شب آتش برمی افروختند تا تاریکی و عاملان اهریمنی و شیاطین نابود شده و بگریزند و همچنان که خورشید به مناسبت فروغ و گرمای کارسازش تقدس پیدا کرده بود آتش نیز همان والایی را نزد مردمان دارا شد.

چون تاریکی فرا می رسید در پرتو روشنایی آتش تاریکی اهریمنی را از بین می بردند. در شب یلدا یا تولد خورشید افراد دور هم جمع می شدند و جهت رفع این نحوست آتش می افروختند و خوان ویژه مانند سفره ای که عید نوروز تهیه می کنند اما محتویات آن متفاوت است می گستراندند و هر آنچه میوه تازه فصل که نگهداری شده بود و میوه های خشک در سفره می نهادند. **دنباله مطلب در صفحه ۵۶**

علائم و راه های تشخیص سرطان سینه

سرطان پستان ناشی از رشد خارج از قاعده سلول های غیر طبیعی در پستان است. در هر دو نوع تومورهای خوش خیم و بدخیم، رشد سریع و زیاد سلول ها وجود دارد. روند زیاد شدن سلول ها در تومورهای خوش خیم در مرحله مشخصی متوقف می شود، در تومورهای بدخیم این رشد به صورت غیر قابل مهار ادامه می یابد تا حدی که در صورت عدم درمان، تمامی قسمت های بدن را تحت تأثیر قرار داده و از کار می اندازد. شایع ترین نوع سرطان پستان، سرطان از منشاء مجاری شیری است و از آنجا که این نوع بافت بیشتر در یک چهارم بالایی و خارجی پستان وجود دارد، در حدود نیمی از سرطان های پستان در ربع فوقانی و خارجی آن یافت می شوند.



تومورهای خوش خیم و بدخیم چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

باید گفت که در تمام تومورها رشد سریع و زیاد سلول ها وجود دارد. خواه این تومور خوش خیم باشد یا بدخیم، آنچه حائز اهمیت است و تفاوت اصلی این دو نوع تومور را سبب می شود این است که روند زیاد شدن سلول ها در تومورهای خوش خیم در مرحله مشخصی متوقف می شود ولی در تومورهای بدخیم به صورت غیر قابل مهار ادامه می یابد. این رشد سلولی در تومورهای بدخیم که همان سرطان است تا حدی ادامه می یابد که در صورت عدم درمان تمامی قسمت های بدن را تحت تأثیر قرار داده و از کار می اندازد. این در حالی است که این اتفاق، هرگز در تومورهای خوش خیم نمی افتد.

سرطان پستان، شایع ترین سرطانی است که خانم ها به آن مبتلا می شوند. در کشورهای

همین دلیل رنگ سبز را برای لباس نو عروسان انتخاب می کردند. در اروپای قدیم اعتقاد بر این بود که رنگ سبز، رنگ مورد علاقه قدرت های بزرگ است و این قدرت ها می توانند کسی را که لباس سبز پوشیده، به بد شانس ابدی محکوم کنند. این خرافات تا حدی ادامه پیدا کرده است که امروزه بسیاری از افراد با ماشین های سبز رانندگی نمی کنند و اعتقاد دارند که احتمال تصادفات با این اتومبیل ها بیشتر است. همچنین این رنگ در چین نشانه ثروت است و در برخی اوقات یادآور باران شدیدی است که زمین را بارور می کند. در گذشته رنگ سبز یادآور زهر بود و به همین دلیل هیچ گاه داروها را به رنگ سبز نمی ساختند. همچنین رنگ سبز در آمریکا نشاط و سلامت و تازگی را تداعی می کند، در حالی که همین رنگ را در کشورهایی که جنگل های فراوان دارند، با بیماری ارتباط می دهند. رنگ سبز رنگ محبوب مسلمانان بخصوص اعراب نیز هست. در اسلام، رنگ سبز نشانه ایمان و عقیده در دین، توکل به خدا، بقا و جاودانگی است و هم چنین

ادامه مطلب رنگ ها در کشور... از صفحه ۲۸

این کشور آبی و بنفش نشان دهنده تقوا و ایمان است و مصریان در طول تاریخ همیشه به رنگ های آبی فیروزه ای و لاجوردی علاقه مند بوده اند.

زرد: رنگ زرد در بیشتر کشورها مفهوم خوشحالی و مطلوب بودن را دارد. در آسیا رنگ زرد نشانه تقدس و پرهیز کاری است. در کشورهای مسیحی زرد نشانه نور خورشید و دانایی است. در مالزی که جمعیت آن مخلوطی از مالایی ها، هندی ها و چینی ها است رنگ زرد دلالت بر خاندان پادشاه دارد و به نوعی نشانه عمر زیاد است. در کشور ژاپن رنگ زرد نشانه وقار و نجابت است.

جنگ جویان باستان این کشور در دوران خود، گل های زرد داوودی را به نشانه پیمان شجاعت، به خود آویزان می کردند. در بین پیشگویان قدیم، رنگ زرد توصیفی از شیر و خورشید بود. آنها زرد بودن شیر را تنها عاملی می دانستند که او را در بین حیوانات به عنوان سلطان جنگل مطرح کرده است. مردم قرون وسطی معتقد بودند که سنگ های زرد، بیماری را از جسم او به درون خود جذب می کند. در یونان باستان، رنگ زرد نشان دهنده حالات زنانه بود و پوشیدن لباس زرد را برای مردان غیر قابل قبول می دانستند، آنها الهه ها و دوشیزگان را با پیراهن زرد زعفرانی نقاشی می کردند. در چین باستان برای نشان دادن امپراطور به عنوان قدرت برتر از رنگ زرد استفاده می کردند. در آن زمان، تنها امپراطور حق داشت لباس زرد بپوشد و اگر کسی جرات می کرد لباس زرد بپوشد باید انتظار مرگ سختی را می کشید. اما در فرانسه قرون وسطی به آدم های ترسو و نامرد لقب زرد می دادند، در دوره انقلاب کبیر، درهای خانه های مردمی را که تصور می شد به دولت جدید خیانت کرده اند با رنگ زرد آمیزی می کردند. در قدیم رنگ زرد برای نشان دادن کسانی بود که علیه کلیسای کاتولیک حرف می زدند و به کفرگویی می پرداختند که محکوم می شدند در هیزم سوزانده شوند، لباس زرد می پوشانند. هم چنین در قرون وسطی، یهودیان را مجبور می کردند که لباس زرد بپوشند. نازی های آلمان نیز یهودیان را مجبور می کردند که به لباس خود ستاره زرد بدوزند.

سبز: رنگ سبز به خاطر آرام بخش بودنش به عنوان رنگ ایمنی و سلامت در جهان معرفی شده است. برای نشان دادن علائم فیزیکی بی خطر از این رنگ استفاده می شود. در قرون وسطی رنگ سبز نشانه زندگی جدید و رشد بود، به

اما همین رنگ در ترکیه نشانه مرگ است. در ژاپن، رنگ قرمز نماد از خودگذشتگی است و یک رنگ فراگیر و همه جا حاضر است. در مصر باستان، خدایی که آسمان را از زمین جدا کرد (شو Shu)، قرمز بود. سنگ های قرمز در معالجه بیماری ها و محافظت از آتش و رعد و برق استفاده می شدند و جوان ها با موهای قرمز، برای اطمینان از برداشت خوب محصولات، قربانی می شدند. همچنین در نیجریه این رنگ فقط توسط رؤسای قبایل پوشیده می شود، اما در غنا تنها به هنگام سوگواری قرمز می پوشند.

سفید: رنگ سفید، در کشورهای غربی رنگ تولد است و هم چنین نمایان گر وقایع شیرین زندگی است که به صورت جشن ظاهر می شود. در حالی که در چین نشانه عزاداری است. در مصر باستان، سفید نماد «اوسیریس» (Orisis)، خدای مرگ و پاکی بوده است. همچنین در نزد بسیاری از فرهنگ ها سفید نشانه تقوا، بی گناهی، تازگی، صلح، پاکی، کمال، معنویت و سادگی است. ایرانیان باستان عقیده داشتند که فرشتگان لباس سفید بر تن دارند. از این رو این رنگ مورد علاقه ایرانیان است. رنگ سفید برای هندوها رنگ عزای سوگواری است. در چین رنگ سفید به معنی مرگ است. در برزیل این رنگ نشانه جلال و شکوه است. در آمریکا هم رنگ سفید نشانه پاکی و خلوص است. آبی: آبی، رنگ مورد علاقه بسیاری از مردم و محبوب ترین رنگ در بین مردان است. رنگ آبی، احساس آرامش را به ذهن می آورد و معمولا نشان گر صلح، امنیت و نظم است. در آمریکا رنگ آبی محبوبیت زیادی دارد و نشانه صداقت و امانت است. از این رو در نماد همه بانک های آمریکا از رنگ آبی استفاده می شود. در چین رنگ آبی نشانه ابدیت است. برای یهودی ها این رنگ مقدس است. در کشور های عربی رنگ آبی به معنی ایمنی و محافظت است. در کلمبیا رنگ بیشتر صابون ها آبی است. در کشورهای مسیحی رنگ آبی مفهوم صلح و بهشت را همراه دارد. در هنگ کنگ رنگ آبی مورد علاقه مردم نیست. همچنین از نظر آمریکایی ها رنگ آبی، رنگ مردانه است در حالی که در بریتانیا و فرانسه بیشتر رنگ قرمز رنگ مردانه به شمار می رود. در آمریکا رنگ صورتی رنگ زنانه است در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر رنگ زرد زنانه است. در مصر باستان نیز خدای زندگی و تولید مثل، آبی بود. در

غربی این بیماری بیشتر در سنین بالای ۵۰ سال دیده می شود ولی در کشور ما بیماران جوان تر هستند و در بسیاری از موارد به علت عدم آگاهی از علائم بیماری در مراحل پیشرفته تری مراجعه می کنند. هر چقدر سرطان پستان زودتر تشخیص داده شود، درمان آن آسان تر و موفقیت آمیز تر است. به همین دلیل لازم است بانوان جهت حفظ سلامت خود، حقایق را در مورد این بیماری بدانند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

نشانه روز قیامت است. در حالی که در برخی از مناطق اندونزی این رنگ، رنگ منفی به حساب می آید. در ژاپن رنگ سبز معرف تکنولوژی بالاست، در حالی که در آمریکا تجهیزات الکترونیکی سبز رنگ مردم را فراری می دهد. مشکلی: رنگ سیاه نشانه غم و اندوه، ترس، رازداری و مبهم بودن است. در اکثر جوامع غربی و اسلامی اگرچه رنگ سیاه یادآور مرگ، عزای و خاکسپاری است اما این رنگ، رنگ جهانی برای عزاداری نیست. در برخی از کشورهای آسیایی رنگ عزای، رنگ سفید است. در برزیل رنگ بنفش و در مکزیک رنگ زرد و در ساحل عاج رنگ قرمز تیره رنگ عزای هستند. همچنین رنگ سیاه با تاریکی و ترس از ناشناخته ها ارتباط دارد و نیروهای مافوق طبیعی یا جادویی را به خاطر می آورد. در دنیای مد، رنگ سیاه نشانه شیک پوشی، جذابیت و زیبایی است. در بریتانیا به عضوی از خانواده که باعث تنگ و رسوایی خانواده می شد «گوسفند سیاه خانواده» می نامند. در فرهنگ های غربی رنگ سیاه اغلب نشانه قدرت بسیار زیاد و پر رمز و راز بودن است.

ادامه مطلب علائم و راه‌های... از صفحه ۴۹

از سرطان پستان معمولاً خون واضح و یا خونابه ای یا در برخی از موارد بی رنگ می باشد. ترشح خونی یا آبی که خودبخودی بوده و از یک پستان و از یک مجرا خارج شود، یا همراه با غده ای در پستان باشد، شک به سرطان را افزایش می دهد.

تغییرات پوست پستان: این تغییرات به صورت فرورفتگی و یا کشیدگی پوست پستان بروز می کنند. فرورفتگی پوست پستان ممکن است بطور ثابت و مشخص وجود داشته باشد و یا در حالات خاصی از معاینه پستان دیده شود. کشیدگی پوست، اگر چه علامتی مهم است ولی یافته قطعی دال بر سرطان نیست و گاهی به دنبال بیماری های خوش خیم پستان نیز دیده می شود.

تغییرات نوک پستان: در بعضی افراد فرورفتگی نوک پستان ممکن است بعد از شیردهی یا پس از دوران بلوغ ایجاد شود که معمولاً به طور خود به خودی و یا با دستکاری خود فرد به حالت اول برمی گردد. در حالیکه در سرطان، این فرورفتگی حالت ثابت دارد و با معاینه دقیق پستان ممکن است وجود غده ای در زیر نوک و هاله پستان مشخص شود. قرمزی و خارش نوک پستان همراه با پوسته پوسته شدن و ترک خوردن آن، می تواند علامت نوعی از سرطان پستان به نام پازه باشد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

زلزله‌زدگان شتافتند. اما زمانی که انسان ها با کنش خود بر مبنای بخشش و همبستگی دوران جدیدی را آغاز می کنند و دوباره متولد می شوند، لازم است که با عهد و پیمان میان خود این مکانیزم و واکنش طبیعی را در فرایندهای بعدی که قطعاً نامتعیین هستند و ممکن است شرایط بحرانی جدیدی را رقم بزنند، زنده نگاه داشته و حفظ کنند. در واقع بخشش و عهد و پیمان پیش شرطهای حفظ موقعیت‌های طبیعی انسانی هستند.

به قول هانا آرنست قدرت انسان در بستن پیمان و عهد با یکدیگر در این اقیانوس چند گونه و در عین حال نامتعیین، می تواند جزایر کوچک انسانی قومی و اجتماعی را در پیوندی مطمئن و قابل اطمینان قرار دهد. فرزند نوریسیده این همبستگی که از این طریق حاصل می شود همان اعتماد و احساس اطمینانی است که به انسان در چنین شرایطی دست می دهد و موجب امیدواری به آینده جامعه خود می گردد.

دلیل ابتلا به سرطان سینه چیست؟
مهمترین عواملی که باعث افزایش خطر ابتلا به سرطان پستان می شوند عبارتند از:
♦ سابقه فامیلی ابتلا به سرطان پستان، بخصوص در مادر، خواهر یا دختر ♦ سابقه سرطان پستان در خود فرد ♦ سن اولین زایمان بیشتر از ۳۵ سال ♦ نازایی ♦ بلوغ زودرس ♦ یائسگی دیررس ♦ چاقی پس از یائسگی ♦ مصرف زیاد چربی حیوانی در رژیم غذایی ♦ سابقه تابش اشعه زیاد به قفسه سینه ♦ برخی از بیماری های خوش خیم پستان البته باید تاکید کرد که وجود یک یا تمام این شرایط در هر فرد به معنای ابتلای قطعی وی به این بیماری نیست و این عوامل صرفاً احتمال ابتلا را افزایش می دهند.

علائم و نشانه های سرطان سینه چیست؟

توده یا تومور پستان: توده های مشکوک به سرطان در لمس به صورت سفت یا سخت، گاه غیرمتحرک و با چسبندگی به اطراف لمس می شوند. همان گونه که قبلاً گفته شد، اغلب این توده ها منفرد و بدون درد هستند. باید توجه داشت که قضاوت در مورد خوش خیم یا بدخیم بودن توده، به عهده پزشک معالج بوده و پس از بررسی های دقیق مقذور خواهد بود.

ترشح از نوک پستان: ترشحات پستان می توانند به رنگ های مختلف مشاهده شوند (سفید، قهوه ای، آبی، خاکستری، قرمز، سبز و یا بدون رنگ). ترشح ناشی

شیرازه های اجتماعی و پیوندهای انسانی و فرهنگی بین اقوام و مذاهب مختلف ساکن در سرزمین ایران اشارات فراوانی می شوند. برای مثال شادی و پایکوبی کردهای ایران پس از رفراندوم اقلیم کردستان عراق بسیاری را خوش نیامد و این شادی‌ها نشانه‌ای از روحیه و انگیزه جدایی طلبی و تجزیه مناطق کرد نشین دانسته شدند، و نمونه‌ای از خلف وعده تاریخی برای حفظ تمامیت ارضی و اتحاد اقوام مختلف ساکن این سرزمین زیر پرچم یک ایران متحد و یکپارچه معرفی گردیدند.

در حقیقت حمایت‌های گسترده مردم از زلزله‌زدگان و به‌کارگیری ابتکارهای جدید و مستقل از نهادهای دولتی و مذهبی صرفاً نشان دهنده بی‌اعتمادی مردم نسبت به این نهادها نیست، بلکه در واقع در درجه نخست مردم ما با این کار بار دیگر با هم تجدید عهد کردند و با بخشش گذشته‌ها و نادیده گرفتن اختلافات، تکثرها و حتی فراموش کردن بی‌اعتمادی‌های بین خود، مجدداً همبسته شدند و به یاری

ادامه مطلب ملتی که نشان... از صفحه ۲

یک واقعیت مطلق و غیر قابل تردید رقم می‌زند و می‌نویسد که «نه انسان بلکه این انسان‌ها هستند که در این جهان زندگی می‌کنند»؛ و بنابراین نباید با تاکید صرف و مطلق بر حقوق فردی، حقوق جمعی انسان‌ها را به فراموشی سپرد.

از همین زوایه ورود است که چندگانگی و چندرنگی انسان‌ها برای هانا آرنست یک اصل مهم سیاسی می‌شود و نظرگاه‌های سیاسی او را رقم می‌زند و بر آن تاکید فراوان می‌کند. از نظر او زمانی که انسان وارد کنش و واکنش با انسان‌ها می‌شود و به‌ویژه هنگامی که با وجود تفاوت‌های اولیه‌اش با دیگران، خود را در موقعیت برابر با انسان‌ها قرار می‌دهد، در واقع نه تنها دوباره متولد شده است بلکه دو بار متولد شده است؛ یک تولد مجدد فردی و دیگری، به‌همراه خود جامعه را به سوی تولدی دیگر رهنمون شده است. وی این فرایند و تحول را جزئی اجتناب‌ناپذیر و در حقیقت این همانی و خود موقعیت انسانی که بر پایه چندگانگی شکل گرفته است، می‌نامد. موقعیت‌های انسانی که به هیچ وجه قابل پیش‌بینی نیستند؛ همانطور که در واقعه زلزله استان کرمانشاه خود را نشان داد و بار دیگر بر طبیعت انسان و سرنوشت‌های وابسته به یکدیگر و همبستگی در عین تکثر انگشت تاکید گذاشت.

اما با توجه به اینکه موقعیت‌های خاص انسانی و اجتماعی قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی نیستند، وی برای تداوم و پایداری این موقعیت طبیعی انسانی و همبستگی در عین تکثر، بر دو پیش شرط مهم تاکید می‌ورزد، قدرت بخشش و قدرت وعده. دو پیش شرطی که اموری خارج از وجود انسان نبوده و جزئی از استعدادهای او می‌باشند. برای مثال وی تنها راه عبور از فجایع جنگ جهانی دوم بویژه قتل عام یهودیان و پشت سر گذاشتن این واقعه خونبار را بخشش و قول و تعهد بر عدم تکرار آن می‌داند. بدون بخشیدن خود و دیگران این واقعه و جنایت‌های جنگ دوم ما را همواره تعقیب خواهند کرد و بمانند شمشیر داموکلس بالای سرمان باقی می‌ماند.

در واقع امر «بخشش و وعده و تعهد بر تداوم این بخشش» اجزائی ضروری از کنش‌های انسانی هستند، که بویژه نیاز به آنها در شرایط بحرانی بیشتر احساس می‌شود. در تحلیل شرایط اجتماعی و بویژه روحی ایرانیان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بر وجود عنصر بی‌اعتمادی، حتی در بین مردم، و از هم گسیخته شدن

از نظر هانا آرنست این تولد جدید، که ممکن است در طول زندگی انسان و حیات یک جامعه چندین بار تکرار شود، یکی از اصول اولیه موقعیت طبیعی انسانی است. در حقیقت زمانی که یک انسان متولد شده و پا به عرصه حیات می‌گذارد، یک چستی واحد و مستثنی از دیگر انسانها را به نمایش می‌گذارد. این چستی اگرچه در ابتدای امر در نژاد، رنگ پوست، وضعیت فیزیکی و جنسیت ما خلاصه می‌شود و بر اساس آن هر کودک تازه متولد شده از دیگر متولدین متمایز می‌گردد، اما قطعاً در طول حیات انسان ثابت نمی‌ماند و ممکن است از اساس متحول و دگرگون شود.

انسان به‌واسطه ویژگی های خاص عقلی و هوشی و با استفاده از قدرت و استعداد شناخت و تطبیق خود با شرایط جدید، هر بار می‌تواند شناسنامه خود را بازنویسی کند و هویت جدیدی را به نمایش بگذارد، به عبارت دیگر دوباره متولد شود. فرایندی که خود را معمولاً در شرایط خاص و بحرانی که انسان را وا می‌دارد که خارج از کادر فعالیت‌های روزمره دست به کنش و واکنش جدید زده و خلاقیت از خود نشان دهد، بطور آشکاری نمایان می‌سازند. مانند آنچه که مردم ایران در واکنش به زلزله استان کرمانشاه از خود نشان دادند و به سخن دیگر تولدی دیگر و شروع دوباره‌ای را به نمایش گذاشتند. با منطقی که هانا آرنست در مباحث خود پیرامون موقعیت‌های انسانی بکار می‌برد می‌توان در حقیقت گفت که مردم ایران را صرفاً نمی‌توان مجموعه‌هایی مجزا و مستثنی از یکدیگر اقوام و زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف که در یک سرزمین زندگی می‌کنند به شمار آورد؛ مانند کودکان تازه متولد شده که صرفاً با ظاهر و مشخصات فیزیکی و یا حداکثر نژادی و جنسیتی قابل تشخیص هستند. همانطور که یک انسان در طول زندگی خود می‌تواند بارها تولد دوباره داشته باشد و زندگی را از نو آغاز کند، جوامع بشری نیز می‌توانند در طول حیات اجتماعی خود بارها متولد شوند و زندگی اجتماعی جدید و مناسبات نوینی را شکل دهند.

هانا آرنست این تولدهای پی در پی را نمادهایی از موقعیت‌های طبیعی انسانی می‌نامد. موقعیت‌هایی که صرفاً شرطی و عارضی نیستند، بلکه جزو ذات و جوهر طبیعت انسان می‌باشند. وی معتقد است که این موقعیت انسانی را در درجه اول چندگانگی (plurality) انسان به عنوان

ادامه مطلب تزار متولد می شود... از صفحه ۹

زمان بودن در قدرت اشتباهی اندکی برای سرکوب سخت دارد. اما پیشینه روسیه از رنج‌های وحشتناک نشان می‌دهد اگرچه دودل بودن از وجهه قانونی حاکم می‌کاهد، اما سرکوب جمعی می‌تواند حداقل برای مدتی آن را تقویت کند. مردم روسیه همچنان گاهی باید بترسند.

فرزند روسیه مادر

درس دیگر مربوط به جانشینی است. انقلاب اکتبر شدیدترین مورد اخیر از قدرت در روسیه است که در زمان دشواری از یک حاکم به حاکم دیگر رسیده است. پوتین نمی‌تواند با استفاده از اصل و نسب یا تجهیزات حزب کمونیست ترتیب جانشینی خود را بدهد. او احتمالاً یک جانشین تعیین می‌کند. اما به فردی نیاز دارد که برای کنترل شدن به اندازه کافی ضعیف و برای کنار زدن رقبا به اندازه کافی قوی باشد که البته ترکیبی نامحتمل است.

او احتمالاً تلاش می‌کند به قدرت دست آویزد، مانند دنگ شیائوپینگ که در پشت پرده به عنوان رئیس انجمن پل چین این‌گونه کرد و آقای شی ممکن است پس از کنگره حزب کمونیست از تعیین جانشین آشکارا اجتناب ورزد. اما حتی اگر آقای پوتین به استاد قهرمان در فدراسیون جودو روسیه تبدیل شود، تنها لحظه سرنوشت‌ساز را به تأخیر می‌اندازد. بدون داشتن سازوکار دموکراسی واقعی برای مشروعیت بخشیدن به فردی جدید، حاکم بعدی احتمالاً از میانه کشمکش بر سر قدرت سر بر می‌آورد، کشمکش که می‌تواند روسیه را از هم بپاشد. در کشوری با داشتن سلاح‌های هسته‌ای، این مورد هشداردهنده است.

هم‌اکنون هرچه پوتین قدرتمندتر شود، تعیین جانشینی‌اش دشوارتر می‌شود. همزمان با تلاش جهان برای ادامه دادن با این تناقض، باید به خاطر داشت که هیچ چیزی قطعی و غیرقابل‌تغییر نیست. یک قرن پیش انقلاب بولشویک تأییدی بر جبرگرایی مارکس بود. اما ثابت شد که هیچ چیز قطعی نیست و اینکه تاریخ طنز غم‌انگیز خود را دارد.

ادامه مطلب شاهزاده با نفوذ... از صفحه ۳۹

باعث توزیع ثروت در سطح جامعه شود. ولیعهد عربستان سعودی اخیراً گفته بود که به افرادی که به اتهام فساد بازداشت شده بودند پیشنهاد شد که یا جریمه نقدی بپردازند و آزاد شوند یا اینکه پرونده آنان علنی خواهد شد. وی گفته که تقریباً تمامی این افراد مصالحه را پذیرفتند.

پاسخ آقای پوتین محول کردن اقتصاد به تکنوکرات‌های لیبرال و سیاست به افسران سابق کاگب بود. به ناچار، سیاست بر اقتصاد چیره شده و روسیه بهای آن را می‌پردازد. با وجود این اقتصاد که در زمان تحریم‌ها و پایین آمدن ارزش روبل به خوبی مدیریت شده همچنان به منابع طبیعی شادیدا وابسته است. اقتصاد این کشور می‌تواند رشد سالانه GDP را تنها در حدود دو درصد مدیریت کند، که با سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بسیار تفاوت دارد، و به میزان ۵ تا ۱۰ درصدی ناشی از منابع نفت رسیده است. در بلند مدت، این امر جاه‌طلبی‌های روسیه را فرو می‌نشانند.

پوتین مانند یک تزار از طریق سرکوب و فشار نظامی قدرت خود را تحکیم کرده است. او در داخل کشور و به نام ثبات، سنت و مذهب ارتدوکس، مخالفت سیاسی و آزادیخواهان اجتماعی، از جمله طرفداران حقوق زنان، سازمان‌های مردم‌نهاد و همجنسگرایان را سرکوب کرده است. در خارج از کشور، الحاق کریمه و مبارزه در سوریه و اوکراین از طریق رسانه‌های طرفدار پیروزی با طمطراق اعلام می‌شود. هرچقدر هم که این اخبار توجیه شود، خشم غرب از اقدامات او برای مردم روسیه نشان داد چگونه آقای پوتین بار دیگر قدرت کشورشان را پس از تحقیر شدن‌های دهه ۹۰ احیا کرد.

این تزار پست مدرن برای جهان چه معنایی دارد؟ یک درس مربوط به تهدید روسیه است. از زمان مداخله در اوکراین، غرب از مداخله‌گرایی روسیه در مکان‌های دیگر، به ویژه در کشورهای حوزه بالتیک بیمناک است. اما آقای پوتین تاب شمار زیاد تلفات را بدون از دست دادن وجهه قانونی خود ندارد، اتفاقی که برای نیکلاس دوم در جنگ روسیه با ژاپن در سال ۱۹۰۵-۱۹۰۴ و نیز در جنگ جهانی اول رخ داد. اما تزار کنونی تاریخ می‌داند و احتمال دارد در خارج از کشور فرصت‌طلب باشد و به جای دست زدن به مقابله واقعی به جنگیدن با حریف خیالی بپردازد. وضعیت او در داخل کشور متفاوت است. پوتین نشان داده در

ولیعهد جدید عربستان که مورد حمایت پدر ۸۱ ساله اش ملک سلمان است این دیدگاه را بی‌پرده عیان کرده که فکر می‌کند کشور نیازمند اصلاحات است و توجه خود را به متمول‌ترین افراد جامعه عربستان معطوف کرده است.

بسیاری از مردم عادی از مبارزه ولیعهد با فساد استقبال کرده اند به این امید که

ادامه مطلب قالی بافی در... از صفحه ۴۱

و از آنجایی که هر گره دو نخ از تارهای فرش را در بر می‌گیرد پس می‌توان گفت فرش ۷۰/۳۵ به معنی ۳۵ در ۳۵ گره در ۴۹ سانتی متر مربع و فرش ۸۰/۴۰ به معنی ۴۰ در ۴۰ گره در ۴۹ سانتی متر مربع خواهد بود. بر اساس این طبقه بندی تعداد گره های گروه های چهارگانه در هر دسی مترمربع تقریباً به قرار زیر خواهد بود.

گروه اول ۷۰/۵ تعداد گره ۲۵۰۰۰ ، گروه دوم ۸۰ تعداد گره ۳۲۶۰ ، گروه سوم ۹۰ تعداد گره ۴۱۳۰ ، گروه چهارم ۱۰۰/۵۰ تعداد گره ۵۱۰۰

آب منطقه کرمان دارای خواص شیمیایی خاص و مناسبی برای استفاده در رنگرزی است و نتیجه کار رنگرزان با استفاده از این آب درخشان است. رنگ های به کار رفته در قالی های کرمان بسیار متنوع بوده و تعداد آنها در هر فرش رقیمی بین ۱۵ تا ۳۰ رنگ بیشتر در زمینه های لاک، آبی سرمه ای، سبز روشن، فیروزه ای، صورتی، نارنجی، بژ و سایر رنگ های کلاسیک است. اکثر این رنگ ها تا گذشته نه چندان دور در کارگاه های رنگرزی برای مصارف شال بافی و قالی بافی به کار می رفت، از سری رنگ های طبیعی بود. ولی در سال های بعد از جنگ جهانی دوم مقداری رنگ های جوهری به کارگاه های رنگرزی آن راه یافت. با وجود این به طور کلی می توان گفت جز در موارد معدود، پشم های مصرفی در قالی بافی کرمان همواره با رنگ های طبیعی و رنگ های شیمیایی با ثبات رنگ می شوند.

ادامه مطلب حاجی آقا... از صفحه ۴۷

بود. در محوطه تنگی که میان دو گاو صندوق احداث شده بود، حاجی آقا ایستاد و حجه الشریعه هم دست به سینه جلو او منتظر فرمان بود. قیافه حاجی خسته به نظر می‌آمد، مثل این که با خودش حرف می‌زد: این مرتیکه منادی الحق فکرم را خراب کرد، اوف، اوف، تا حالا کسی به من این جور پرخاش نکرده بود. بیابید روی خوش به مردم نشان بدید، پیزی شان را هم جا بگذارید، آن وقت دو قورت و نیمشان هم باقی است!

بعد روی چارپایه ای که در آن نزدیکی بود، نشست. حجه الشریعه هم روی یکی از گاو صندوق ها نشست و تکیه به بازویش کرد. *ادامه در...*

فرش های کرمان دوپوده و گاه سه پوده بوده و با گره های فارسی بافته می شوند. رواج گره های جفتی و بدتر از آن بی گره بافی (کمانشی) کار دختران خردسال بافنده در فرش های جدید بافت کرمان و بی سلیقه‌گی برخی از بافنده هایی که فرش های کم دوام با حاشیه های کج و کوله و موج دار و شیرازه های زشت به بازار می فرستند باعث عقب افتادگی فرش خوش سابقه کرمان در بازارهای جهانی شده است. امروزه کشور چین با تقلید استادانه ای از نقشه های قدیمی و جالب کرمان و همچنین نائین، فرش هایی با بافت بسیار شسته و رفته با پشم های مرغوب و رنگ های درخشان شاید با استفاده از تکنیک های کامپیوتری به بازارهای غرب می فرستد که تهدیدی بسیار جدی برای تجارت و آینده فرش کرمان است. تجارت این نوع فرش در ابتدا آن چنان پر در آمد بود که یکی از تجار کلیمی ایتالیا بر آن نام برکانا (Berkana) را که در زبان عبری به گونه ای معنی برکت خدا را می دهد، گذاشت.

از نظر کیفیت و ظرافت بافت، غیر از فرش های سفارشی در کرمان چهار نوع فرش بافته می شود که آنها را با شماره های دو تایی ۷۰/۳۵ ، ۸۰/۴۰ ، ۹۰/۴۵ و ۱۰۰/۵۰ در بازار می شناسند. تفسیر این شماره های دو گانه چنین است که ارقام ۷۰ ، ۸۰ ، ۹۰ و ۱۰۰ نماینده تعداد تارهای فرش در ۷ سانتی متر عرض و رقم های ۳۵ ، ۴۰ ، ۴۵ ، ۵۰ معرف تعداد ردیف های گره در ۷ سانتی متر طول فرش است

زنی که بچه کوچکی را لب چاهک سر پا می‌گرفت و دیگری که رخت می‌شست، با گوشه چادر نماز روی خودشان را گرفتند. همه خاموش شدند. حجه الشریعه باز سرفه کرد. حاجی آقا به طرف چپ پیچید، از دو پله بالا رفت.

در اتاقی را باز کرد که تا سقف آن قالی روی هم چیده بودند و بوی نفتالین تند در هوا موج می‌زد. یک دستگاه تلفون دم در به دیوار بود. سر بخاری کارت پستال های زنهای لخت و باسمه ای عیسی و مریم دیده میشد و یک دعای پنج تن هم آن بالا به دیوار بود. طرف دیگر تصدیق شش ابتدایی کیومرث که قاب گرفته بودند، در درگاه آویزان

دنیا آفتدر وسیع است که برای همه مخلوقات جا هست. به جای آن که جای کسی را بگیری، تلاش کنی جای واقعی خودتان را بیابی. چارلی چاپلین

ادامه مطلب عادت ماهانه... از صفحه ۴۷

۹۱ در اردیبهشت ۱۴۱۱ ازدواج زیر ده سال ثبت شده که این آمار به این معنا است که هر روز چهار دختر با اجازه ولی خود و قضات اردیبهشت مجبور به ازدواج می‌شوند.» طاهره می‌گوید: «شاید به خاطر غیرت زیاد ترک‌ها باشد که دخترها را زودتر می‌فرستند خانه شوهر» اما موسوی معتقد است فقر، مذهب و رسومات عوامل اصلی ازدواج کودکان است: «بعضی خانواده‌های سنتی و مذهبی فکر می‌کنند تا دامن فرزندشان به گناه آلوده نشده باید تشکیل زندگی دهد که معمولا دختران سیزده تا هجده ساله را شوهر می‌دهند. برخی هم به خاطر فقر زیاد و کم کردن نان خور این کار را می‌کنند که بسیاری از ازدواج‌های زیر ده سال به این دلیل است. البته فرهنگ و رسم برخی روستاها و ناف بریدن و اسم نوشتن به نام هم از بدو تولد هم یکی از دلایل دیگر است که این روزها کمتر شده.»

طاهره تا زمانی که به خانه شوهر رفته هیچ چیز از زندگی زناشویی نمی‌دانسته، او می‌گوید: «یک هفته تمام از دست شوهرم فرار می‌کردم. مادرم می‌گفت آبرویمان را بردی. اما هیچکس به من چیزی نگفته بود و من واقعا ترسیده بودم.»

او از زندگی‌اش ناراضی نیست، می‌گوید: «ولی وقتی بچه‌های ده یازده ساله را می‌بینم که مدرسه می‌روند و چقدر وسیله بازی دارند و هیچ مسئولیتی ندارند، حسرت می‌خورم.»

حالا خودش دو دختر هفت ساله و پنج ساله و یک پسر چند ماهه دارد و می‌گوید: «هر وقت خودش بخواهند شوهرشان می‌دهم. اول باید درس بخوانند اما خیلی هم دیر نشود. به قول مادرم هر مادری آرزوی دیدن دخترش در لباس عروس را دارد.»

نداشتن به تنها ماندن با شخصی خاص، ترس از تیپ‌های مشخص مانند مردهای سپیل‌دار و ایجاد آتش‌سوزی و خشونت نسبت به حیوانات است که دو مورد آخر بیشتر در پسرچه‌ها مشهود است. نشانه‌های بارز آزار دیدگی جنسی در سنین بین دوازده تا هفده سالگی گاهی به صورت اختلال در تغذیه بروز می‌کند که شکل حاد آن می‌تواند به صورت اختلال آتارکسیا و بولیمیا باشد. فرار از خانه، مصرف مواد مخدر، افسردگی و کناره‌گیری اجتماعی و اقدام به خودکشی هم می‌تواند از نشانه‌های دیگر در افراد آزار دیده در این دوره سنی باشد.

هیچ چیز در دنیا اتفاقی نیست. ابن سینا

ادامه مطلب مبارزه با فساد... از صفحه ۴۲

اثر فساد بر زنان

مانند نیروهای امنیتی و پلیس و نظام قضایی بر زنان اثرات منفی می‌گذارد. وجود فساد در این نظام‌های امنیتی و قانونی، امکان نفوذ شبکه‌های قاچاق انسان یا سوء استفاده مردان برای اعمال خشونت خانگی یا خشونت در محل کار را بیشتر می‌کند و زنان به دلیل وجود این فساد، امکان و جرات رجوع به این مراجع را ندارند و متخلفان هم با استفاده از این فساد از مجازات در امان می‌مانند (مثلا با پرداخت رشوه). در مواردی حتی پلیس و نهاد حمایتی خود به دلیل فساد، زنان را مورد خشونت قرار می‌دهد.

نکته دیگر "تحدید دسترسی به منابع" است. فساد دسترسی زنان را به منابع و خدمات تحت تاثیر قرار می‌دهد. هرچند همه افراد جامعه از فساد در سیستم آسیب می‌بینند اما وضعیت زنان بدتر است. مثلا در جامعه‌ای که رشوه رایج است، زنان به دلیل فقر و دسترسی نداشتن به پول و سرمایه، عملا امکان بهره‌مندی از خدماتی را که با رشوه به دست می‌آید، به طور کامل از دست می‌دهند. این خدمات مثلا ممکن است امکانات تحصیلی باشد که محروم شدن از آن زنان را در چرخه تازه‌ای از خشونت و تبعیض قرار می‌دهد.

نگاهی به سیر پژوهش‌ها در زمینه رابطه فساد و جنسیت یک نتیجه نسبتا مشخص دارد: برای کاهش فساد در یک جامعه، قطعا باید برای برابری جنسیتی کوشید؛ چون تنها در سایه برابری جنسیتی است که یک جامعه دموکراتیک به وجود می‌آید و دموکراتیک بودن جامعه شاید تنها مجرای شناخته شده‌ای است که از طریق آن می‌توان با فساد مبارزه کرد.

ادامه مطلب آزار جنسی خانگی... از صفحه ۴۵

مشکل در بلع، درد دست و پا و تنگی نفس) همراه با اختلال تجزیه‌ای که مرکب از گروهی از سندرم‌هاست که با تغییرات موقتی و ناگهانی در اعمال قاعدا متناوب هشیاری، هویتی یا حرکتی مشخص می‌شود، در کسانی که مورد تجاوز خانوادگی قرار گرفته‌اند بسیار شایع است.»

بر اساس گفته‌های گلناز، نشانه‌های آزار دیدگی تا سطح تجاوز جنسی در سه مرحله متفاوت بروز می‌کند و علائم فیزیکی جدی فقط در شرایطی است که آزار منجر به آسیب فیزیکی در اندام‌های تناسلی یا مقعد و اندام دهانی شده باشد: «اختلال‌های رفتاری که بعضی از آنها به

نکته جالب دیگر در زمینه رابطه فساد و جنسیت، اثری است که فساد بر جنسیت‌های مختلف می‌گذارد. در واقع مهمتر از این که زنان توانایی فساد کردن را دارند یا نه، این است که نظام نابرابری که از فساد اداری ناشی می‌شود، در عمل با محدود کردن توانایی‌های زنان و اختلال در مسیر پیشرفت به سمت برابری جنسیتی، توانایی‌های آنها را برای پیگیری حقوق شان کاهش می‌دهد.

بر این اساس، انواع تبعیض‌های جنسی در زمره فساد قرار می‌گیرد که زنان به شکل خاص و غیر منصفانه‌ای آن را تجربه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اثرات فساد بر زنان، تاثیر آن در وضع اقتصادی آنهاست. وجود فساد، زنان را از نظر اقتصادی و مالی ضعیف می‌کند. به عنوان مثال زنان در آفریقا یا آسیا، بنابر سنت‌های فرهنگی حق مالکیت بر اموال را ندارند و به سرمایه هم دسترسی ندارند. در چنین شرایطی اگر در برنامه‌های حمایتی مالی دولت برای توانمندسازی اقتصادی زنان، فساد وجود داشته باشد، زنان عملا از دسترسی به این حمایت‌ها محروم می‌مانند.

همچنین وجود فساد، در سیستم سیاسی باعث می‌شود که زنان برای مشارکت سیاسی با محدودیت‌های بیشتری هم مواجه شوند. در شرایطی که روابط و رشوه و خرید و فروش رای و غیره، سرنوشت سیاسی افراد را مشخص می‌کند، زنان چون توان انجام این رقابت‌ها را ندارند، امکان مشارکت سیاسی خود را از دست می‌دهند. هم‌چنین در زمینه حقوق زنان، وجود فساد در ساختارهای اجتماعی و قانونی

گلناز ملک می‌گوید براساس نتایج تحقیقات کارشناسان، شایع‌ترین تاثیرات کوتاه مدت تجاوز خانگی ترس و اضطراب، اختلال استرس پس از حادثه، اختلال در خواب و تغذیه، انزوا و کاهش اعتماد به نفس است.

او به این نکته اشاره می‌کند که یک سوم کسانی که تجربه آزار جنسی دارند هیچ اختلال کوتاه مدتی از خودشان بروز نمی‌دهند: «تجربه تجاوز جنسی در یک سوم موارد هیچ نشانه کوتاه مدتی از خودش بروز نمی‌دهد اما بروز عوارض بلند مدتی مانند اختلال‌های اضطرابی، اختلال دوقطبی، اختلال شخصیت مرزی، اختلال جسمانی (تهوع مزمن،

ادامه مطلب **علائم و راه های... از صفحه ۵۰**

از عدم وجود توده و سلامت پستان مطمئن شد. گاهی هم تومورهای خوش خیم و نیز ضربه به پستان، خونریزی و یا التهاب ناشی از تجمع شیر در پستان (به ویژه در خانم های باردار و شیرده) و کیست های بزرگ، باعث این عدم تقارن می شوند که با معاینه و استفاده از روش های تشخیصی، می توان نوع آنها را تعیین نمود.

با وجود آنکه نمی توان از ایجاد سرطان پستان جلوگیری کرد ولی با تشخیص زودرس و به موقع آن، شانس بیشتری برای درمان موفقیت آمیز این بیماری وجود دارد.

سه روش شناخته شده برای تشخیص زودرس سرطان سینه وجود دارد که عبارتند از:

♦ خودآزمایی پستان ♦ معاینه پستان توسط پزشک ♦ ماموگرافی ♦ خودآزمایی پستان

تعداد زیادی به خواست خودشان به خاطر تعلقات فکری یا پیشینه خانوادگی به احزاب می پیوندند اما کودکان دیگری هم هستند که به دلایل مختلف، از جمله خشونت های خانوادگی به گروه های فعال گرد پناه می برند.

در خصوص استفاده از کودکان در منازعات مسلحانه، اسناد بین المللی بسیاری منتشر و امضا شده است که این ممنوعیت را گوشزد می کند. سازمان «یونسف» سال ۲۰۱۴ در بیانیه ای تأکید کرد اجیر کردن کودکان در میدان های جنگ، تجاوز آشکار به حقوق کودکان جهان است. با این حال، این بیانیه ها کمتر مورد توجه دولت ها، از جمله جمهوری اسلامی بوده اند. در جنگ اخیر سوریه کم نبود تصاویر افغان های زیر ۱۸ سالی که در قالب لشکر «فاطمیون»، از ایران به جنگ رفته بودند. در گزارش سال ۲۰۱۳ «سازمان دیده بان حقوق بشر»، برخی از این کودکان گفته بودند که افغان های ۱۲ تا ۱۸ ساله مهاجر ساکن ایران به اجبار به جنگ سوریه فرستاده شده اند؛ روندی که فاش شدن در رسانه ها تغییری در آن ایجاد نکرد.

بزرگی غدد لنفاوی زیر بغل؛ آنچه از اهمیت ویژه ای برخوردار است این موضوع است که بزرگی غدد لنفاوی زیر بغل می تواند به دلیل ضایعات خوش خیم و حتی التهاب ها و ضربه به ناحیه دست و یا پستان باشد. بنابراین اگرچه این علامت بیمار را به سمت بررسی های بیشتر هدایت می کند ولی باید دانست که این حالت از ابتدا نگران کننده نیست.

تغییراندازه پستان: گاهی اوقات به علت بزرگی بیش از حد یک تومور و یا التهاب قابل توجه دور تومورهای کوچکتر، پستان در یک طرف، بطور واضحی بزرگتر از طرف مقابل می شود. البته اندازه دو پستان در افراد سالم نیز کاملاً مشابه نیست ولی بزرگی یک پستان نسبت به طرف دیگر که اخیراً ایجاد شده است، باید مورد توجه قرار گیرد و با انجام معاینه

خلق، ازدواج و سکس ممنوع شده است، کودکانی که به آن ها می پیوندند را آموزش نظامی می دهند.

«کاوه کرمانشاهی»، سخن گوی «شبكة حقوق بشر کردستان» می گوید: «کودکان زیر ۱۸ سال آموزش سیاسی و ایدئولوژیک می بینند. این طور نیست که به دست هر کودکی سلاح بدهند و او را به ماموریت های حزبی بفرستند اما در شرایط جنگی، اتفاق افتاده است که افراد ۱۵ یا ۱۶ ساله هم داوطلب مشارکت در جنگ بوده اند و نه تنها از حضورشان جلوگیری نشده که احتمالاً استقبال هم شده است. متأسفانه مسئولان و فرماندهان احزاب در این موارد کم ترین مسئولیت را قبول می کنند و حاضر به پاسخ گویی نیستند. توجهی هم که عموماً استفاده می شود، قرار داشتن در (شرایط جنگی) است.»

کاوه کرمانشاهی در مورد ترکیب کودکان حاضر در اردوگاه و مقر احزاب می گوید: «آن ها یا کودکان اعضای فعال این احزاب هستند که مشخصاً همراه والدین خود زندگی می کنند یا اگر والدین آنها کشته شده یا در زندان باشند، تحت نظر و حمایت حزب قرار می گیرند. مطمئناً

ادامه مطلب **روزگار گمشده... از صفحه ۳**

را خیس می کردند. همیشه فکر می کردند ممکن است در عملیات های بعدی قرعه به نام آنها بیافتد.»

به گفته این فرمانده نظامی سابق، کودکانی که وارد فاز نظامی شدند، باید هم گام با بزرگسالان آموزش می دیدند. از جمله آموزش های «نیروهای ویژه» یا «تکاور» این بود که باید چندین روز بدون آب و غذا در کوه ها و بیابان ها زندگی می کردند یا باید ۲۶ کیلومتر را با سرعت و مستمر می دویدند که گاه افراد سن بالا را به مرگ می کشاند: «کودکان اگر به درجه پذیرش ایدئولوژی این سازمان می رسیدند، حتماً از توانایی لازم برای مبارزه برخوردار بودند.»

به گفته بسیاری از جدا شده ها از سازمان مجاهدین خلق، در دوران جنگ ایران و عراق، به بهانه خطرناک بودن شرایط در ایران، کودکان اعضای این سازمان به خارج از کشور برده شدند تا هوادارانی که در جغرافیاهای دیگر ساکن بودند، از آنها نگهداری کنند. این کودکان از اوایل دهه ۷۰ به کمپ های مجاهدین در کشورهای مختلف، به ویژه در عراق فراخوانده شدند و تحت آموزش های نظامی و ایدئولوژیک قرار گرفتند. بیشتر آنها رضایت نامه های خانواده را نیز در دست داشتند.

کودکان در این سازمان مانند بزرگسالان مورد شکنجه هم قرار می گرفتند؛ شکنجه هایی که به گفته این فرمانده نظامی، از کابل خوردن در آن وجود داشته است تا استفاده از بی خوابی های مستمر. جبهه های جنگ برای کودکان اما این جا تمام نمی شود. در نقاطی دیگر از ایران، کودکان در گروه های گرد هم کشته می شوند. «محمد بادوزاده»، یکی از همین کودکان بود که در سال ۲۰۱۱ کشته شد. پدر او از سال ۱۳۸۲ در زندان ارومیه زیر حکم اعدام بود که به حبس ابد تغییر کرد. خواهر او اما در اعتراض به حکم اعدام پدرش، خودش را به آتش کشید و جان داد. برادرش هم در درگیری با نیروهای امنیتی در مهلباد کشته شده بود. دایه اش نیز در اثر سرطان می میرد. محمد می ماند و جنگی تمام عیار که از کودکی با آن دست به گریبان شده بود. احزاب کرد معتقدند از کودکان، به ویژه زیر ۱۶ سال، بهره نظامی نمی برند اما یک کارشناس که خواست نامش فاش نشود، شرح داد که «حزب کارگران کردستان» که به «پ.ک.ک» معروف است و در آن هم مثل سازمان مجاهدین

در مقدمه این پروتکل، نام نویسی کودکان زیر ۱۵ سال یا شرکت فعال آنها در جنگ جرم محسوب شده است. ولی نهادهای وابسته به بسیج گفته بودند امضای چنین پروتکلی می تواند برای سازمان بسیج محدودیت ایجاد کند و منشا ایجاد محدودیت های متعدد و اقدامات و فشارهای بین المللی علیه ایران خواهد شد.

هم زمان با سال های جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی با جبهه دیگری هم در جنگ بود؛ «سازمان مجاهدین خلق» که هیچ وقت عضویت و مبارزه هم گام با آن، معیار سن ملاک نبوده است. بسیاری از دختران و پسرانی که در سال های پیش از انقلاب به این سازمان پیوستند، نوجوانانی بودند که از طریق مساجد و هیات های مذهبی یا دوستان خود جذب «اسلام مدرن» شده بودند؛ اسلامی که نه راه روحانیت را قبول داشت و نه روشن فکران مذهبی. این سازمان قرار بود مروج «اسلام واقعی» باشد.

برخی از اعضای مجاهدین در جنگ ایران و عراق هم شرکت داشتند. آنها در سال های نخست جنگ، قدم به جبهه ها گذاشته بودند اما بیشتر آنها در جبهه مقابل جمهوری اسلامی بودند. با نگاهی به اسامی کشته شده های این سازمان در نبرد مسلحانه مقابل ایران در چندین عملیات که مهم ترین آن ها «فروغ جاویدان» بود، افراد زیر ۱۸ سال هم به چشم می آیند.

«عیسی آزاده»، فرمانده نظامی سابق سازمان مجاهدین خلق است. به گفته او، انقلاب ایدئولوژیک در این سازمان در سال ۱۳۶۸ اوج گرفت. به دستور «مسعود رجوی»، رهبر این سازمان، طلاق های اجباری اتفاق افتاد و ازدواج، سکس و معاشرت ممنوع شد تا مبارزان فارغ از وابستگی های دنیوی، تن به جنگیدن برای آرمان های خود بدهند. از آن سال به بعد، کودکی در این سازمان به دنیا نیامد و ورود خانواده ها و کودکان به داخل تشکیلات ممنوع اعلام شد.

واکنش منفی بین المللی به این مساله سبب شد برخی از خانواده ها و کودکان به داخل تشکیلات برگشتند: «اما برخی از این کودکان وارد مناسبات نظامی شده و برای عملیات به داخل ایران فرستاده شدند. عراق هم از سوی ایران بمباران می شد و تحمل این جو کاملاً نظامی گاه برای بزرگسالان هم ناممکن به نظر می آمد. بچه ها می شنیدند که چه بر سر دیگران می آمد و شبها در رخت خواب، خودشان

دفتر خدمات بین المللی

قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران



(408)909-9060



ادامه مطلب رایان آری... از صفحه ۳۹

بهرتر شدن تشویق نماید. خیلی ها بر این اعتقاد هستند که برای نامزدی و انتخاب شدن در کنگره باید از خانواده بخصوص برگزیده باشید. الان وقتی است که این اعتقاد باید عوض شود. نماینده ملی آمریکا باید از بین یک خانواده معمولی انتخاب شده و برای مردم و بهتر شدن شرایط زندگی مردم معمولی فعال باشند. رایان می گوید: «امیدوارم به من پیوندید چرا که ما به شما نیاز داریم تا با انتخاب کردن نمایندگان از مردم و برای مردم اعتماد را به مردم برگردانیم.»

با داوطلب شدن در کمپین رایان و انتشار اخبار مربوط به کمپین و کمک مالی ۱۲ دلار (منطقه ۱۲ کالیفرنیا)، از او حمایت کنید.

وب سایت رایان: www.khojastehforcongress.com

«کمپین رایان از شرکت ها و گروه های Special Interest Groups خاص کمک مالی قبول نمی کند.»

علاوه بر این، رایان از صرف وقت خود در مشارکت کارهای داوطلبانه لذت می برد. در دوران دانشگاه او در دفتر برابری پارس در پر کردن فرم های شهروندی به بسیاری از مهاجران کمک کرده و به آنها زبان انگلیسی تدریس می کرده است. او به عنوان دانشجوی داوطلب سال انتخاب شده بود.

او همچنین در تعطیلات تابستانی خود در کشور کاستاریکا به تدریس زبان انگلیسی برای کودکان محروم اقدام کرده بود. رایان در زمان اولین ممنوعیت مسافران به آمریکا در فرودگاه سان فرانسیسکو به عنوان مترجم به کمک مردم پرداخت. او همچنین قسمتی از وقت خود را صرف سرو مواد غذایی برای محرومان شهر سان فرانسیسکو اختصاص داده است. رایان امیدوار است که با نامزدی خود برای کنگره آمریکا، جوانان و شهروندان مهاجر را برای مشارکت در هر نوع انتخابات برای عوض کردن شرایط کنونی برای

ادامه مطلب مصاحبه یک... از صفحه ۳۱

حساب خود را پرداخت نمی کنند. ما در واقع می خواستیم از طریق این تهدیدها، اگر به اندازه کافی «خوش شانس» بودیم به شماره تماس محل کارشان دست پیدا کنیم. آنها را تهدید می کردیم که می خواهیم بر روی درب همسایه آنها یک آگهی با نامشان و عنوان «همسایه شما صورتحساب خود را پرداخت نمی کند» قرار دهیم. این روش ها بسیار خوب کار می کنند و به همین دلیل ما اغلب از آنها استفاده می کردیم. مشکل این است که هیچ کدام از آن واقعا راست نیستند. تمام نکته این است که به آنها شوک وارد کنیم تا در یک لحظه بتوانیم به شماره کردیت کارت و یا اطلاعات حساب بانکی آنها دست پیدا کنیم. کل هدف این بود: ترساندن آنها به طوری که آنها بدهی را تماما پرداخت کنند. باز هم، مشکل این است که بسیاری از این مردم به دلیل اینکه ترسیده اند، بدهی خود را با پولی که از دولت بعنوان کمک هزینه مواد غذایی Food Stamp دریافت می کنند، پرداخت می کنند.

آیا تا به حال از کسی که می دانستید توانایی پرداخت ندارد، پول گرفته اید؟ همیشه. همانطور که گفتم، بسیاری از این افراد توانایی پرداخت بدهی را ندارند. تعداد بسیار کمی از مردم هستند که نسبت به پرداخت صورتحساب خود بی تفاوت هستند. در واقع، بسیاری از مردم به علت عدم توانایی پرداخت صورتحساب خود گناهکار هستند. ما کارت برنده ای داریم به اسم گناه که همیشه بر علیه آنها استفاده می کنیم. مردم اغلب اشک می ریختند، زیرا می دانستند اگر به ما بدهی را پرداخت کنند، در اجاره کم می آورند. ما به هر حال می خواستیم از آنها پول بگیریم. برایمان مهم نبود، ما فقط به دنبال کمسیون خودمان بودیم.

آزار دهنده ترین اتفاق برای شما چه بود؟ این موضوع بعد از چندین سال به اوج خود رسید. من نمی توانستم با همکارانم که مطلقا هیچ همدردی با این افراد نمی کردند کار کنم. در واقع، برای آنها این اتفاقات مانند جوک بود. آنها کسی را که فریب داده بودند تا بدهی خود را به طور کامل پرداخت کند مسخره می کردند. من یک روز از آنجا

بیرون آمدم و دیگر باز نگشتم. برای کسی که با یک Collector وام روبرو می شود چه توصیه ای دارید؟

هر چیزی که آنها می گویند را باور نکنید. هرگز از طریق تلفن به آنها پولی پرداخت نکنید و یا اطلاعات حساب بانکی خود را

این افراد عمدتا بین ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند. تعداد خانم ها حداقل در جایی که من کار می کردم خیلی زیاد نبود. در آنجا برای پول گرفتن از مردم فاکتوری به نام «وادار کردن» وجود داشت. آنها تلاش می کنند از مردم با تهدید پول بگیرند که خوب می دانستیم این کاملا اشتباه است.

چه مدت شما Collector وام بودید؟ تقریبا شش سال. می دانم که شما می خواهید از من بپرسید وقتی از آن کار لذت نمی بردم، چرا یک مدت طولانی درگیر آن بودم؟ خب، اینکه من همیشه از این کار متنفر بودم به طور کامل هم درست نیست. من برای مدتی گرفتار فرهنگ این کار شدم. بین ما رقابت های بسیاری وجود داشت، رقابتی مانند آنچه شما در واحد فروش می بینید.

یک نکته هست که در آن نمی توانم دروغ بگویم. ما آموزش دیده بودیم که برخی از آسیب پذیر ترین افراد را اذیت کنیم، افرادی که به هر دلیلی نمی توانستند صورتحساب خود را پرداخت کنند. حقیقت این است که بیشتر مواقع آنها به دلیل مشکلات پزشکی یا از دست دادن شغل نمی توانند صورتحساب خود را پرداخت کنند. به ما یاد داده بودند و ما احساس می کردیم که حق داشتیم بسیار تهاجمی عمل کنیم.

چگونه برای دستکاری مردم آموزش دیده بودید؟

فکر می کنم فرض بر این بود که همه این افراد بی خاصیت هستند و در نتیجه به خوبی می شد آنها را فریب داد و اذیت کرد. حداقل این راهی بود که آنها سعی می کردند از نظر اخلاقی آن را توجیه کنند. ما به طور خاص برای انجام کارهای غیر قانونی آموزش ندیده بودیم، اما بارها و بارها به ما گفته شده بود که چگونه این افراد صورت حساب خود را پرداخت نکرده اند و مسئولیت ما جمع آوری بدهی از آنهاست. ما احساس می کردیم حق داریم که خیلی تهاجمی با آنها برخورد کنیم. مشکل این است که تنها راه برای جمع آوری پول از مردمی که واقعا آن پول را ندارند این است که بسیار تهاجمی با آنها رفتار کرد. این شامل تهدید هم می شد.

به طور خاص، چه نوع تهدیداتی انجام می شد؟

ما هر چیزی که باعث می شد مردم پول پرداخت کنند را به آنها می گفتیم. مانند این که اگر بدهی را پرداخت نکنند به زندان خواهند افتاد و یا می گفتیم که قرار است با محل کار آنها تماس بگیریم و به رئیس شان بگوییم که آنها صورت

حکایت

جوانی با چاقو وارد مسجد شد و گفت: بین شما کسی هست که مسلمان باشد؟ همه با ترس و تعجب به هم نگاه کردند و سکوت در مسجد حکم فرما شد، بالاخره پیرمردی با ریش سفید از جا برخاست و گفت: آری من مسلمانم. جوان به پیرمرد نگاهی کرد و گفت با من بیا...

پیرمرد بدنبال جوان براه افتاد و با هم چند قدمی از مسجد دور شدند! جوان با اشاره... به گله گوسفندان به پیرمرد گفت که میخواهد تمام آنها را قربانی کند و بین فقرا پخش کند و به کمک احتیاج دارد... پیرمرد و جوان مشغول قربانی کردن گوسفندان شدند! پس از مدتی پیرمرد خسته شد و به جوان گفت که به مسجد بازگردد و شخص دیگری را برای کمک با خود بیاورد. جوان با چاقوی خون آلود به مسجد بازگشت و باز پرسید: آیا مسلمان دیگری در بین شما هست؟ افراد حاضر در مسجد که گمان کردند جوان پیرمرد را بقتل رسانده نگاهشان را به پیش نماز مسجد دوختند، پیش نماز رو به جمعیت کرد و گفت: چرا نگاه میکنید، به عیسی مسیح قسم که با چند رکعت نماز خواندن کسی مسلمان نمیشود...!

در زمان های گذشته، پادشاهی تخته سنگی را در وسط جاده قرار داد و برای این که عکس العمل مردم را ببیند خودش را در جایی مخفی کرد. بعضی از بازرگانان و ندیمان ثروتمند پادشاه بی تفاوت از کنار تخته سنگ می گذشتند. بسیاری هم غرولند می کردند که این چه شهری است که نظم ندارد. حاکم این شهر عجب مرد بی عرضه ای است و... با وجود این هیچ کس تخته سنگ را از وسط بر نمی داشت. نزدیک غروب، یک روستایی که بشتش بار میوه و سبزیجات بود، نزدیک سنگ شد.

بارهایش را زمین گذاشت و با هر زحمتی بود تخته سنگ را از وسط جاده برداشت و آن را کناری قرار داد. ناگهان کیسه ای را دید که زیر تخته سنگ قرار داده شده بود. کیسه را باز کرد و داخل آن سکه های طلا و یک پادداشت پیدا کرد. پادشاه در آن پادداشت نوشته بود: «هر سد و مانعی می تواند یک شانس برای تغییر زندگی انسان باشد.»

ندهید. از آنها یک آدرس پستی بخواهید تا پرداخت را پست کنید و زمانی که قادر به پرداخت آن بودید، آن را پرداخت کنید. نگرانش نباشید و اول هزینه مواد غذایی و اجاره خود را بپردازید. این یک چاره اندیشی موقت است. هدف

ادامه مطلب به نام هستی... از صفحه ۲۳

اطلاعات مربوط به طرح کارت ها را از ذهن فرستنده دریافت کند. ممکن است معدودی از افراد بتوانند با حدس و گمان بیش از یک پنجم کارت ها را پاسخ درست بدهند، چون درصد کمی از مردم ممکن است توانایی این کار را داشته باشند لذا اعتبار این آزمایش از لحاظ تعیین استعداد تله پاتی بالا می رود.

چگونه وقایع فراروانی به هشیاری

روزمره مربوط می شوند؟

برای رسیدن به پاسخ این سوال نیازمند بررسی کلی فعالیت ذهن و مغز هستیم. وقایع روحی بطور محدود و ناخواسته اتفاق می افتد، بودن در شرایط و انهداگی عضلات و اعصاب (ریلاکس) و یا در حالت رویای تخیلی و یا هنگامی که تحت فشار روانی هستیم، پدیده های فوق روانی ظهور و بروز پیدا می کنند.

حال به مسئله هشیاری می پردازیم. هشیاری را می توان وضعیتی ذهنی دانست که ما را قادر به احساس، دریافت و فکر کردن می سازد. به عبارت دیگر هشیاری هر فرد آگاهی اوست نسبت به خود و محیط اطراف. بسیاری از دانشمندان در این مورد بحث کرده اند که آیا مغز و ذهن واقعیت های مجزا هستند یا اینکه ذهن یک تصور و محصول فعالیت مغز است؟

برای روشن شدن مثالی می آوریم، من می توانم دستم را تکان دهم، این تکان دادن به دو صورت ممکن است:

۱- من تصمیم می گیرم در ذهن هشیار خودم که این کار را انجام دهم، بعد ناخود آگاه من دستور مناسب را به سلول های عصبی مغز که کارشان کنترل حرکات دست است ابلاغ می کند و دست من با این اختیار و اراده تکان می خورد و عملی انجام می دهد.

۲- اگر این اختیار و علاقه تصمیم گیری در ذهن وجود نداشته باشد، لازم می شود که انسان مانند یک ماشین به محرک خاصی عکس العمل نشان دهد و در این عکس العمل یعنی تکان دادن دست نه احساس وجود دارد و نه انتخاب و آزادی و چون انسان ماشین نیست و دارای احساس و اختیار است این فرض غیر منطقی و مردود است. **ادامه دارد**

پروفیسور راین برای اندازه گیری استعداد تله پاتی و اصولا پی بردن به وجود چنین استعدادی در افراد یک سری کارت بیست و پنج تایی که شامل پنج طرح ژئومتریک بود طرح ریزی کرد. طرح ها عبارتند از مثلث، مربع، دایره، موازی (موج) صلیب (باضافه). هریک از این تصاویر بر روی پنج کارت نقش شده که مجموعا بیست و پنج کارت را در یک دسته ورق تشکیل می دهد. آزمایشات دکتر راین با این دسته ورق نتایج خوبی در مورد اثبات پدیده تله پاتی بدست داد. کار با این کارت ها به این ترتیب بود که دسته کارت ها کاملا بر زده می شد به نحوی که کارت ها کاملا مخلوط شوند، دوفنر در این تست شرکت دارند، یک نفر به عنوان فرستنده «agent» و یک نفر بعنوان گیرنده «Receiver».

فرستنده از میان دسته کارت ها، کارتی را انتخاب می کند به نحوی که گیرنده مطلع نشود و سعی می کند از طریق تمرکز فکر شکل کارت انتخاب شده را به ذهن گیرنده انتقال دهد. گیرنده آنچه دریافت کرده بیان می کند. این کارت از دسته کارت ها خارج می شود و به عنوان دریافت درست یا اشتباه گیرنده محاسبه می شود. البته پس از انجام گمانه زنی روی بیست و پنج کارت که به همین ترتیب و با انتقال فکر فرستنده و دریافت گیرنده انجام می شود، نتیجه مشخص می گردد. احتمال درست حدس زدن در این آزمایش یک به پنج است، بخاطر اینکه فقط پنج طرح روی کارت ها وجود دارد و هر طرح یک پنجم تعداد کل کارت ها است، پس احتمال اینکه هر کس بخواهد پاسخ درست را در این آزمایش حدس بزند بدون اینکه از استعداد تله پاتی برخوردار باشد، یک به پنج است. یعنی می تواند فقط پنج پاسخ درست را در مجموع بیست و پنج کارت حدس بزند، اما اگر پاسخ های درست بیش از پنج باشد به همان نسبت از وجود استعداد تله پاتی در شخص گیرنده خبر می دهد و نشانگر این است که شخص گیرنده با استفاده از استعداد تله پاتی توانسته است

ادامه مطلب نقدی کوتاه... از صفحه ۱۰

۱۰- محمد به بردگان فراری می گوید که نزد اربابشان برگردند. آخرین کتابی که در این نوشتار فشرده یا «تلگرافی» به پیام های آن می پردازم «بررسی و تأملی در متن کتاب قرآن» است. این کتاب مستند را دکتر محمدعلی مهرآسا نوشته و تنها مرجع آن قرآن است. نویسنده کتاب بر زبان عربی چیرگی نمایان دارد. در متن کتاب آیه های قرآنی به زبان عربی نوشته شده اند و ترجمه این آیه ها به زبان فارسی از سوی مترجمان سرشناس ایرانی و خود دکتر مهرآسا افزوده شده است. کتاب در ۲۰۶ رویه نوشته شده و قطع بزرگ دارد. دکتر مهرآسا در پیش گفتار کتاب می نویسد: «متجاوز از پنجاه بار من کتاب قرآن را خوانده و دوره کرده ام؛ این کتاب فرقی با تورات و انجیل ندارد و هر سه کتاب بارشان مهملات است؛ دین اسلام میدان قساوت و کشتار و زجر و شکنجه است.»

گزیده هایی از گفتارهای کتاب:

۱- پیغمبران، بزرگترین فریبکاران تاریخ و پرتلاش ترین عاشقان فرمانروایی و شهرت بوده اند.

۲- محمد از سوی الله به مردم امر می کند: «از خدا اطاعت کنید، از رسول خدا اطاعت کنید و از فرمانروایانی که از سوی همان رسول بر شما تعیین می شوند نیز اطاعت کنید.»

۳- خدا خالق بشر نیست، بلکه بشر خالق خداست.

۴- این گفته که «محمد بی سواد بوده یک دروغ آخوندی است.»

۵- الله بارها گفته است: ما برای شما کتاب فرستادیم، نه پیام شفاهی و وحی.

۶- خدا، الله، یهوه، پدر آسمانی و اهورا مزدا، همه موجودات ساختگی و تخیلی هستند و مخلوق ذهن آدمی اند.

۷- قرآن همانگونه که گروه متزله در قرن چهارم و پنجم هجری می گفتند، مخلوق انسان است و توسط انسان نوشته شده است.

۸- خدا هر کس را که بخواهد هدایت می کند و هر کس را که بخواهد گمراه می کند. **ادامه دارد**

دکتر روشنگر انگیزه خود را از نوشتن کتاب «بازشناسی قرآن» چنین بیان می کند: «اکنون که گروهی ملای خودخواه از لایه لای فسیل های پوسیده و کپک خورده تاریخ سر به در آورده و با ایجاد یک سیستم فاشیستی مذهبی سرمایه های ملی، معنوی و فرهنگی ما و از جمله جان و آزادی هم میهنان را به نام دین در معرض نابودی قرار داده، دم از ایجاد انترناسیونالیسم اسلامی می زنند و مرتکب آن چنان فجایع وحشتناکی شده اند که سینه تاریخ از ثبت آنها شرم دارد، دیگر سکوت را گناه تلقی کرده و به نگارش این کتاب می پردازم.»

آقای علی میرفطروس نویسنده کتاب «اسلام شناسی» است. این کتاب با بهره بردای از ۱۰۵ کتاب، رساله، مرجع، جزوه، سند و مدرک نوشته شده است. در اینجا به پاره ای از نوشته های این کتاب به شیوه ای بسیار فشرده اشاره می شود:

۱- پیش از ادعای پیامبری محمد، یهودی ها و مسیحی ها باور داشتند که به زودی پیامبری در عربستان ظهور خواهد کرد.

۲- محمد پیش از دعوی پیامبری با ادیان دیگر آشنایی داشته است.

۳- زمانی که ثروتمندان مکه پی بردند که پذیرش اسلام بر خوردی با منافع آنان ندارد دین اسلام را پذیرفتند.

۴- علی یکی از بزرگترین ثروتمندان عربستان بوده است.

۵- بزرگترین هدف جنگجویان عرب، چپاول دارایی های شکست خوردگان و دستیابی به نعمت های بهشت بوده است.

۶- محمد به اعراب می گوید «فقیر بودن خواست خداست؛ فقر سبب افتخار است؛ بیشتر بهشتیان از فقیرانند.»

۷- بزرگترین ثروتمندان عربستان محمد، ابوبکر، عمر، عثمان، علی، ابوسفیان، خالد بن ولید، زبیر ابن عوام، طلحه، زید بن ثابت و عبدالرحمن بن عوف بوده اند که لقب او «قارون اسلام» بوده است.

۸- به هشت دلیل داستان «غدیر خم» جعلی است.

۹- محمد می گوید شک درباره آنچه در قرآن نوشته شده کفر است.

دفتر خدمات بین المللی

قبول وکالت در کلیه امور حقوقی در دادگاه های ایران



(408)909-9060



ماهنامه پژواک

با درج آگهی در نشریه پژواک، پیشه و خدمات خود را به ایرانیان شمال کالیفرنیا معرفی نمایید!

(408)221-8624

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

اما چه فایده یک سالی بیشتر نبود که زن داشتم دلم برای بوشهر و آبادان تنگ شده بود. به زخم که اسمش طلعت بود گفتم میخوام برگردم ایران. زد زیر گریه و گفتم نرو بمون. اما من به حرفش گوش نکردم. هرچی هم داشتم دادم بهش. طاعت گفتم که ازت طلاق نمی گیرم چون امیدوارم اگه رفتی برگردی. امدم و برنگشتم. البته بی کس و کار نبود و خواهر و برادر داشت. خیلی هم زن دست و پا داری بود.»

یادمه این حرفارو هم آروز جلو مادرم گفتم و مادرم باهاش دعوا کرد و گفتم که کار بدی کردی. باز یادمه یه روز گفتم که «من قهرمان دوچرخه سواری در آبادان شده بودم. مدال هم گرفتم و روزنامه های ورزشی هم نوشتند.» بابام می گفت: «من چهارمعالیم، بختیاری نیستم. بختیاری ها دامدار و کوچ روند اما چهارمعالی ها یک جانشین کشاورزند، زبونشون هم با زبون بختیاری فرق داره.» بهر صورت اینطور که بابام برامون تعریف کرد اسم پدرش منصور و آدم هیکل داری هم بود. یه سال بابابزرگ ما با قافله از چهارمعال حرکت کرد که بیاید جنوب دیدن برادرش. بین راه دسته ای از دزدها به قافله آنها حمله کردند. پدر بابام با آنها درافتاد. نامردا او را کشتند و اشرفی های دور کمرش را هم بردند. قافله بابام و برادرش را به عمویشان رسانیدند. بابام می گفت: «من پیش عمویم زیاد نماندم. زدم رفته بوشهر اما برادرم پیش عمویم مانده بود و متاسفانه همانجا روزی که می خواست پریموسی روشن کند آتش گرفت و سوخته بود. در بوشهر هم چندسالی ماندم و بعد رفته عراق. در عراق هم زیاد نماندم و امدم آبادان.» بعد در همانجا با مادرم ازدواج کرد. من و خواهرم هر دو متولد آبادان هستیم. وقتی که من بزرگ شدم برای ادامه تحصیل در دانشگاه امدم تهران و بعد از مدتی زن گرفتم. یه سالی که بابام بعد از بازنشستگی مریض شده بود آمد با مادرم تهران. بردیمش دکتر حالمش بهتر شده بود تا اینکه من یک هفته ای ماموریت اداری داشتم رفته اردوگاه میرزا کوچک خان در شمال. آنجا یه روز خبر رسید پدرت حالمش خوب نیست، برگرد. شبانه برگشتم اما زمانی رسیدم که همسرم، دوستان و بستگان پدرم را دفن کرده بودند. برادر همسرم می

گفت که «تا آخرین لحظه در بیمارستان هسترودی تو را صدا می کرد و من می گفتم که من حسینم. باور کرد یا نکرد من نمی دانم.» وقتی من خودم را به خانه رسانیدم از پدرم فقط یک ساک کوچک لباسش بود و خودش را دیگر ندیدم. اگر من هنگام دفن او تهران بودم از روی شناسنامه اش عکسش را بر می داشتم آنهم با کلاه پهلوی. حالا من عکس درستی از بابام ندارم. یادش بخیر با دست خاکی باران بود. غیرت را با او بهتر می توانی معنا کنی.

هنر ترجمه فیتزجرالد

فیتزجرالد در طی این ۷۵ رباعی چنان افکار و فلسفه خیام حقیقت جوی و حقیقت بین را با مهارت شرح می دهد و با قوت و قدرت بیان می کند که می توان گفت کمتر موضوع و مضمونیست که در رباعیات خیام باشد و در این مجموعه نباشد. عصاره فکر خیام را بطرزی گرم و متبلور و مسلسل در این ۷۵ رباعی گنجانیده شده و منطقتش چنان قویست که خواننده را جز تسلیم چاره ای نیست. این منظومه هنگامی در انگلستان منتشر گشت و به شهرت عظیم رسید که جامعه اروپایی بیشتر به حفظ ظواهر پایبند بود تا به حفظ اصول. مردم به کلیسا می رفتند ولی عقیده ای راسخ به دین نداشتند. در چنین جامعه ای، رباعیات خیام امید و فلسفه نوین آورد و با کلمات رسا، منطقی و محکم، ریا و ظاهر سازی را مکروه شمرد. فلسفه خوشگذرانی مخلوط با تسلیم. خوشگذرانی نه از روی فساد و تسلیم نه از روی یاس. به مردم آموخت و در عین حال گفت: «دم را دریاب زیرا چورفتی رفتی.» هیچ قطعه، منظومه یا اثری در زبان انگلیسی، به اندازه رباعیات خیام ترجمه فیتزجرالد بر افکار و عادات انگلیسی زبانان، نفوذ پابرجای، ثابت و مداومت نداشته. امروز بسیاری از رباعیات وی جزو اصطلاحات هر روزه در آمده و مردم بدون اینکه بدانند در مکالمه و مکاتبه بکار می برند. در سال ۱۹۵۹ میلادی، مردم جهان صدمین سال انتشار ترجمه رباعیات (به زبان انگلیسی) را جشن گرفتند و از فیتزجرالد و خیام تجلیل کردند. یک رباعی که فیتزجرالد به زبان انگلیسی ترجمه کرده فارسیش از این قرار است:

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم

وین یکدم عمر را غنیمت شمیریم

ادامه مطلب نوشخند و پوزخند... از صفحه ۱۷

برای پیدا کردن زن یا شوهر مناسب محتاج هوش و درایت و تجربه زیاد است. بخصوص پشتکار فراوان می خواهد، چون شنیده ام گاهی اوقات بچه ها حسابی سرشان کلاه رفته. دختر جوان، خوشگل و تحصیل کرده ای را می شناسم که در دام ازدواج با پسری افتاد که این پسر دوست پسری بوده که در اینترنت با دختر آشنا شده و قصد ازدواج داشته و این پسر سر دوستش را کلاه گذاشته و دختر مورد نظر او را از دستش قاپیده. بهر حال باید مواظب بود و قبول کرد یا متد قدیمی و خزینه ای یا متد اینترنتی خودمان. انتخاب با شماسه. مبارک باشد.

ادامه مطلب پیشینه جشن شب... از صفحه ۱۴۸

سفره میزد است و میزد عبارت است از میوه های تر و خشک و آجیل یا به اصطلاح زرتشتیان لُرک که از لوازم این جشن بود که به افتخار و ویژگی مهر یا خورشید برگزار می شد. امروز هم ایرانیان در سراسر جهان این جشن زیبا را در کنار یکدیگر برگزار می کنند و به خواندن شاهنامه و گرفتن فال حافظ می پردازند.

خارج نیست؟ آقای سردار سپه، من یک قلم بیش تر ندارم و آن را هم حکومت نظامی شما می تواند در هم بشکند، و حالت روحیه ام نیز برای تحسن در هیچ جا و تشبث به هیچ بیگانه ای حاضر نیست؛ ولی، مع ذلک، چون نمی خواهم سرنوشتی نظیر اسلاف شما منتظر شما بوده باشد، این حقیقت خالی از آرایش را می گویم. شما برای اجرای نیات خود و برای توسعه قوای نظامی و عظمت دادن ایران باید نه تنها مطابق قانون و اصول حکومت ملی ایران رفتار کنید، بلکه دست به دست آزادیخواهان داده بنای استبداد و مفساد موجوده اجتماعی را متزلزل کرده برای کلیه مظاهر اجتماعی خود یک طرح تازه و جدیدی بریزید.»

سردار سپه که تاب تحمل کوچکترین اشاره لفاظه را نداشت، این مقاله ملامت آمیز را خواند ولی هیچ عکس العملی نشان نداد. دشتی مقالات خود را همچنان دنبال می کرد و تلویحا به هر گونه دیکتاتوری و استبداد و تخلف از قوانین حمله می کرد.

(نقل از کتاب از نیما تا روزگار ما، تالیف یحیی آرین پور - جلد سوم)

سالها پیش که روزنامه ها و مجلات بیشتری منتشر می شد هرکس قصد ازدواج داشت در روزنامه اعلان می کرد. مشخصات خودش را می نوشت بدون اینکه نام واقعی اش را بنویسد. این شیوه همسریابی ایرانیان کم کم از بین رفت تا اینکه خواستگاری آن لاین مد شد.

موفق ترین نوع انتخاب شریک زندگی این روزها اینترنت است و اکثر زوج های جوانی را که من می شناسم از طریق آن لاین باهم آشنا شده اند و آشنائی منجر به ازدواج شده است که البته این طریق آشنا شدن خطرات بسیاری دارد چون نمی توان کاملا به صداقت طرف مقابل اطمینان کرد. این راه هم مانند تمام راه های دیگر

این سفره جنبه دینی داشته و مقدس بود و از ایزد خورشید روشنایی و برکت می طلبیدند تا در زمستان به خوشی سر کنند و میوه های تازه و خشک و چیزهای دیگر در سفره تمثیلی از آن بود که بهار و تابستانی پربرکت داشته باشند و همه شب را در پرتو چراغ و نور و آتش می گذراندند تا اهریمن فرصت دژخویی و تباهی نیابد. سفره شب یلدا

فردا که ازین دیر فنا درگذریم

با هفت هزار سالگان سربسیریم

نامه ای از پیر مطبوعات ایران علی دشتی
علی دشتی در سر مقاله شماره دهم شفق سرخ به تاریخ ۱۶ فروردین سال ۱۳۰۱ نوشت: «آقای سردار سپه، بخوانید و به دقت هم بخوانید زیرا از وقتی که متصدی وزارت جنگ شده اید کمتر این گونه کلمات به مسامع شما رسیده است. آقای سردار سپه، آن روزی که مدیر ستاره ایران را به امر شما شلاق زدند یک نفر به شما نگفت که این رفتار در خاطره عموم ملت چقدر اثر سوء بخشیده است. آن روزی که مدیر ایران آزاد به حکم شما تبعید شد کسی این قدر در راه دوستی شما فداکاری نداشت که از اصدار این حکمی که به قلوب عناصر آزادیخواه یک صدمه غلیظی می زد، جلوگیری نماید در مملکتی که آزادی را به قیمت خونهای مقدسی به دست آورده و حکومت را از محمدعلی میرزا و درباریان و وزرا گرفته به قانون داده اند، آیا قضاوت در مندرجات جراید از وظایف یک نفر نظامی به کلی

ادامه مطلب ورزش از نگاه من... از صفحه ۱۴

بهرحال مسکو مسافران جام جهانی خود را شناخت. در قاره اروپا پنجاه و یک کشور عضو فیفا یا فدراسیون جهانی فوتبال هستند. از این گروه سیزده تیم به جام جهانی راه می یابند. روسیه، بلژیک، آلمان، انگلیس، اسپانیا، لهستان، سرینیا، ایسلند، فرانسه، پرتغال، سوئیس، سوئد و دانمارک از این گروه هستند. بازمانده های بزرگ در این گروه، هلند و ایتالیا هستند. ایتالیایی ها بعد از پنجاه و هشت سال در جام جهانی نخواهند بود و روسیه، توریست های بسیار ایتالیایی را نخواهد دید. تاسف بزرگ برای لوئی بوئن کاپیتان محبوب ایتالیایی ها بود که پس از آخرین بازی در برابر سوئد و حذف کشورش به پهنای صورتش اشک ریخت و از مردم ایتالیا عذر خواست. این یکی از غم انگیزترین صحنه های فوتبال در مسیر جام جهانی بود. فراموش نکنید که او چهل و یک ساله است و بسیار دیر خواهد بود که چهار سال بعد به جام جهانی برود. بهرحال این نام ها را بیاد می آورید، ریورا، مازولا، بونین سنیا، فاکتی، روسی، تاردلی، آلتوبلی، برگومی و در کنار همه اینها بوئون افسانه ای. فدراسیون فوتبال ایتالیا پس از حذف تیم ملی فورا آقای ونورا سر مربی را مزول کرد. او استعفا نداد و خواستار حق و حقوقش شد. او تا سال ۲۰۲۰ قرارداد دارد و حالا نمی تواند از خانه بیرون بیاید تا پول هایش را خرج کند. چرا که کسی چیزی را به او نمی فروشد و همه زیر لب نفرین اش می کنند. روس ها هم از حذف ایتالیایی ها ناراحتند چرا که آنها توریست های ایتالیایی را در جام جهانی از دست خواهند داد، هافبک هجومی ایتالیایی تیم ناپولی گفت که حق ما بود که به جام جهانی برویم. اینستینه که در تمام مدت بازی روی نیمکت بود گفت که مهم نیست که چه کسی بازی کرد، من حاضر بودم سرم را بدهم تا تیم ما به جام جهانی برود، من بیشتر از خودم برای بوئون ناراحتم، او بهترین دروازه بان جهان است و جایش بسیار خالی خواهد بود. آقای ونورا گفت همه چیز بسیار خوب بنظر می رسد وقتی تیم می برد، اما خدا نکند که ببازد چون همه آن چیزهای خوب چنان بد می شوند که راهی جز فرار ندارند.

بهرحال مسکو مسافران جام جهانی خود را شناخت. در قاره اروپا پنجاه و یک کشور عضو فیفا یا فدراسیون جهانی فوتبال هستند. از این گروه سیزده تیم به جام جهانی راه می یابند. روسیه، بلژیک، آلمان، انگلیس، اسپانیا، لهستان، سرینیا، ایسلند، فرانسه، پرتغال، سوئیس، سوئد و دانمارک از این گروه هستند. بازمانده های بزرگ در این گروه، هلند و ایتالیا هستند. ایتالیایی ها بعد از پنجاه و هشت سال در جام جهانی نخواهند بود و روسیه، توریست های بسیار ایتالیایی را نخواهد دید. تاسف بزرگ برای لوئی بوئن کاپیتان محبوب ایتالیایی ها بود که پس از آخرین بازی در برابر سوئد و حذف کشورش به پهنای صورتش اشک ریخت و از مردم ایتالیا عذر خواست. این یکی از غم انگیزترین صحنه های فوتبال در مسیر جام جهانی بود. فراموش نکنید که او چهل و یک ساله است و بسیار دیر خواهد بود که چهار سال بعد به جام جهانی برود. بهرحال این نام ها را بیاد می آورید، ریورا، مازولا، بونین سنیا، فاکتی، روسی، تاردلی، آلتوبلی، برگومی و در کنار همه اینها بوئون افسانه ای. فدراسیون فوتبال ایتالیا پس از حذف تیم ملی فورا آقای ونورا سر مربی را مزول کرد. او استعفا نداد و خواستار حق و حقوقش شد. او تا سال ۲۰۲۰ قرارداد دارد و حالا نمی تواند از خانه بیرون بیاید تا پول هایش را خرج کند. چرا که کسی چیزی را به او نمی فروشد و همه زیر لب نفرین اش می کنند. روس ها هم از حذف ایتالیایی ها ناراحتند چرا که آنها توریست های ایتالیایی را در جام جهانی از دست خواهند داد، هافبک هجومی ایتالیایی تیم ناپولی گفت که حق ما بود که به جام جهانی برویم. اینستینه که در تمام مدت بازی روی نیمکت بود گفت که مهم نیست که چه کسی بازی کرد، من حاضر بودم سرم را بدهم تا تیم ما به جام جهانی برود، من بیشتر از خودم برای بوئون ناراحتم، او بهترین دروازه بان جهان است و جایش بسیار خالی خواهد بود. آقای ونورا گفت همه چیز بسیار خوب بنظر می رسد وقتی تیم می برد، اما خدا نکند که ببازد چون همه آن چیزهای خوب چنان بد می شوند که راهی جز فرار ندارند.

بهرحال مسکو مسافران جام جهانی خود را شناخت. در قاره اروپا پنجاه و یک کشور عضو فیفا یا فدراسیون جهانی فوتبال هستند. از این گروه سیزده تیم به جام جهانی راه می یابند. روسیه، بلژیک، آلمان، انگلیس، اسپانیا، لهستان، سرینیا، ایسلند، فرانسه، پرتغال، سوئیس، سوئد و دانمارک از این گروه هستند. بازمانده های بزرگ در این گروه، هلند و ایتالیا هستند. ایتالیایی ها بعد از پنجاه و هشت سال در جام جهانی نخواهند بود و روسیه، توریست های بسیار ایتالیایی را نخواهد دید. تاسف بزرگ برای لوئی بوئن کاپیتان محبوب ایتالیایی ها بود که پس از آخرین بازی در برابر سوئد و حذف کشورش به پهنای صورتش اشک ریخت و از مردم ایتالیا عذر خواست. این یکی از غم انگیزترین صحنه های فوتبال در مسیر جام جهانی بود. فراموش نکنید که او چهل و یک ساله است و بسیار دیر خواهد بود که چهار سال بعد به جام جهانی برود. بهرحال این نام ها را بیاد می آورید، ریورا، مازولا، بونین سنیا، فاکتی، روسی، تاردلی، آلتوبلی، برگومی و در کنار همه اینها بوئون افسانه ای. فدراسیون فوتبال ایتالیا پس از حذف تیم ملی فورا آقای ونورا سر مربی را مزول کرد. او استعفا نداد و خواستار حق و حقوقش شد. او تا سال ۲۰۲۰ قرارداد دارد و حالا نمی تواند از خانه بیرون بیاید تا پول هایش را خرج کند. چرا که کسی چیزی را به او نمی فروشد و همه زیر لب نفرین اش می کنند. روس ها هم از حذف ایتالیایی ها ناراحتند چرا که آنها توریست های ایتالیایی را در جام جهانی از دست خواهند داد، هافبک هجومی ایتالیایی تیم ناپولی گفت که حق ما بود که به جام جهانی برویم. اینستینه که در تمام مدت بازی روی نیمکت بود گفت که مهم نیست که چه کسی بازی کرد، من حاضر بودم سرم را بدهم تا تیم ما به جام جهانی برود، من بیشتر از خودم برای بوئون ناراحتم، او بهترین دروازه بان جهان است و جایش بسیار خالی خواهد بود. آقای ونورا گفت همه چیز بسیار خوب بنظر می رسد وقتی تیم می برد، اما خدا نکند که ببازد چون همه آن چیزهای خوب چنان بد می شوند که راهی جز فرار ندارند.

ادامه مطلب نامه های شگفت انگیز... از صفحه ۴

دین محمدی در آنجا تفوق دارد ولی به دو آیین تقسیم شده است یعنی سنی و شیعه. یهودیان در آنجا معبد یهود و هندیان نیز معبد خاص خود را دارند. تعداد هندیان در اینجا تقریباً دویست نفر است که بزرگترین کارهای بازرگانی را در دست دارند و ثروتمندترین بازرگانان هستند. علاوه بر این، اینان مردمانی بسیار آرام و متین هستند و در بین خود بی نهایت متحد و یگانه اند. وقتی که هوا خوش است باهم به کنار جویباری می روند و در آنجا می نشینند و مراسم نماز خود را بجای می آورند.

مسیحیان شهر ارمنی هستند و بیش از دویست خانوار نیستند. خانه هایشان کوچک و تاریک است آنها یک اسقف دارند که معمولاً در صومعه ای منزل دارد که در بیرون شهر واقع شده است. مسکوی ها نمازخانه ای در انبار تجاری خود دارند. کشیشان این دو ملیت لباس سبز می پوشند و بدبختانه هم اینان و هم آنها غیبی که دارند اینست که شراب را به حد غیرمعقول دوست می دارند. حاکم شهر و تمام ایالات عنوان خان دارد و قاضی ای که پلیس را اداره می کند و به شکایات مردم رسیدگی می کند کلانتر نامیده می شود.

ادامه مطلب افزودن ۱۰۰ امتیاز... از صفحه ۲۱

به عبارت ساده: شما باید نسبت بدهی به اعتبار خود را در تمام کردیت کارت های خود کمتر از ۳۰ درصد نگه دارید. اشتباه برداشت نکنید، تصور نکنید که می توانید بالانس ۶۰ درصد بر روی یک کارت و بالانس ۱۰ درصد در دیگری داشته باشید و این OK هست، زیرا به طور متوسط کمتر از ۳۰ درصد بالانس داشته اید. نه، این درست نیست. بالانس هر یک از کارت ها باید به صورت جداگانه زیر ۳۰ درصد باشد. چیزی که بسیار مهم است به خاطر بسپارید. بنابراین برای پیشرفت سریع کردیت اسکور، کردیت کارت های خود را که بالانس بالاتر از ۳۰ درصد دارند را به زیر این عدد برسانید.

با یک Secure Credit Card به سرعت سابقه کردیت مثبت برای خود بسازید

حالا که حساب های منفی را حذف کردید و نسبت بدهی به اعتبار در کردیت کارت های خود را بهینه سازی کردید، آخرین مرحله این است که شروع به ساخت سابقه کردیتی مثبت کنید. در حالی که برخی حساب های منفی هنوز هم در حال پایین آوردن کردیت اسکور شما هستند، ممکن است گرفتن تاییدیه از بانک برای دریافت یک کردیت کارت معمولی برای تان مشکل باشد. این جایی است که Secure Credit

Card وارد بازی می شوند.

زمانی که کردیت اسکور بد دارید Secure Credit Card به شما کمک می کند که کردیت اسکور خود را روز به روز بهتر کنید! اگر نمی دانید که Secure Credit Card چیست، اجازه دهید برایتان توضیح دهم. این کارت اساساً کردیت کارتی است که هر کسی که کردیت بد دارد می تواند برای آن اقدام کند. دلیلی که همه برای آن اقدام می کنند «امن» بودن آن است. به عبارت دیگر، شما پول به حساب واریز می کنید و عملکرد آن مانند یک Debit Card است. تفاوت بین یک سکیور کردیت کارت و یک Debit کارت این است که یک سکیور کردیت کارت در Credit Report شما گزارش می شود. بنابراین هنگامی که شما کردیت بد دارید، این اقدام یک فرصت طلایی برای ساخت سابقه کردیتی مثبت است.

صدها سکیور کردیت کارت برای انتخاب وجود دارد و انتخاب آن واقعاً به خودتان بستگی دارد. من چند سکیور کردیت کارت را بررسی کرده ام و شما می توانید برای برگزیدن یکی از آنها از این مطلب راهنمایی بگیرید. سکیور کردیت کارت دلخواه من Open Sky است. امیدوارم این تکنیک ها جهت بهبود امتیاز کردیت تان مفید باشد.

ادامه مطلب عشق، هوس... از صفحه ۳۷

جشن شب عید با سر و صدا و پیمانہ به پیمانہ زدن و آواز خواندن و رقصیدن ادامه داشت اما نازارینا همچنان در اطاق خود ساکت و مات روی تخت نشسته بود و به یک نقطه خیره مانده بود. الیزابتا و فرانسیسکو نیز حال خوشی نداشتند اما دو دختر و شوهرانشان و دوستان و اقوامی که همه در آن خانه مهمان بودند، بی خیال از غم آنها مشغول به سرور و شادمانی خود بودند. کارینا از همه خوشحال تر بود چون برآستی از فریدون بیزار شده بود و از غم و غصه ای هم که به دل الیزابتا نشسته بود، به شکلی راضی بود. ربکا به اندازه کارینا خوشحال نبود اما بدنبال حصول نتیجه میگشت. دایبی با آنکه با قهر و داد و فریاد خانه الیزابتا را ترک کرده بود، برای جشن شب عید به آنجا آمد. نخست سری چرخاند که ببیند چه کسانی در آنجا هستند و بیشتر مقصودش، پیدا کردن فریدون بود اما وقتی او را ندید، از

کارینا پرسید: «پسره کجاست؟ نازارینا هم که نیست! نکند دو تایی رفته اند و در اطاق خواب نازارینا جشن گرفته اند!». ربکا گفت: «نه دایبی - میانه شان به هم خورده و نازارینا تنها در اطاقش در حال عزاداریست.» دایبی بدون آنکه از کسی سؤالی بکند سرش را پایین انداخت یک راست رفت به اطاق نازارینا و گفت: «من بهت نگفتم، این پسره پرسپانی نوکر امپریالیست آدم نیست؟ حالا که به حرف من رسیدی باید خوشحال باشی و جشن بگیری و از همه بیشتر برقصی - حالا هم پاشو و بیا بریم پیش باقی.» نازارینا هیچ حرکتی نکرد و اصلاً انگار چیزی نشنید. دایبی جلو آمد و بازوی نازارینا را گرفت و کشید. نازارینا که پُر از بغض بود، نتوانست تحمل کند و با شدت به گریه افتاد و آنچنان ضجه زد که دایبی از ترسش، به سرعت اطاق را ترک کرد و تا انتهای مهمانی هم به سراغش نیامد.

داغ دلم را بر

ادامه مطلب گیله مرد... از صفحه ۳۴

از خانه آمدم بیرون. جمعیت موج می زد. پیچیدم به راست. چند قدمی رفتم. آدم ها به من تنه می زدند. انگاری همه شان عجله داشتند. توی جمعیت گم شدم. گیج شده بودم. می ترسیدم. مغازه آقای خیر خواه را نتوانستم پیدا کنم. پیچیدم به چپ. چند ده قدمی رفتم. مغازه آقای خیرخواه آب شده بود و در زمین فرو رفته بود. ده بار هی از بالا به پایین و از پایین به بالا رفتم. هر چه نگاه می کردم نمی توانستم مغازه آقای خیرخواه را پیدا کنم. دیگر داشت ترس ورم می داشت. دهنم باز مانده بود و حیران به در و دیوار نگاه می کردم. کم مانده بود بزم زیر گریه. یک وقت دیدم یکنفر صدام میکند: «پسر آقای فلانی! پسر آقای فلانی! چه میگردد؟» آقای خیر خواه بود. سلامی کردم و سکه ده شاهی را کف دستش گذاشتم و گفتم: «مامانم گفته بیام اینجا ده شاهی وینجه برای خواهرم بخرم!» آقای خیرخواه ده شاهی را گرفت و یک دانه آدامس گذاشت کف دستم و گفت: «برو به سلامت.»

آدم خان. از پله های چوبی بالا رفتم. آدامس را گذاشتم توی دست خواهرم و گفتم: «این هم آدامس شما.» خواهرم آدامس را کوبید توی صورتم و شروع کرد به جیغ و داد و فریاد که: «من وینجه می خوام. آدامس نمی خوام.»

مادرم از راه رسید و آدامس را داد

دستم و بامپی کوبید تو ملاجم و گفت: «جوان مرگ شده، برو خبر مرگت وینجه بگیر!»

گریه کنان از خانه آمدم بیرون. جمعیت توی خیابان موج می زد. پیچیدم دست راست. نتوانستم مغازه آقای خیر خواه را پیدا کنم. گریه کنان ده بار از بالا به پایین و از پایین به بالا رفتم. مغازه کوفتی آقای خیر خواه انگار دود شده بود و به هوا رفته بود. داشت ترس ورم می داشت. یک وقت دیدم یکنفر صدام می کند: «پسر آقای فلانی! پسر آقای فلانی! چی شده؟ چرا گریه میکنی؟» آقای خیرخواه بود. از بس گریه کرده بودم نشناختمش. گریه کنان گفتم: «مامانم گفته بود بروم دکان خیر خواه برای خواهرم وینجه بخرم. اما این خیرخواه خواهر ج... بجای وینجه به من آدامس داده است!»

از این ماجرا هفده هیجده سالی گذشت. یک روز دوران دانشجویی ام از تبریز آمده بودم لاهیجان. یک آقای با خانمش مهمان پدرم بود. من نمی شناختمش. سلامی و علیکی و حال و احوالی و آن آقا از من پرسید: «مرا می شناسی؟» گفتم: «متأسفانه خیر.»

گفت: «من همان خیر خواه خواهر فلان شده هستم که بجای وینجه، آدامس بهت فروخته بودم!»

*وینجه = نوعی آدامس. سقز

ادامه مطلب یادداشت های بی تاریخ... از صفحه ۸

می آیی و پیش رفقا، همکاران، زن و بچه قبی می آیی که: «امیرعباس می خواست مزه دهنمو بفهمه که وزیر میشم یا نه؟ آب پاکی رو دستش ریختم.»

به جز زنت که از ته و توی کارت با خبر است بقیه یا در دلشان می خندند یا توی صورت نگاه می کنند و یابو ترا به سرعت دور می کند.

یابو حیوان وحشتناکی است. از سرطان سنگین تر به جانت چنگ می اندازد. مجال کتاب خواندن، روزنامه خواندن و حتی رادیو گوش دادن به تو نمی دهد. تو را دارد می برد به جایی که فکر می کنی همه چیز می دانی و همه سطور نانوشته را می خوانی.

بچه های عزیز من، مواظب یابو باشید. در روزهایی که می آید فکر نکنید که: - در تجزیه و تحلیل خبرها کسی به گرد شما نمی رسد. راهروان پیاده با صبر و حوصله فرسنگ ها، از شما که یابوی نخوت برتان داشته، جلوترند.

گمان نبرید که:

- خبر دست اول را شما دارید و رئیس اداره اطلاعات سد سولقان. خبر دست اول را آن آقا دارد که سد را ساخته است. شما خبر ساختن سد را نوشته اید منتهی به کمک یابو.

یابو حیوان بدی است. اگر یابو شما را بردارد خود را قوی تر از آنچه هستید می پندارید و وقتی پررو شدید همان که سوارتان کرده می آید جلو چشم همه، چشم بر هم می گذارد، با رکیک ترین دشنام ها پس

گردن تان را می گیرد، پیاده تان می کند و می فرستد آنجا که عرب نی بیندازد. مواظب آنها که یابو برایتان می آورند باشید. این ها همه مأموران دستگاه خوارسازی انسانند. ظاهر آراسته آنها که گاه دکتر هستند، گاه استاد، گاه سیاستمدار برجسته، خامتان نکند. سوار یابوی تعریف و تمجید نشوید. روز رسیدن به مقصد اگر یابو برتان داشته باشد، در بازگشت به صحرای حقیقت بزگر پس افتاده ای خواهید بود که خبر دروغ می نوشته، پول می گرفته، برای پست و مقام سر خم می کرده.

دیگر چه بگویم؛ دارم می فرستم تان به سوی موج حادثه. فقط یک قایقران کوچک و صمیمی باشید که پیچ و تاب دریا را می شناسد و می داند که چگونه پارو بزند. از کسانی که با یابو به استقبال تان می آیند بپرهاسید؛ بچه های من بپرهاسید. با خبر زندگی کنید، آن را بیهوده شاخ و برگ ندهید. از قطره بارانی سیل نسازید. باد را نکارید که مجبور شوید توفان درو کنید. اگر عاقلید از سرویس های کوچک شهری کارتان را شروع کنید. دنبال حوزه وزارتخانه نروید. اگر می خواهید خبر را بشناسید بروید سرویس حوادث به دبیر سرویس بگویند که می خواهید خبرنگار پزشکی قانونی باشید. تنها در آنجاست که شما با جنازه حقیقت در اتاقی سرد و نیم تاریک روبرو خواهید شد.

- سفر به خیر...

ادامه مطلب «ترنج» در داستان... از صفحه ۳۳

یغمایی، انتشارات دانشگاه تهران، ش ۷۱۷، جلد سوم از ۷ جلد، صفحه ۷۴۲.

[۱۰] این بیت در دیوان سید حسن غزنوی، معاصر عطار، نیز آمده است.

[۱۱] در آیه های ۳۱ و ۵۰ سوره ۱۲/یوسف، کلمه قطعن به معنای «بریدن» برابر با «مجروح کردن» آمده، زیرا واضح است که زنان مصری از فرط هیجان دیدن یوسف دست خود را قطع نکردند بلکه به خطا بریدند، در حالی که در آیه ۲۸ سوره ۵/مائده، در مورد مجازات سارقین، کلمه قاطعوا از همان فعل و ریشه به صورت «برید» برابر با «جدا کنید» معنا شده است. از این رو، برخی گفته اند که مجازات سارقین نیز در حد بریدگی و علامت گذاری دست آنان است، زیرا اگر قفر و نیاز از عوامل اصلی سرقت باشد، قطع دست یا انگشت امکان کار کردن را از شخص خاطی سلب می کند یا کاهش می دهد و بر قفر و نیاز او می افزاید، خاصه آنکه در آیه بعد (آیه ۳۹) آمده که چنانچه سارق یا ستمکار یا خطاکار توبه کرد و خود را اصلاح کرد خداوند او را می بخشاید، و این توبه و اصلاح و عفو الهی ظاهراً با آن مجازات جبران ناپذیر همخوانی ندارد. در مقابل این نظر، گفته شده که در زبان عربی قطع کردن به هر دو معنای بریدن جزئی (مجروح کردن) و کلی (جدا کردن) به کار می رود، چنانکه در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، «بریدن» و «cut» به هر دو معنای جزئی مانند بریدن صورت یا تیغ و کلی مانند بریدن درخت با اره به کار می رود.

این نیز گفتنی است که واژه متک یا متکا را سکونت، در هیچ قاموس یا فرهنگ لغات عربی به معنای ترنج دیده نمی شود. اینکه هیچ یک از مفسران و قرآن پژوهان عرب زبان طی قرون گذشته واژه قرآنی متکا را به ترنج یا میوه ای دیگر معنا نکرده اند، به این دلیل است که آنان ترجمه فارسی تاریخ طبری اثر بلعمی را راهنمای خود قرار نداده اند. (۱)

[۱] قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، بی تا.

[۲] قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

[۳] قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

[۴] قرآن کریم، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی.

[۵] قرآن کریم، ترجمه منظوم امید مجد. چاپ دهم، ۱۳۸۰.

[۶] قرآن کریم، ترجمه منظوم امید مجد. چاپ بیست و ششم، ۱۹۹۲.

[۷] The Holy Quran, Translation and commentary by Zohurul Hoque, 2000, Holy Quran Publishing Project, Centerville, OH, USA.

[۸] The Koran Interpreted, by Arthur J. Arberry, 1955, George Allen & Unwin Ltd., London and The Macmillan Co., New York.

[۹] ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح و اهتمام حبیب

5 Holiday Doldrums & How to Tackle Them



Caroline Nasser
Accident Lawyer

Productivity can take a nose-dive during the holiday season, especially if employees are impacted by a cold or other illness, personal stressors, or inclement weather. While some of these circumstances are uncontrollable, employers can take steps to help make the holiday season as smooth as possible. Here are some ways to address common issues that arise this time of year:

Increased vacation requests

The holiday season is a popular time for employees to request vacation. If this time of year is busy for you, establish an early deadline for submitting vacation requests, or have blackout periods (when vacations are completely off limits) or brown-out periods (when time off is restricted). Whatever strategy you choose, establish policies on how employees can submit vacation requests and make clear that the company reserves the right to decide when employees can take time off. Additionally, give supervisors guidance on handling time off requests and ensuring adequate staffing levels.

Unscheduled absences

Some employers see a rise in unscheduled absences before and after a company holiday when employees call in “sick” but really just want the day off. To help address this issue, consider requiring non-exempt employees to work the day before

and after a holiday to receive holiday pay (unless the time off was scheduled in advance). Apply this policy consistently, but reserve the right to review on a case-by-case basis for legitimate instances of illness. Additionally, this policy cannot be applied to employees who are classified as exempt from overtime (these employees must generally receive their full salary in any workweek in which they perform work). You can also consider incentives to help limit unscheduled absences, such as a providing an extra vacation day to employees who work during less desirable times or who meet certain attendance and punctuality benchmarks.

Holiday blues

For some employees, the holiday season can be a stressful time and this can impact performance. Morale-boosting activities, such as company outings, a holiday party, potlucks, or volunteer opportunities may help to relieve some of this stress. You can also consider flexible work arrangements this time of year, such as alternative start and stop times or compressed workweeks.

Inclement weather

In many parts of the country, inclement weather can present a challenge this time of year. To ensure that your company continues to run smoothly during a weather emergency, develop contingency plans and identify essential business functions, equipment, and staff needed to maintain operations. This may include having a generator to keep company equipment and computer servers operating, backing up data in a separate and secure location, and/or allowing employees to work remotely. Since power outages are possible, have multiple ways to contact employees during an emergency, including cell

Continued from Page 60

After Flynn...

Finally, Mr. Flynn’s cooperation could also place Mr. Trump himself in real jeopardy. ABC News has reported that Mr. Flynn will say Mr. Trump “directed him to make contact with the Russians.” If that is so, it opens a Pandora’s box of questions for the president. Is that a reference to the calls about the sanctions, or something else? How many times did Mr. Trump do that, when, and about what? How can we square that with the president’s denials of knowledge about the Flynn contact with Sergey Kislyak, the Russian ambassador, or any contact with Russia? The possible answers range from bad to worse to fatal for the president.

Whether or not that reporting is borne out, there are a variety of other ways Mr. Flynn could damage the president. Mr. Trump is said to be under investigation for obstruction of justice. That includes allegedly telling the F.B.I. director at the time, James Comey — in an apparent reference to the very conduct to which Mr. Flynn has pleaded guilty — “I hope you can see your way clear to letting

this go, to letting Flynn go.” There is already significant evidence that Mr. Trump obstructed justice, and Mr. Flynn may be able to add to it — for example, by testifying that those efforts came at his request, or by sharing any other relevant conversations he had with the president.

Finally, the plea raises the prospect that the president will renew his reported interest in pardoning current or future targets of the investigation or firing the special counsel. Both would be grave errors.

Mr. Trump exposed himself to obstruction of justice liability by exercising his power to fire Mr. Comey for questionable ends. Mr. Trump would incur the same potential liability were he to issue pardons for self-interested or corrupt reasons, and the courts might not recognize their validity. Even lawfully conferred powers wielded by the president cannot be employed corruptly. The same goes for firing Mr. Mueller. The president tried that once with Mr. Comey and it only landed him in hotter water. If he attempts it now, he will find the temperature boiling.

We need to reject any politics that targets people because of race or religion. This isn’t a matter of political correctness. It’s a matter of understanding what makes us strong. The world respects us not just for our arsenal; it respects us for our diversity and our openness and the way we respect every faith. Barack Obama

phone and landline numbers and personal email addresses.

Cold and flu

The winter is also cold and flu season. Consider providing employees with information on how to prevent the spread of germs and encourage (but do not require) employees to get a flu shot and other vaccinations. Help employees practice healthy habits by providing tissues, no-touch trash cans, hand soap and sanitizer, and disposable towels. Additionally, encourage employees to stay home from work if they are sick. The Centers for Disease

Control and Prevention recommends that employees wait at least 24 hours after a fever ends before returning to work. Note: If the condition is considered a disability under the Americans with Disabilities Act, the employer must consider a reasonable accommodation and evaluate whether the illness is severe enough to pose a direct threat to others in the workplace.

Conclusion

Preparation is the key to a smooth holiday season. Make sure you are prepared to handle increased absences and other potential dips in productivity.

After Flynn, Are Kushner & Don Jr. Next?



Michael Flynn pleaded guilty to lying to the F.B.I. while serving as President Trump's national security adviser. Making a false statement to a federal official is a felony offense, but nowhere near as bad as what the special counsel, Robert Mueller, could likely have charged Mr. Flynn with, including charges for possible violations of the Foreign Agents Registration Act (similar to those brought against the former Trump campaign chairman Paul Manafort and his deputy Rick Gates) or those stemming from a possible attempt to kidnap a Turkish cleric in Pennsylvania. By pleading guilty and agreeing to cooperate with Mr. Mueller, Mr. Flynn also appears to have averted prosecution of his son, who was reportedly implicated in some of the misconduct.

Prosecutors generally offer favorable plea bargains like this one only when the cooperating defendant can provide evidence that incriminates someone "up the ladder" — someone more senior than the defendant himself. In our experience, that is particularly true when the prosecutor is deciding not to pursue other, readily provable charges, like those that seem to exist here. Let's there be any doubt about what is happening, the statement of the offense filed along with Mr. Flynn's plea shows that he is prepared to testify that the communications that he lied about, concerning conversations with the Russian ambas-

sador in December 2016, were discussed with multiple members of the transition team — including one "senior official" and one "very senior member." It is not yet clear who those individuals are, but transition officials and members included Jared Kushner and Donald Trump Jr. as well as Vice President Mike Pence, Representative Devin Nunes of California; the former White House chief strategist Steve Bannon, and Treasury Secretary Steven Mnuchin. It is probably Mr. Kushner who is in greatest jeopardy now. Bloomberg has reported that he is the very senior transition member who directed Mr. Flynn to reach out to Russia. Mr. Kushner has already been questioned by the special counsel and by Congress. If he was one of those officials Mr. Flynn spoke to and he was not honest about it when questioned, he could face similar false statement charges.

Mr. Kushner also failed to disclose approximately 100 foreign contacts on his security clearance application; each omission is a potential false statement. Mr. Flynn may have information about conversations with Mr. Kushner that would demonstrate that the omissions on Mr. Kushner's form were intentional, and therefore criminal. Remember, we do not know everything Mr. Flynn has to say. What was disclosed in the court filings and hearings is probably only the tip of the iceberg; prosecutors generally keep that to the bare minimum needed for the guilty plea, in order to avoid tipping their hand in their investigation.

Donald Trump Jr.'s exposure is also deepened by the Flynn plea, along similar lines as Mr. Kushner. He might (or might not) be one of the unnamed transition participants Mr. Flynn identified. Moreover, the president's



Heal Your Body Through Positive Energy

Our bodies and minds are constantly interacting. Most of what comes into the mind enters through the senses and most of our feelings, although experienced physically, are interpreted mentally. When this interrelationship of body and mind is not balanced and feelings do not flow smoothly through the body, tension builds up, giving rise to negative emotions which can cause both physical and mental illness.

In order to develop and maintain health and balance, it is important to treat the body and mind as an integrated system. To do this it is helpful to carefully observe their interrelationship and to learn how this interrelationship works.

Mind is related to the senses, which are related to the body, while the body is related to the world. Each one leads to the other. Each has its own pattern, and together they all act and interact very quickly, but each process also follows specific channels. As the senses communicate information to the mind, the mind begins to make decisions, which involve judgments, concepts, and dualities, that then create separateness and conflict.

Therefore, as soon as this process begins, conflict is automatically initiated—Conflict within

son has been interviewed at length as a part of congressional investigations, and Mr. Flynn's testimony could show he was not candid. Because of Mr. Flynn's role on the campaign as a trusted member of the inner circle, he may also have a great deal to say about topics

the mind itself, conflict between body and mind, conflict between the senses and the mind... first internally, then externally. Certain feelings are stronger in some areas of the body than in others, and vary in intensity at different times.

When our awareness is undeveloped, our senses often do not even register the impressions received. We can, however, consciously develop our sensitivity which will cause our awareness to improve as well. We should begin by carefully observing our thoughts and feelings.

As soon as one thought or image arises, it leads to another, which may be interpreted or associated with still another; and this chain is very difficult to break. So our minds become caught in continual motion, and are given no chance to rest and replenish their energy. The result is that our bodies and minds become exhausted, and mental agitations accumulate.

Once we learn to relax and develop a positive attitude, we can break through this state of inner stagnation, so that the energy is free to flow naturally and harmoniously.

When we learn to calm and integrate the body, breath, and mind, our whole system becomes vitalized and healthy.

like Mr. Trump Jr.'s June 2016 meeting with several Russians, Mr. Manafort and Mr. Kushner, or about the Trump scion's contacts with WikiLeaks. If Mr. Flynn's recollection is not the same as what Trump the Younger told Congress, Don Jr. is in serious trouble.

Continued on Page 59



آرش زاد - مانی حاتمی

مشکل کردیت دارید؟

(415) 814-5666



گریمنس امسال

حذف هر نقطه منفی و نادرست
از کردیت شما فقط

۳۵۰ دلار



به همراه مشاوره و آنالیز رایگان
حذف اکانت های منفی و نادرست از قبیل:

Late Payment . Judgment . Charge off . Tax Lien
Collection . Bankruptcy . Inquiries . Foreclosure





Caroline Nasserri
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۸ سال تجربه

- ✦ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده
- ✦ صدمات شدید بر اثر تصادفات
- ✦ مرگ بر اثر تصادفات
- ✦ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasserri62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112